



ماهانامه مسجد - ماهنامه فرهنگی آموزشی و ترویجی دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد / شماره ۱۷۶ / شهریور ماه ۱۳۹۳
 صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد • مدیر مسئول: سعید کریمی • دبیر تحریریه: حسن علی آبادی / دبیران: سرویس

- سرویس منبر: یاسر شریعتی • سرویس رواق: سعید علی آقایی • سرویس محراب: علی بانمش
- سرویس شبستان: مهدی اخلاقی • کارشناسان تحریریه: حجت الاسلام جواد محمد زمانی، دکتر محسن گلپایگانی، دکتر سعید مهدوی، حسن طاهری
- گروه مؤلفین: حجت الاسلام عمار ابوطالب، دکتر محمد مهدی علی مرادی، حجت الاسلام محمدی، صمد نظری، حسن هرمز، حسن صالح زاده، یاسین شیخ زاده، نفیسه پور امینی، سید محمد مهدی رضوی پور، حسین علی آبادی، محسن کیانرند سزای، دانیال نعیمی، محدثه روئین فر، احسان جندقی، محمد صادق احمدی، لیلا کریمی شنبه بازاری، سمیه شمسی، فاطمه سادات میر جیمی، محمد جواد مقدمی شهیدانی، مهدی منتظری، سعید علی رضوی، مصطفی رضوانی، حمید شکاری، مسعود دیانی، فاطمه زمانی، محمد درودگری، محمد جعفر آبادی، فاطمه سعیدی، مرضیه عبوی، سید روح الله دعائی • طراهی و گرافیک: مصطفی سلیمانی / اسید مهدی حسینی • ویراستار: محمد باقر حقانی / فصل • شماره گان: ۳۰۰۰



۱۷۶

منبر



مهرات های کلاس داری / ۴ برگزاری مسابقات در تابستان / ۶ نمونه قیش / ۸ بانوی خوبی ها / ۱۲ امامزادگان کاظمی در ایران / ۱۴ سفر با سفرنامه نویسان راه خدا / ۱۶ حفظ هویت معنوی مکه یک ضرورت اجتناب ناپذیر / ۱۸ توفیق یک منبری / ۲۰ مسجد پایگاه پرورش نیرو برای جنگ نرم و وسخت است / ۲۱

رواق



گونه شناسی اندیشه پس از مرگ در ادیان / ۲۴ زندگی در پس زندگی، اخروی یادنیوی / ۲۵ سمساره / ۲۸ گذرگاه دآوری یا چینود پل / ۲۹ جهان بعدی در سرزمین افسانه ها / ۳۱ معادمانوی / ۳۱ جمع میان حق و باطل / ۳۲ معاد در تبعید / ۳۴ مسیحیت و اندیشه حیات جاویدان / ۳۵

محراب



وقتی پیامبر الگو شود / ۲۸ مسجد فرهنگ سازی و فرهنگ بانی / ۴۲ مشارکت اقتصادی / ۴۴ مسجد سنگ بنای اقتصاد اسلامی است / ۴۵ صندوق های هلمپ شده / ۴۶ مسجد و باز دهی اقتصادی / ۴۸ صفای مسجد / ۵۰

شبستان



سلوک جهادی در اندیشه رهبر فرزانه انقلاب / ۵۴ دوراهی سازش و مقاومت / ۵۶ در عراق چه گذشت / ۵۷ فرهنگ مصرفی و سرنوشت ملت / ۵۹ در ۱۱ سپتامبر چه گذشت / ۶۰ قه / ۶۱ فرهنگ / ۶۱ مقصود چیست نکند کبیه مهانه شود / ۶۳ ناز طیبیان و تن / ۶۴ کارمند حبیب خداس / ۶۶ کتابخانه مسجد / ۶۷ عوض کردیم نام کوچه ها / ۶۸ نقدی بر گذشته / ۶۹ نبرد آلوتان / ۷۰ کتابخانه مسجد / ۷۱

♦ در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است

- ♦ آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان است نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر منبع مجاز است.
- ♦ مطالب خود را تزجها تایپ شده به رایانامه نشریه ارسال کنید.
- ♦ مطالب ارسال شده به تحریریه / ۷۵ بازگرانده نمی شود.
- ♦ باتشکر از تمام عزیزانی که ما را در تهیه / ۷۵ یاری رسانند.

آدرس: قم، بلوار شهید صدوقی، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل (ع) / پلاک ۱۰۳
 دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

• تلفن: ۰۲۵۳۲۹۳۳۸۳۵ - ۰۲۵۳۲۹۳۳۸۳۷ • شماره پیام کوتاه: ۰۱۵۱۵۴۲۳۰۰۰
 • نشانی اینترنتی: <http://www.masjed.ir> • پست الکترونیک: n.masjed@chmail.ir



تعاونی مسجدی شاید آری!

در فضای مجازی کلیبی از مناظرهای پخش شد که در آن طرفین درباره کاربرد حداقلی و حداکثری دین صحبت‌هایی داشتند. یکی از آنان که معتقد به کارکرد حداقلی دین در عرصه زندگی بود، متکی بر شواهدی از جمله مسئله تفکیک قوا و بانکداری اسلامی ذهن‌ها را به این نکته توجه داد که دین در واقع متولی برپامه‌های اقتصادی و مادی انسان نیست؛ بلکه نقش دین بیش از هر چیزی در رابطه با موضوعات مادی چیست؟ آیا تا با مسائل مادی در فضای خارج از ادراکات و روابط مادی به دست می‌آید و یا اینکه نسبت بین این دو عموم و خصوص مطلق - به این معنا که تمام مسائل مادی به نحوی در خدمت معنویات هستند، ولو آنکه در درون خود و به دانه چنین خاصیتی نداشته باشند؟ آری به نظر می‌رسد صورت دوم به حقیقت نزدیک‌تر باشد؛ زیرا با وجود آنکه بسیاری از علوم بشری با روش تجربی و نیز در چارچوبی غیر از حیطه دین به دست آمده‌اند، بدان جهت که در خدمت معنویات و اهداف آن تعریف نشده‌اند، پیش از آنکه منفعت‌همگانی داشته باشند ضررهای فراوانی را به جامعه انسانی وارد نموده‌اند؛ تا آنجا که روح جمعی و تعاون را در سطوح مختلف جوامع که رنگ‌تر کردند.

در سالیان نه چندان دور و در نسل‌های گذشته، معاونت و همراهی بر کار مسجدی و دینی نه تنها دیده می‌شد، بلکه امری ضروری محسوب می‌شد. اما نوع تعریف مدرنیته از زندگی گاهی در نسل نو اختلاقی را در این همراهی به وجود آورده است. انگیزه‌های فوق‌العاده‌آغازین بی‌سال‌های انقلاب اسلامی، مجموعه‌های اقتصادی پرکاربرد را در مساجد ایجاد نمود که گاهی فراوانی را با مدیریت مسجدی و دینی از عرصه اجتماع آن روز باز می‌نمود؛ از جمله تعاونی‌های اسلامی که در شکل‌های مختلف بازاری و اقتصادی جریان داشتند. نکته مهم در این رابطه پیوند ویژه و همگرمی خاصی بود که در صفوف مؤمنین ایجاد می‌شد؛ چرا که فراتر از ماجرای منفعت‌طلبی فردی، خدمت‌رسانی به محله، منطقه و شهر و حتی در عرصه ملی قرار داشت.

با کمال تأسفک این دست‌کارها به دلیل نبودن طرحی ملون و ضعف مدیریت محلی و منطقه‌ای و همچنین روزآمد نشدن پس از مدتی، دچار رکود و در نهایت منجر به ورشکستگی شدند. با شکست این مجموعه‌ها کمی در نقش مسجد در منسجم‌سازی حرکات‌های اقتصادی حلال‌تر تردید به وجود آمد. به نظر می‌رسد با تشکیل مجموعه‌های این چنینی که با مدیریت مساجد اتفاق می‌افتد، می‌توان امید به آن داشت که مسجد به عنوان اصلی‌ترین کارگاه‌سازی‌های نقش منحصر به فرد خود را در همه عرصه‌های مخصوص به خود جلوه گر سازد؛ آن‌گاه.

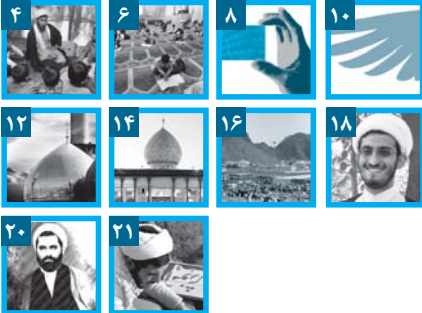
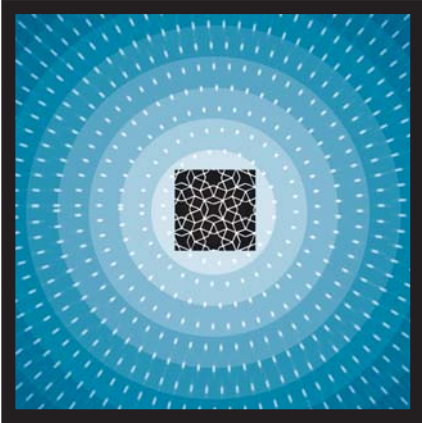
منبر

سنگین / شماره ۱۷۰ / مرداد ۱۳۹۳

مسوین سنبر:

دعایی که بیشترین از باقی ادعیه در ماه مبارک رمضان خودنمایی می‌کند، طلب زیارت خانه خداست، دعایی که در شب سرنوشت ساز قدر نیز بر آن تأکید شده است: «اللهم انی أسألك فیما تقضی وتقدر من الأمر المحتوم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل آن تکتب من حجاج بیتک الحرام». سز طلب حج در شب قدر مکتسوف نیست؛ ولی قدر مسلم نساگر عظمت این فریضه الهی است. مقدمه ورود به ماه حج، ذی القعدة الحرام است، ذی الحجة، ماه الحرام مناسک حج، ماه حرام است، ماه های قبل و بعد از آن نیز حرام است. شاید فلسفه حرمت این سه ماهه آدمی کامل برای به جا آوردن فریضه حج و زیارت خانه خداست. ماه های حرام، ماه های صلح و آرامش اند تا در سایه سار آن مسلمانان به عبادات بی‌وزند و گناه عظیم حجاج بیت الله الحرام، در کمال شکوه و امنیت برگزار نسود. بر طبق روایتی ثواب عمل خیر دو برابر و عقاب گناه نیز در این ماه مضاعف می‌گردد.

«اللهم ارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا وفقی کل عام ما یقیننی فی سیرکم و عافیة وسعة رزق».



برگزاری مسابقات مختلف در قایمستان

مسجد نظری (استاد مرکز تخصصی تبلیغ)

قسمت دوم



در شماره پیشین با مهارت برگزاری مسابقات آشنا شدید و در این قسمت با بخشی دیگر از این مهارت آشنا خواهید شد.

آزمون اطلاعات عمومی

شماره اول

۱. اعلام کنید یک آزمون ویژه با جایز نفیس در تاریخ... برگزار خواهد شد.

۲. درباره موضوع و جزئیات آزمون حرفی نزنید. ۳. جایز خوب و نفیسی برای مسابقه آماده کنید. ۴. تبلیغات خوبی برای آزمون و جایز انجام دهید.

۵. مسجد را مکان آزمون قرار دهید (خانم‌ها در قسمت مخصوص خود و برادران هم در جایگاه خود حاضر شوند).

۶. شرکت کنندگان باید به صورت جلسه امتحان و آزمون بنشینند.

۷. پرگه آزمون باید شش شرکت کنندگان پیش کشند و از آنان بخواهید در مدت سعی دقیقه، اطلاعات خواسته شده را بنویسند.

۸. برای برگزاری آزمون حتماً مراقب بگذارید. ۹. پس از برگزاری آزمون حتماً برگزندگان را در مسجد تشویق کنید و در حضور نمازگزاران، جایز را تقدیم کنید.

۱۰. در فرصتی مناسب جواب سؤال های آزمون را برای عموم مردم در مسجد توضیح دهید. ۱۱. مسافران آزمون حفظ را در صورت آمادگی آنان، برای اجرای برنامه در مسجد بعد نماز مغرب و عشاء دعوت کنید.

۱۲. عموم مردم با بدین نمره کار شما بسیار تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. ۱۳. عدای از خیرین با بدین این نمونه برنامه‌ها

انگیزه بیشتری برای کمک به چنین برنامه‌هایی پیدا می‌کنند (کمک به اهداف جایز).

نمونه ۱: آزمون زنان نمونه

۱. یادآورده یا حتی بیشتر) مرود از بانوان نمونه صدر اسلام یا قبل از اسلام را انتخاب کنید.

۲. اطلاعات مفید و مختصری از هر بانو بنویسید، به طوری که بر احوی قابل تشخیص برای عموم مردم نباشد.

۳. از آزمون از افسرد بخواهید حدس بزنند شخصیت موضوع نظر چه کسی است؟

۴. وی زنی است که در ابتدای پیدایش اسلام، دعوت پیامبر گرامی اسلام را پذیرفت و در سال پنجم بعثت به همراه همسرش جعفر بی‌نی‌طلب و حدود هشتاد نفر از مردان و زنان ایمان به وحیه هجرت کرد. خداوند در حیشه

به‌وسیله سوزنده نام‌های عبدالله، محمد و عون جنود او همواره در خانه حضرت زهرا (ع) بود

شرکت کنندگان قرآن دهید و از آنان بخواهید شانه هم را با علی (ع) بنین یک حضرت صدیقه (ع) را غسل دادن و کفن کرد.

۱. زن عقیقه، دختر حنه و عمران بن ماثان است. خداوند وی را در سنین پیر مادرش، به آنان هدیه کرد. حنه در یکی از روزهای کجولتش با پروردگارش خواستگاری فرزندش را با زاری همسرش عنایت کند. خداوند خواستش را اجابت کرد. روزگار باروری فرار رسید و سر انجام نوزاد چشم‌هقین خود را به قایق چنان کشتود. پس از تولد، به پروردگار عرضه داشت: «ای عیبه‌ها یک و ذریه‌ها من الشیطان الزمیم» و خداوند پاسخ داد: «فقتلها زریها یقبول حسن». سپس مادر، کودک را در پارچه‌ای پیچید و روانه بیت المقدس کرد. کودک را به دست اسیر همدان و به منزل بازگشت.

نمونه ۲: آزمون عبرت شناسی

جنود زیر را در بر کهای طراخی که در دهه اختیار شرکت کنندگان قرآن دهید و از آنان بخواهید هر قدر اطلاعات دارند بنویسند. کسی که

نام	معصوم اول	معصوم دوم	معصوم سوم	معصوم چهارم
لقب				
کنیه				
نام پدر				
نام مادر				
تاریخ ولادت				
مدت امامت				
مدت عمر				
تاریخ شهادت				
نام قاتل				
محل دفن				

(جدول شماره ۱)

بیشترین اطلاعات را بنویسند ممتاز شناخته می‌شود.

۱. کشته ۱۰ مشورت کردن و نگاه کردن به کتاب و ... ۲. معنوع است.

۳. نکته ۲: بعد از اجرای آزمون فرصت بسیار خوبی به دست می‌آید تا امام جماعت تلنگر زده، به عموم مردم بپردازد (جدول شماره ۱)

۴. نکته ۳: بعد از اجرای آزمون فرصت بسیار خوبی به دست می‌آید تا امام جماعت تلنگر زده، به عموم مردم بپردازد (جدول شماره ۱)

۵. نکته ۴: بعد از اجرای آزمون فرصت بسیار خوبی به دست می‌آید تا امام جماعت تلنگر زده، به عموم مردم بپردازد (جدول شماره ۱)

۶. نکته ۵: بعد از اجرای آزمون فرصت بسیار خوبی به دست می‌آید تا امام جماعت تلنگر زده، به عموم مردم بپردازد (جدول شماره ۱)

نمونه ۳: آزمون احکام

۱. آیا کسی که نماز قضا دارد می‌تواند نماز مستحی بخواند؟

الف) خراب ب) بسی ج) اول قضا را بخواند بعد نماز مستحی را د) هیچ کدام

۲. کسی که نماز او در بدین و لباس نجس نماز باطل است. نماز او چه حکمی دارد؟

الف) صحیح است ب) باطل است ج) در صورت کمبود وقت مأمی ندارد د) هیچ کدام

۳. اشک‌هایی که نیاید به آنها اعتنا کرد چند تا است؟

الف) ۱۰ ب) ۸ ج) ۶ د) ۵

نمونه ۴: آزمون تلقینی

۱. کوچکترین و پیرترین شهید کربلا را نام ببرد.

۲. شرط از شروط مرجع تقلید را بنویسید.

۳. کیست؟ خدایا خوش دارم گمان و تنها شام تاد روحانی کشمکش‌های بوج مدفون نشوم. ۴. پنج ابلاغه درای چند خطبه و چند نامه و چند کلمات قهار است؟

۱. ...

۲. مسابقه حضوری: ...

۳. به صورت روزانه برگزار شود ولی محدود، مثلاً چهارده شب.

۴. جهت جذب مخاطبان بیشتر به مسجد و نماز جماعت انجام می‌شود.

۵. بسیار مسابقه جذاب، تأثیر گذار و افزایش دهنده تعداد شرکت کنندگان در برنامه‌های مسجد است.

۶. نکات اجرایی: ۱. سه تا پنج جایزه نفیس که برای عموم مردم جذاب است، تهیه شود.

۲. برای اطلاع رسانی و تبلیغات، اطلاعیه‌ای طراحی و در مکان‌ها پرازدید نصب شود.

۳. جایز و شرکات عمومی مسابقه حتماً در شرایط عمومی: ۱. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۲. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۳. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۴. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۵. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۶. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۷. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۸. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۹. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۱۰. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

نمونه ۵: اقربانی

۱. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۲. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۳. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۴. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۵. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۶. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۷. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۸. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۹. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.

۱۰. نام سوره، شماره و ترجمه آیهای را بنویسید که در آن آمده است حضرت موسی (ع) طلب آب کرد و دوازده چشمه جاری شد.



گوهر ناب

حسین هرمز (فارغ التحصیل مرکز تخصصی تبلیغ)

ایجاد انگیزه به روش ابهامی هر هر با تعریفی متطلب

در این جلسه درباره خصلتی بحث خواهد شد که فواید تربیتی خاصی در فرد، خانواده و جامعه می‌گذارد. اگر فردی دارای این خصلت باشد، همه دنیا در چشمش کوچک می‌شود و او این خوبی، انسان‌راه طبعی خویش را بیسوده، گوهر ناب خود را با می‌یابد. افراد در صورت بی بردن به ارزش و عظمت این طلای ناب که در نهادشان به ودیعه گذارده شده است، گام مهمی در خودشناسی برداشته‌اند.

با این صفت شجاعت کوچک می‌شود و فرد خود را با معیشت نمی‌داند. انسانی که متصف به این صفت گردد، حوادث ناگوار در روح او تأثیری نگذارد و او حرام اجتناب می‌کند و از همه عیبها منزه و پاک می‌شود. این همه از این خصلت «کرامت» جمع شده است. کرامت به معنای دوری از پستی و فرومایگی است. روح بزرگوار و منزه از هر پستی را کریم گویند. لکن ضد کریم است. لگامت بدانت به یک معناست؛ لیک وظیفه و تکلیف و تکریم و احترام در برابر کرامت است. دینی در مقابل کریم است.

افتخار اندیشه به روش توحیح و تبیین

واژه کرامت در روایات بسیاری ذکر شده است و در برخی از آنها به بیان ویژگی‌های شخص کریم پرداخته است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: **الکَرِيمُ مَنْ سَبَقَتْهُ نَفَالَةُ سُؤَالِهِ كَسَى كَيْ قَبِلَ اَلْاَسْوَالَ** «کسی که قبل از سؤال می‌پوشد، کریم است»^۱.

«الکَرِيمُ يَزِدُ عَمَّا قَبْلَهُ تَعْقِيزُهُ اَللَّيْمُ اِنْسَانٌ كَرِيمٌ اِذَا

چیزی که لثیم به آن فخر می‌کند، بیز است»^۲.

همچنین می‌فرماید: **الْكَرِيمُ فَرْنُ صَانٍ عِزَّةً بِمَالِهِ وَ اَللَّيْمُ فَرْنُ صَانٍ مَالَهُ بِعِزَّتِهِ**؛ کریم است کسی که مال را به وسیله او حفظ می‌کند؛ ولی لثیم کسی است که مال را به وسیله او حفظ می‌کند»^۳.

کرامت انسان به چیست؟

شخصیت کریم چگونه شکل می‌گیرد؟ انسان چگونه کرامت می‌یابد؟ تقوا، یگانه معیار کرامت انسان است و در غیر محور تقوا، کرامتی وجود ندارد. هر کس تقوایش قوی تر باشد، به همان میزان از کثیبت کرامت الهی بیشتر بهره‌مند است. قرآن کریم می‌فرماید: **«اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰىكُمْ»**؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقوی‌ترین شماست»^۴.

برای رسیدن به قله بلند کرامت باید به سلاح برهیز از گناه دنیا طلبی، هوا و هوس، و در یک کلمه به سلاح تقوا مجهز گشت. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: **لا کریم الا کریم کالتقوی**؛ کرامت بدون تقوا حاصل نمی‌شود»^۵.

«التقوی مفتاح الکرامه»؛ کلید کرم، تقواست»^۶. در نهج البلاغه نیز حضرت ابن چین به توصیف تقوا می‌پردازد:

«فَاِنَّ تَقْوٰی اللّٰهِ دَوَاءٌ دَاۗءٌ قَلْوٰیكُمْ وَ تَعْرِضُ اَفْعٰدِ تَمْرَضُ مَرَضٌ اَجْنَادِكُمْ وَ اَصْلَاحُ فِئَادِكُمْ وَ تَهْلُو زَنْتَسَ اَفْسَاكُمْ»؛ همان تقوا و ترس از خدا، داری بیماری دل‌ها، روشایی قلب‌ها، درمان دردهای جسم، مژم‌زخم جان‌ها، پاک‌کننده بلیه‌ی ابرو»^۷.

مراتب تقوا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **عَلٰی ثَلَاثَةِ اَوْجُهٍ تَقْوٰی بِاللّٰهِ وَ هُوَ تَرَكُ الخِلَافِ فَطْلَاعِ الشُّبُهَةِ وَ هُوَ تَقْوٰی خَاصِّ الخَاصِّ وَ تَقْوٰی مَنِ اللّٰهِ تَعَالٰی وَ هُوَ تَرَكُ الشُّبُهَاتِ فَطْلَاعِ الخِرَامِ وَ هُوَ تَقْوٰی الخَاصِّ وَ تَقْوٰی مَنِ خَوْفِ اللّٰهِ وَ العَقَابِ وَ هُوَ تَرَكُ الخِرَامِ وَ هُوَ تَقْوٰی العام**،^۸.

تقوای خاص الخاص: کسانی که به مقام فناء راه یافته‌اند؛ اهل تقوا در این مرتبه حلال را جز به اندازه ضرورت ترک می‌کنند، هر چه رسد به شبهه و امر مرتبه انحصار است.

تقوای خاص: کسانی که به حد کمال انسانی گروه اول نرسیده‌اند، ولی در مرتبه‌ای هستند که نه تنها از حرام خداوند سبحان اجتناب

می‌کند، بلکه از شبهات و موارد مشکوک نیز دوری می‌کنند.

۳. تقوای عام: تقوای عام آن است که مؤمنین عادی از ترس عذاب جهنم، از محرمات الهی اجتناب کرده، کارهای حرام را نمی‌انجامند. آیات قرآن کریم در امر به تقوای یک متوال نیستند؛ بلکه به زبان‌های گوناگون امر به تقوا می‌کنند. در یک جا می‌فرماید: **«يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اتَّقُوْا اللّٰهَ حَقَّ تَقٰوٰتِهٖۤ اِیْ كَسٰنِیْ كَمَا لِمٰنْ اُوْرَدَ اِیْدَانُ كُوْنَهٗ كَمَا حَقَّ تَقْوٰی»** و برهیز کاری است، از خدا برهیزید»^۹. در جای دیگر می‌فرماید: **«فَاتَّقُوا اللّٰهَ مٰسِطَتِهٖۤ»**؛ پس می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید»^{۱۰}.

و در جای سوم می‌فرماید: **«فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِيْ وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ»**؛ آتش تریسد که هیزم آن، بدن‌های مردم (کنهکار) و سنگ‌ها (بنا) است، و برای کافران، آماده شده است»^{۱۱}.

تحریک احساس به همواره رفتار ساز

یکی از شاگردان مرحوم شیخ رجلی خباط و مرحوم حامد، یک روز وقتی که وارد محیط کارش می‌شود، یک شیشه روی میزش می‌بیند. از رفقایش می‌پرسد: این شیشه چیست؟ می‌گویند: این شیشه شراب است. وقتی می‌شنود شیشه شراب است، می‌پرسد: مال کیست؟ می‌گویند: مال صاحب کارگاه است. می‌گوید: عجیباً صاحب کارگاه شراب می‌خورد؟ من در اینجا ماندنی نیستم، تقوا به او اجازه نمی‌دهد شراب بخورد.

شاید هر فردی به جای او هزار فکر کند، نامور می‌زوم، زن و چه جامه به می‌شود؟ و برای وند حساب باز نمی‌کند.

لباس‌هایش را پوشید و بیرون رفت. گفت: من در این محیط کار نمی‌کنم، حتی اگر بیکار هم باشم.

مسئرا جوبود. چهار تومان پول بیشتر نداشت. این پول را مدتی خرج کرد.

صاحب کار بعد از چند روز به هوش آمد و پرسید: آقا غلامرضا نیست؟ آقا غلامرضا الان چند روز است که قهر کرده و رفته است.

چرا قهر کرده است، مگر از ما بدی دیده است؟

بوری می‌شنید شیشه شراب را دید. گفتیم مال توست. قهر کرده و رفته. گفت من اینجا کار نمی‌کنم.

صاحب کار گفت: عجیباً پس من در کارگاه و کارخانه‌ها یک مانده مردم صاحب کارم. آقا غلامرضا مرد است باید بروم بیابوشم، این قدر مرد است که به خاطر یک گناه در این محیط، کار را رها کرد و رفته.

آقا غلامرضا را پیدا کرد و به دست او افتاد و گفت: بیا.

آقا غلامرضا گفت:

نمی‌آیم.

نمی‌زیم و به دست ایشان توبه کرد.

آقا غلامرضا گفت: شلنگ بگیر همه جا را آب بکن. این محیطی که شراب خورده شاید نجس شده باشد.

تمام کار خانه و دم دستگاه را با شلنگ آب کیند و بعد هم مدیریت کارخانه را به آقا غلامرضا دادند.

آقا غلامرضا یک تقوا به سر داد. مدیر کارخانه شد. جالب اینجاست که آن زمان که کسی مرد با لانی گرفت به او زوری بختابه تومان می‌داد. این قضیه مربوط به بیش از سی سال پیش است. تقوا بیک کرد، هم خدا به دانش رسید و هم یک در چه مقام و منصب بالا رفت»^{۱۲}.

پی‌نوشت:

۱. «الکریم یفقه صغیرت الدنایا بینه».
 ۲. «من یرتبه یفقه فانت غیبه».
 ۳. «الکریم یفقه لیرینه بالمصعبه».
 ۴. «الکریم صفا».
 ۵. «الکریم من تجلب احرام و نشه عن الیوم».
 ۶. «جواب‌امنی، عبادت، کوکرت درقان».
 ۷. «تفسیر تفسیری، فقه الله».
 ۸. «حدیثی، عدله، یبشین».
 ۹. «الحدیث و التفسیر».
 ۱۰. «عنوان».
 ۱۱. «عنوان».
 ۱۲. «جوابات».
 ۱۳. «فقه الله».
 ۱۴. «تفسیر میزان الحکمه».
 ۱۵. «اصحاح الفقه الصغیر».
 ۱۶. «اصحاح الفقه».
 ۱۷. «عنوان».
 ۱۸. «عنوان».
 ۱۹. «تفسیر».
 ۲۰. «تفسیر».
- مهدی کفردادزاده.

دوبال پرواز در آسمان بندگی

حسین صالح زاده (طلحه صالح علی حوزه طبعی)

ایجاد تکبیر به روش داستانی

حکیم بن عتیبه می گوید: خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام بودم در حالی که اتفاق حضرت مالاصل از مردم بود. ناگاه پیرمردی عصا زنان رسید و گفت: «السلام علیک یابن رسول الله ورحمة الله وبرکاته» و ساکت شد. حضرت پاسخ سلامش را داد. سپس پیرمرد رو به جهت کرد و گفت: «السلام علیکم» و خاموش شد. جمعیت هم همگی سلامش را پاسخ گفتند، سپس رو به امام کرد و گفت: «قوله ائی لاجیکم؛ به خدا سوگند من عاشق شما هستم» و سپس گفت: «و ارجح من یحکمکم» دوستداران شما را نیز دوست دارم» و افزود به خدا سوگند من شما دوستداران شما را نه برای طمع به دنیا دوست دارم، بلکه دوستی ما خالص است؛ به خدا سوگند از دشمنان شما نفرت دارم و از آنان بیزارم؛ به خدا سوگند نفرت و بیزاری من از آنان به دلیل کینه و عداوت نیست. سپس به خدا سوگند حلال شما را حلال و حرام شما را حرام می دانم، حال فایده شوم یا با چنین وضعی امید رستگاری و نجات برای من دارد.»

حضرت فرمودند: «اللی الی» یعنی آنچه را که جفتی به جلوتی بیاید، جلوتی بیاید تا اینکه او را بپلوی خود ندانید.»

سپس فرمودند: «پیرمرد مردی نر ندرم در سن من حسین علیه السلام آمد و از او همین مطلب را که شما از من پرسیدید بر سرید و پیرمرد به او جواب داد: تو اگر از دنیا ببری و رسول خدا صلی الله علیه و آله و حسین و علی بن حسین علیهما السلام و ارباب دین و تشد و شدت و دیدگانت روشن خواهد شد و آنگاه که چنان به اینجا حضرت با دست به

گوش اشاره فرمودند... برسد با کرام الکتابین با شور و شادی به استقبال مرگ خواهی رفت و اگر زنده بمانی شاهد چیزی خواهی بود که خدا به سبب آن دیدگانت را روشن کرداند و با ما در برترین مراتب خواهی بود.»

پیرمرد با تسبیحی نیز ساقی با صدای بلند گریست و حاضران نیز با دیدن حال او گریستند و امام دست پیش بردند و اشکهای پیرمرد را از صورتش پاک کردند.

سپس پیرمرد سر برداشت و به حضرت گفت: «ای پسر رسول خدا! قیادت کردم، دست خود را به من نهید.» حضرت دست به دستان او گذاشتند و او را بوسیدند و بر دیده و گونه نهادند. پیرمرد سپس خدا قاف کرد و رفت.

حضرت که به پشت سر او نگاهش می کرد و به جمعیت نمود و فرمودند: «من اخبأ ان یتظاری زخیل من اهل الجنة فیفتلونی خدا؟ هر کسی که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند به این مورد درنگو.»

دوبال پرواز در آسمان بندگی. خداوند عبرت‌اند از: ۱. محبت اهل بیت علیهم السلام عمل شایسته. امام رضا علیه السلام می فرماید:

«لَا تَدْعُوا الْعَمَلُ الْمَالِغَ وَالْإِحْتِجَافِ فِي الْعِبَادَةِ إِلَّا لَعْنَى عَلِيٍّ شَيْبَةَ الْكَبْشَةِ لَا تَدْعُوا حَبَّ آلِ مُحَمَّدٍ وَالتَّسْلِيمِ لِقَوْمِهِمْ إِلَّا لَعْنَى عَلِيٍّ الْعِبَادَةِ قَائِمَةً لَا تَقْبَلُ أَحَدًا دُونَ الْإِخْوَةِ»^۱ مبادا عمل شایسته نتعهد در عبادت را به اتکای انسان از محبت علیه السلام رها کنی؛ و مبادا دوستی خود را تسلیم در برابر آنان را به اتکای عمل صالح علیه السلام دست بدهی؛ زیرا هیچ کدام از این دو به تنهایی پذیرفته نمی شود.^۲

افغان ابدانه به روش تنظیم دسته بندی

۱. محبت اهل بیت علیهم السلام
بر اساس اعتقادات دینی ما رسیدن به قله رفیع کمالات معنوی و انسانی و پذیرش اعمال در محبت اهل بیت است. در اهمیت و جایگاه پادشاه رسالت پیامبر معرفی کرده است:

«قُلْ لَا اسْتَكْبَرُ عَلَيْهَا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى؛ بگو من هیچ پادشاهی از شما بر رسالت خواست نمی کنم، جز دوست داشتن نزدیکان اهل بیت علیهم السلام». همچنین می فرماید: «اتَّبِعْ قَدَمَا عَلِيٍّ الصِّرَاطِ»^۳ آنکه شما را پیروی کنید. شمار بر صراط کسی است که محبتش به اهل بیت علیهم السلام بیشتر باشد.»

در زیارت امین الله نیز می خوانیم: «خداوند! دل مرا جان شیفه اولیای برگزیده ات قرار ده و مرا در زمین و آسمان محبوب گردان.»

۲. عمل شایسته
محبت و در زین، دلیل دوستی و صداقت نیست؛ زیرا بر خشی است. خودی با خودی پرورش یافته اند و همرا با معاشرت خود اظهار محبت می کنند و نیز بر خشی است. شخص به دلیل مبالغه مشترک به معاشرت خود محبت می پرزد نه به ملامت و تقدیر می کنند و مگر به اخراج و برسی او می روند. برخی در سددن که با جلب توجه و دوستی دیگران کلاه برداری کنند. اگر انسان با محبت و مرحمت کسی رویه رو شود، پس تواند از دوستی و صداقت قلبی مطلع و آگاه شود. مگر موهبی که طرف مقابل دوستی قلبی خود را اعلام کند و به او مطمئن خاطر ببخشد که من همیشه با تو و عشقوار تو خواهم

بود یعنی با یاد اعمال و عمل با هم فریاد تا مابه اطمینان شود.

بر اساس باقر علیه السلام به جای می فرماید:

«وَاخْبَارُوا لِلَّهِ وَاللَّهُ مَعْتَابَرَةٌ مِنَ الشَّارِ وَلَا عَاقِبَةَ لِأَخْسَرِيْنَ خَيْرِيْهِ، مَن كَانَ لِلَّهِ مُطِيعًا قُوْنًا لَوْجًا، وَفِي كَانٍ لِّعَاصِيَاءِ قُوْنًا عَدُوًّا، وَمَثَالٌ وَلا تَقْنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَجْهَ إِجَابَةً بِخَدَا سُوْغِدَ كَهَ جَزَ بِطَاعَتِ نَبِيِّ نَوَانِ بِقُرْبِ خَدَا سُوْغِدَ وَ مَا سَعَدَ آزَادِيْ أَوْ دُوْجِ كَرِيْ كَسِي نَدَارِيْمَ وَ هِجَ كَسِي رَ اَوْ خَدَا نَسِيْبَتِ بِهَ گَانَهَا شِعْرى نَسِيْبَتِ، وَ رَ حَاشِيَةَ نَسِيْبَانِ خُوْدَشَانِ بَدَانَدَنَ، فَالآنَ ز گُوْشِيَةَ نَسِيْبَانِ خَاكِ دَرِ بَهِ گَامَسْت»^۴ دلمان می خواهد که اهل بیت در راه ما این طور قضایوت کنند؛ اما این آسان نیست؛ این فقط با ادعا به دوستی نمی آید؛ این، عمل و گذشت و ایثار و تشبه و تحلیق و اسحاق آسان را لازم دارد.»^۵

بولونا و لیعمل بعلما؛ ما را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که عترت من هم با من هستند، بر حوض اشراق دارم. پس هر کس ما را می خواهد، هم باید گفتار ما را بگیرد و هم عمل ما را عمل کند.»^۶

در این زمینه مقام معظم رهبری می فرماید:

«ما عمل صلی الله علیه و آله به جای خود این خاندان وابسته به این خاندان بشویم. این طور نیست که قبر در خانه علی علیه السلام شن، کار آسانی باشد. این گونه نیست که «مسلمان ما اهل بیت» شن، کار آسانی باشد. ما جامعه موالیان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام از آن بزرگواران تور رفیع که ما را جز خودشان و از حاشیه نسیبان خودشان بدانند، «فان ز گوشیه نسیبان خاک در گامست»^۷ دلمان می خواهد که اهل بیت در راه ما این طور قضایوت کنند؛ اما این آسان نیست؛ این فقط با ادعا به دوستی نمی آید؛ این، عمل و گذشت و ایثار و تشبه و تحلیق و اسحاق آسان را لازم دارد.»^۸

بویقنا و لیعمل بعلما؛ ما را بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که عترت من هم با من هستند، بر حوض اشراق دارم. پس هر کس ما را می خواهد، هم باید گفتار ما را بگیرد و هم عمل ما را عمل کند.»^۹

در این زمینه مقام معظم رهبری می فرماید:

«ما عمل صلی الله علیه و آله به جای خود این خاندان وابسته به این خاندان بشویم. این طور نیست که قبر در خانه علی علیه السلام شن، کار آسانی باشد. این گونه نیست که «مسلمان ما اهل بیت» شن، کار آسانی باشد. ما جامعه موالیان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام از آن بزرگواران تور رفیع که ما را جز خودشان و از حاشیه نسیبان خودشان بدانند، «فان ز گوشیه نسیبان خاک در گامست»^{۱۰} دلمان می خواهد که اهل بیت در راه ما این طور قضایوت کنند؛ اما این آسان نیست؛ این فقط با ادعا به دوستی نمی آید؛ این، عمل و گذشت و ایثار و تشبه و تحلیق و اسحاق آسان را لازم دارد.»^{۱۱}

تحرک تکبیر احساس و رفتار سازی

باضلیف «بلغ من فقیهت بن قولنا غائبا السلام، و قولی ایهیم ائی غنعمکم من الله سبحانه و بوع و فاحفظوا السننکم، و فکوا ایلکم، و علیکم بالمشورۃ الصلوات»^{۱۲} ای ای خدایان عزیزان! از جانب ما به دوستان ما سلام برسان و به آنان بگو؛ ما چیزی از غلب دارم؛ ما تو را می شناسیم و به آن نقل شده که کسی از تکبیر با هم می شناسد هر که عداوت خاصی نیست به امام عسکری علیه السلام داشت. دستهای شخصی را راسته به محضر امام آورد و اظهار داشت: «ای رسول الله! این شخص را از دکان صراف در حال سرقت و زدی گرفتارم، و زمانی که خواستیم او را رستگانه و تأدیب کنیم اظهار داشت که از شیعیان حضرت علیه السلام است»^{۱۳}

۱. بحسن اعمامی علیهم السلام ص: ۶۸.
۲. شرح کافی علیه السلام ج ۱ ص: ۲۲۲.
۳. بخشی از بیانات در روز هفتم خرداد (هراس) مورخ ۱۳۷۰/۵/۱۶.
۴. تقی میرزا علیه السلام ص: ۶۱۶.
۵. تقی میرزا علیه السلام ص: ۶۱۶.
۶. بحسن اعمامی علیه السلام ص: ۶۸.
۷. شرح کافی علیه السلام ج ۱ ص: ۲۲۲.
۸. بخشی از بیانات در روز هفتم خرداد (هراس) مورخ ۱۳۷۰/۵/۱۶.
۹. تقی میرزا علیه السلام ص: ۶۱۶.



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ الْوَلِيَّ الْعَظِيمَ
الْوَفِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّضِيُّ الْكَبِيرُ... السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا كَلْبَةَ اللَّهِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَمَّةَ اللَّهِ^۱

ای کرامت سائل صحن و ساریت یا جواد
ای سلامت جود بر جود و عطایات یا جواد
ای که باز جود از دست کنایت یا جواد
ای صفای دل خرم با صفایت یا جواد
ای دوی دردمندان خاک پایت یا جواد
دوست و دشمن کند مدح و مذمت یا جواد
ای کریم داران، دردم داران، گدای کوی تو
حسن کل انبیا در طلعت دلجوی تو
خوی احمد، خوی حمزه، خوی زهر، خوی تو
نخل طویا سایه‌های از قامت دلجوی تو
چشم خلقت، دست خلقت، روح خلقت سوی تو
کعبه جان همه دار الاویات یا جواد

اهل دانش مخزن علم خدایت خوانده‌اند
اهل پیش و نه‌ذات گریبایت خوانده‌اند
اهل دل، اهل ولا و روح دعایت خوانده‌اند
اهل جواد، اهل کرم جماعت عطا خوانده‌اند

دوست داران، رضا این ازل شایست خوانده‌اند
بسته دل بر پنجه مشکل گشایت یا جواد^۲
محمد بن میمون می گوید: من از حضرت رضا علیه السلام
مکه بودم، پیش از آنکه حضرت به خراسان عزیمت
کنند، عرض کرد: قصد مدینه در سر دارم، حضرت
نامهای نوشت تا من به فرزندش برسانم و در آن زمان
من نمایان بودم.

وقتی به مدینه رسیدم، خدمت ای بی جعفر علیه السلام
را به ایشان تحول آدم، انگاه به من رو کرد، فرمود:
یا محمد! حال دیدگان تو چگونه است؟

عرض کردم: بیان رسول الهامان گونه که بی منی،
من علیل شده و ناپیدا هستم، حضرت دست مبارک
خود را روی دیدگان من کشید و پیمایی چشمانم به
من بازگشت، پس از آن در حالی که میناپا بودم، دست
مبارکش را بوسیدم.^۳

از بس که پایت تارم آتش گرفت و سوخت
شیرازه‌های پیکم آتش گرفت و سوخت
زهرم حدید باز، مگر راحتم کنید

در کنج جدره بسترم آتش گرفت و سوخت
مثل کبوتری که فقط آب و برزند
آن بازمانده بزم آن کفایت و سوخت

آتش کنج سوختم شعله بی کشد
از آن زمان که مادرم آتش گرفت و سوخت
از کودکی ز خاطر فریح مادرم
تا پای مرگ خاطرم آتش گرفت و سوخت^۴

زکریا بن آدم می گوید: «خدمت حضرت رضا علیه السلام
نشسته بودم که امام جواد علیه السلام او را بردند
حضرت از چهار سال کمتر بود. حضرت جواد علیه السلام
دستهایش را بر زمین نهاد، سرش را به طرف آسمان
بلند کرد و در فکری عمیق فرو رفت. امام رضا علیه السلام
فرمود: جانم فدایت چرا در فکری؟ امام جواد علیه السلام
فرمود: به آنچه درباره مادرم جواد علیه السلام انجام شد، می‌اندیشم.
به خناسو کند، حق قائلان آن است که اگر دستم به
آنها برسد، آنان را سوزانده، تکه تکه کنم و ریشه‌شان
را بر کنم.»^۵

سر را ز خاک جدره اگر بر نداشتی
تو رویه قیله بودی و خواهر نداشتی
خواهر نداشتی که اگر بومی شکست
وقتی که بال می‌دی و بر نداشتی
از طوس ادم که بگریم در این غمت
باری به غیر چند کبوتر نداشتی

وقتی که زهر بر جگر ت جنگم می کشید
جز «یا حسین» ناله دیگر نداشتی
ختمی گرفته‌اند برایت کبوتران
لیخند می‌زدند تو باور نداشتی

تو تشنه کام و آب زمین ریخت قانت
چشمت به آب بود و از آن بر نداشتی
کف می‌زدند دور و برت تا که جان دهی
کف می‌زدند و تاب به پیکر نداشتی
کف می‌زدند ولیکن به روی دست
دست ز تن جلای برادر نداشتی
شک خدا که برهنی بود بر تنم

بازیز نیز مها تن بی سر نداشتی
شک خدا که از حضور هوش رفتی
خواهر نداشتی، منم جگر نداشتی
آفاقان اگر چه همسر تان به شما زهر خوانند و به
شهادت رسانند، اگر چه گوشه حجره تنها و غریبه‌تاله
زدیدم و همدوم غمخواری نداشتی، کسی به پیکر مطهر
شما جاسارت کرد ولیکن با عزت و احترام دفن شولی.
دل‌ها بس بود بر غریبی که پیکر بی سر او در حالی که
بر زمین گرم کربلا بود، دفن با بس برین مبارکش
تا خندند تا استخوان‌های سینه و کمر در هم شکست.

بی‌فوشت:

۱. فراری از زیارت‌نامه امام جواد علیه السلام.

۲. شعر از استاد باقر گلزار.

۳. شیخ مفید: بحار الانوار، ج ۵، ص ۴۶.

۴. شعر از استاد باقر گلزار.

۵. شیخ مفید: بحار الانوار، ج ۵، ص ۵۹.

ع ز شعر از حسن لطفی.



بانوی خوبی‌ها

نقیسه پورامینی

میلاذ با سعادت دخت مکرم امام موسی
بن جعفر علیه السلام انگیزه ای شد تا گوشه‌ای، هر چند
کم، از فضائل مقام این بانو را به رشته تحریر
در آوریم.

حضرت معصومه علیه السلام در پرتو تربیت خاص و
عبایت ویژه پدر و برادر به مقامی رسید که امام
صادق علیه السلام ده‌سال قبل از تولدش با الهام نبی
در خیمت پرچمشان سخن گفته است:
«دلخیز شفاعت‌هایمیتا العجینا باجمعهم همه
شیعیان با شفاعت او وارد بهشت می‌شوند.»^۱
نگاهی به القاب این بانوی پاک‌ترتایا یقیناً
کام‌شایب و ترسند و تبلیغ اصلی معارف
آدم ایت علیه السلام دارد که به صورت کوتاه و خلاصه
غیر از هر بزرگی:

شفاعت

در گسترگی مقام شفاعت و می همان بس
که مستحق است. فرمود: «ها شفاعت او همه
شیعیان ما را وارد بهشت خواهند شد.» علاوه بر آن
در متن زیارت‌نامه حضرت معصومه علیه السلام - که
درای مقام و روایتی از امام رضا علیه السلام نیز -
همین صفت (شفاعت) توجیه ما را به خود جلب
می‌کند: «اینجا که می‌خواهیم بافاطمه اشقی‌ای
الجبته فان لك عندالله شأنان الشان»^۲

همچنین روایات فراوانی وجود دارند که تواب
زیارت این بانوی شقیعمر ایهش قرار دادند.
می‌گمان شفاعت این بانوی کران قدر برای
زائران خود زمینه بهشتی شدن آنها را فراهم
خواهد ساخت. امام رضا علیه السلام فرمود: «هر آن‌ها

فله الجنة؟» یعنی هر کس او را زیارت کند،
بهشت بر او است. و فرمود: «هن راها عارفاً
بعقده فله الجنة؟» یعنی کسی که فاطمه
معصومه را با معرفت زیارت کند، بهشت بر او
واجب می‌شود.

امام جواد علیه السلام فرمود: «هن راقریبعمری فقم فله
الجنة» آنکه برای فرمود: «هن راقریبعمری فقم فله
الجنة» یعنی کسی که فاطمه معصومه را زیارت کند،
بهشت بر او است.^۳
محدث قمی روایتی شافه‌ای دیده است که
چاپگاه بلند شفاعت حضرت معصومه علیه السلام
نشان می‌دهد. وی فرمود: شبی میرزای قمی
را در عالم رویا دیدم او پرسیدم آیا شفاعت
ایم مقبل به دست حضرت معصومه علیه السلام
است؟ او قیافاش را در هم کشید و فرمود:
شفاعت اهل عالم با من است. شفاعت عالم با من
حضرت معصومه علیه السلام است.^۴

شاه معصومه

هر چند در خصوص شیوه و سبک زندگی
این بانو در منابع معتالی کمی وجود دارد، اما
همان‌اندک نیز نشان از جایگاه رفیع علمی و
مقام بی‌بدیل ایشان دارد. حضرت معصومه علیه السلام
در سنین کودکی به مقامی رسید که به راحتی
می‌توانست به پرشش‌های فقهی و عقیدتی
باشکست بگوید و پاسخ‌هایش مورد پذیرش و
شگفت‌پذیر، گزارش قرار بگیرد. روزی جمعی
از شیعیان وارد مدینه شدند و تعدادی پرشش در
نامه‌ای نوشته، به خاندان امامت بر برد. حضرت
موسی بن جعفر علیه السلام در سفر بود و امام رضا علیه السلام
نیز

در مدینه بودند. هنگامی که آن گروه مدینه قصد
عزیمت داشتند، از اینکه خدمت امامت علیه السلام
رسیده بودند و با دست خالی به وطن خود بر می‌گشتند،
بسیار اندوهگین بودند. حضرت معصومه علیه السلام
که در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، از
مشاهده غم و اندوه آنان متأثر شد و لذا پاسخ
پرشش‌های آنان را نوشت و به آنها داد.
شیعیان مدینه را اسرور و شادی ترک کردند.
در بیرون مدینه با امام کاظم علیه السلام مواجه شدند.
هنگامی که دست‌ان خود را گرفتند و دست‌خط
حضرت معصومه علیه السلام را از آنه کردند، امام
شادی و ابتهاج خود را با این جمله بیان فرمودند:
«فأهلها: بدرش به فقایش»^۵

حدیث غدیر و منزلات و همچنین روایاتی در
خصوص دوست‌داران امیرالمؤمنین و جایگاه
قیم و اهل آن از مهم‌ترین احادیثی است که از
ایشان به دست ما رسیده است.

معصومه

شاید به دلیل همین فضائل اخلاقی است که
می‌توان باور داشت آن بانو به مقام عصمت
اقدس دست یافته است.
اصل مقام عصمت، بر اساس اجماع شیعه، به
تمام پیامبران و امامان و فرشتگان تلق دارد و
آن‌ها در گناه و خطا عمدا یا سهواً به دور هستند.
بالا‌ترین نوع عصمت دوری از گناه کبیره و
صغیره و دوری از ترک اولی و بی‌امیاری، فاطمه
زهرا و امامان علیه السلام تلقی دارد و در مراتب دیگر
اولیا دیگر الهی‌اند حضرت زینب، حضرت

ابوالفضل و فاطمه معصومه، **قرار دارند.**

کریه

ایسن مقام برای حضرت فاطمه معصومه **ع** آنچنان شهریاری یافته است که عموم محققان و محدثان آروی به نام کریه اهل بیت یامی کنند. رویای صادقه‌ای که پسر بزرگوار ایت الله العظمی مرعشی نجفی دیده‌اند نیز در تأیید همین مقام است. وی که سید محمد مرعشی نام داشت از نسابه‌های گران قدر بود، علاقه داشت به هر صورت ممکن قبر شریف حضرت فاطمه زهرا **ع** را بداند. وی برآی این کار ختم مجربی را انتخاب و چهل شب آن را خواند شب چهارم در عالم رؤیا دید که به محضر امام معصوم رسیده است. امام به ایشان فرمود: «علیک بکریه اهل بیت، زیرا یاد که به کریه اهل بیت تمسک بجویی»، وی که تصور کرد بود منظور حضرت، فاطمه زهرا **ع** است. می گویند: «بله من نیز می خوارم قبر شریف حضرت زهرا را بنام تا بتوانم زیارت کنم. امام می فرماید: منظور من قبر شریف حضرت معصومه در قم است، و انگاه فرمود: به جهت مصالحی خاوندان اراده فرمود قبل قبر سیرف حضرت زهرا مخفی باشد؛ لذا قبر حضرت معصومه را تجلی گاه قبر شریف حضرت زهرا قرار داد»^۱

زیارت مازو و مستند ایشان شاهی بر جایگاه ایشان بر ذاهل بیت عصمت و طهارت **ع** دارد و لزوم زیارت و توسل به ایشان آریای عموم مردم به ائمت است در پایان شایسته است به این نکته توجه داشته باشیم که عالمان و بزرگان بسیاری در جور این بانو به مقامات منوی و علمی جامع دست یافته‌اند. از تزییرات برخی از آنان چنین برمی آید که تمام دانشهای ایشان را درمیان حضرت فاطمه معصومه **ع** هستند. چه بسیار زائرانی که از قصین نقاط کشور و دیگر کشورها به زیارت آن بارگاملمکتوبی ناظم می آیند و دست نیاز به درگاه آن بانوی بزرگوار دراز می کنند. از خاوندان طلب می گویم که ما را مشمول عنایات ویژه و شفاعت ایشان قرار دهد و در دنیا ما را از زیارت مازو ایشان محروم نماید.

نیوشت:

۱. نامه مجلسی به ایلخانات، ج ۶، ص ۲۱۶.
۲. همان، ص ۲۱۶.
۳. همان، ص ۲۱۶.
۴. همان، ص ۲۱۶.
۵. برگزیده اشعار، «مادیت حضرت معصومه»، درجه راه روشن.
۶. کشف القلوب، ص ۲۱۶.
۷. برگزیده اشعار، «مادیت حضرت معصومه»، درجه راه روشن.



امامزادگان کاظمی در ایران جلوه مظلومیت اهل بیت **ع**

سید محمد مهدی رضوی پور (مطلبه سطوح عالی حوزه علمیه)

«قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ جُورًا أَلَّا لَمُؤَدَّةً فِي الْفَرْتِيهِ»^۱ یوه پیامبرش امر فرموده تا پیراهن خویش برساند که من از شما در رسالت نمی خواهم، جز آنکه به خاندان من مودت کنید»^۲.

پیامبر گرامی ای پیام الهی راه مردم رساند و فرمود: «من در میان شما هستم اسلامی دو چیز گران بها می گزارم که یکی کتاب آسمانی، قرآن و دیگر غیرت من (اهل بیت من) است»^۳ آن دو نیروی کنید تا هرگز گمراه نشوید»^۴.

عدم پوهش کافی در بار شخصیت و زندگی امامزادگان و هجرت آنان به ایران و شهادت یامرگ آنان به دلیل مسائل سیاسی منشا ایام در تاریخ زندگی بعضی امامزادگان شده است، و غفلتوری های موجود در این پژوهش، تحقیق جامعی را می طلبد که تفصیل آن از حوصله این نوشتار خارج است. شاید بتوان ایران را باران دایره نود حدود هشت هزار امامزاده، کشور مزارات نامید. در این میان استان مرکزی بیشترین مزارات امامزاده را در خود جای داده است. بدون شک به دلیل کثرت قبرزندان امام کاظم **ع** و نیز مهاجرت آنان به ایران بیشترین امامزاده‌های بدون واسطه و حتی به احتمال زیاد امامزاده‌های باواسطه، مربوط به مساجد امام موسی و فرزندان امام موسی کاظم **ع** هستند. بر اساس نقل مرحوم مفید در کتاب «شاده»^۵ قبرزندان امام موسی کاظم **ع** ۲۷ نفر است که ۱۸ تن پسر و ۹ تن دختر هستند.^۶

امام رضا **ع عامل اصلی هجرت**

ظلم خلفای جور و ستم در بار کشته شدن خاندان اهل بیت **ع** در قصی نقاط بسیار مؤثر بوده است. این مسئله از زمان معاویه آغاز شد. امام هجرت امامزادگان به ایران از نهمه قرن اول شروع نمود و زمان ولایت مهدی علیه السلام، بسیار فرونی یافتن زیارتشان کمی احساس امنیت می نمودند و به قصد زیارت آن حضرت از مدینه و نواحی آن و عراق و به قصد دیدار کرک و وطن می کردند. ظهور دین امر عسبی در تاریخ طبرستان می نویسد: «سادات آژو و ولایت و عهدنامه مأمون که به حضرت امام پناه داده بود، روی بدین طرف نهاند و او را ۲۱ بار دیگر فرستاد. این مجموع برادران و بنی اعداد سادات سنیسی، حسنی و ولایتی و عراقی ساراک فعلی رسیدند»^۷.

بعد از شهادت حضرت امام رضا **ع** مأمون به عمال خود دستور داد سادات اعراب سراسر ایران در هر کجا که دسترسی پیدا کردند به شهادت برسانند؛ لذا بسیاری از سادات در زمان شهید شدند و عده فعلی هم مخفیانه و گمنام سرسختند. در دوران باقر قرن علویان در طبرستان در مزارتاران سادات فراوانی به ایران آمدند؛ ولی به سر نوشت شهادت یازدگی بی نام و نشان گرفتار شدند. بدین صورت در دنیا ما را از زیارت پیامبر آیمیند.

برجسته ترین فرزندان حضرت در ایران

حضرت فاطمه معصومه **ع**

در اس فرزند امام کاظم **ع**، کسی که برای دیدار برادر به ایران مهاجرت کرد؛ ولی به خاطر بیماری و یادشمنی دشمنان، موفق به زیارت برادر بزرگوار خود نشده، حضرت فاطمه معصومه **ع** ملقب به کریه اهل بیت **ع** است؛ این بانوی از امن امام رضا **ع** به ایران، به همراه جمعی از سادات موسوی از مدینه به طرف ایران حرکت کرد و چون به ساوه رسید. بنا به روایتی، بیمار شد. لذا قصد کرد، بنا به نقل



دیگر چون خبر ورود ایشان به ساوه یا به اسد خزر می رسید، تمام آنان اتفاق کردند تا از حضرت بخواهند به قم تشریف بیاورند. از این رو موسی بن خزیق شایسته به خدمت حضرت فاطمه معصومه **ع** رسید و از ایشان سرفه به قم دعوت کرد. پس از ۱۷ روز از ورود حضرت به قم ایشان بر اثر بیماری دارفانی را وداع گفت.



امامزاده احمد بن موسی معروف به شاه چراغ
امامزاده موسی بر اساس نقل کتاب‌هایی چون «شاد»^۸ شیخ مفید مردی کریم و بزرگوار بود. حضرت امام موسی کاظم **ع** وی را دوست داشت و او را مقدم می داشت و مرز و مرز خود را به او بخشیده بود. از امامعلی فرزند امام کاظم **ع** نقل شده است که پدر ما فرزندان خود را از مدینه به سوی برخی از امامزادگان خود بفرستاد. رفت و آمد آنجا بودیم و با احمد بن موسی بیست تن از خدمت و خشم پدرم بودند که اگر احمد می خواست آنان را بوبری می خاستند و اگر آمدند می شستند آنان نیز با او می شستند و به فرمان او بودند.

امامزاده حسین بن موسی الکاظم **ع**

امامزاده حسین **ع** یکی دیگر از فرزندان امام کاظم **ع** است. مزار آن بزرگوار در شهر طبرس واقع است و کنبد و بارگاه باشکوهی دارد که پس از انقلاب اسلامی توسط آستان قدس رضوی ساخته شده است. فشار حکومت عباسی گاه به سوی شهن فرزند امام کاظم **ع** انجامید و حسین بن موسی **ع** از جمله فرزندان امام بود که بنا به نقل متواتری شده به ایران آمد.

امامزاده محمد عابد **ع**

امامزاده حسین بن موسی **ع** یکی از فرزندان امام موسی **ع** است که بسیار متعهد اهل



عبادت بود. این امامزاده پس از امن امام رضا **ع** به ایران مهاجرت و در ایران وفات کرد. هم اکنون چند زیارت گاه منسوب به امامزاده محمد عابد وجود دارد که در نگاه کاخک کتابد یکی از آنهاست. علاوه بر آن در اراک و در شیارزندیک بارگاه احمد بن موسی **ع** نیز امامگاهی به این نام وجود دارد.



امامزاده حمزه **ع**

حمزه بن موسی الکاظم **ع** نیز از جمله برادران امام رضا **ع** است که پس از امن ایشان به خراسان به ایران مهاجرت کرد و در همین جا درگذشت. به نوشته مورخان نسب سلسله صفویه به این امامزاده می رسد و صفویان خود را فرزندان این امامزاده می دانستند. ظاهرا این بر مزار در نقاط مختلف ایران به ایشان منسوب است.^۹ بزرگواران امامزادگان بی شک ندای مظلومیت اهل بیتی هستند که پیامبر به مودت آنها سفارش کرد. حضور فرزندان امام موسی کاظم **ع** در ایران بهترین علت محبت ایرانیان به خاندان عصمت و طهارت است که زیارت آنها جلوه‌ای از مودت و محبت به نبی مکرم اسلام و ائمه اطهار **ع** است. حسن ختام این نوشتار روایت پیامبر اکرم **ص** است که فرمودند: «عبادة نبی هاشم فریضة و زیارتهم شنة»؛ عبادت فرزندان هاشم جزء قریض و وظایف است و زیارت آنان شرف و مستحب است.^{۱۰}

نیوشت:

۱. عبوری، ص ۲۱۲.
۲. شیخ مفید، ص ۱۳۶.
۳. برگزیده اشعار، کتاب امامزادگان.
۴. شیخ مفید، عیالات ایلخانات، ص ۱۳۳.



سفرنامه خونی راه فرزند دانا

سید علی آقابلی (طایفه سلطوح عالی حوزة علمیه)

سنت سفرنامه‌نویسی در میان حجاج ایرانی محدود بوده و طی یک هزار سال و اندکی تنها آثار محدودی از خاطرات آن سفر بر جای مانده است. نگارش سفرنامه‌های حج بسیار کهن است و از کهن‌ترین آنها سفرنامه ناصر خسرو، ابن جبیر، ابن بطوطه و بسیاری دیگر است. این روند در دوره صفوی در کل جهان اسلام بیشتر شد و در ایران و عثمانی در دوره اخیر یعنی عصر قاجاری روی به گسترش کرد. نیاز در این ارتباط باید گفت که در دو سده سال اخیر هم‌زمان با آنگیز کوچی، سفرنامه‌نویسی در جهان اسلام، پدیدار شد. سفرنامه‌های متعددی نگاشته شده که به نظر برخی از محققان بیش از پایند اثری می‌شود، بنابراین در مقاله تلاش کردیم بر مبنای سفرنامه‌های دوره قاجار بررسی کوتاهی در مورد محتوای کلی این آثار داشته باشیم.

سفر حج برای مسافران سنی شریعتی و پیرچادیه بوده است؛ با این حال، به دلیل دشواری‌های فراوانش، همیشه برخطاره و ماجراجو بوده و خاطرات تلخ و شیرین آن، برای همه نسل‌ها

جالب توجه و قابل مطالعه بوده است. در هر زمان، نسل جدیدی که راه‌های سفر حج می‌داشت، نیازمند تجربه‌های پیشین و پیرمردان بسود و از این جهت، نوعی حافظه تاریخی مداوم از این سفر، در ذهنیت طایفه اسلامی پایدار مانده است. دشواری‌های سفر حج، به‌طور عمده در طی مسیر سفرنامه‌هاست. این مشکلات افزون بر مشکلات طبیعی و جغرافیایی ناشی از آزار و اذیت ساکنان حدود مسیر بوده است، به‌علاوه روبرویی زائران عجم، شیعه یا حجاج سنی و ساکنان عرب آن نواحی، دشواری‌هایی را پدید می‌آورد. همه این دشواری‌ها بر روی هم، گاه چنان تصویر سختی از این سفر به دست می‌داد که به‌طور عادی، به‌ویژه در برخی سال‌ها و دوره‌ها، انجام آن، کاری معقول نمی‌نمود.

منبعی برای شناخت حج‌گذاران

یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت آیین حج‌گذاران ایرانیان خصوصاً دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۲۳۳) سفرنامه‌های حج است که

بارها به این سفر می‌رفتند؛ چنان که برخی با وجود این مشکلات، چنین می‌کردند. این شریعتی برای یک مسلمان متقدم کاملاً قابل درک است. روحیه زائران در زمان انجام اعمال، انجان که در خاطرات آنان منعکس شده، نشانگر عمق لذتی است که یک زائر در آن زمان تجربه می‌کرد؛ زائر در آن لحظات، به‌طور معمول، نوعی تجربه عرفانی را در خود مشاهده و احساس می‌کرد؛ تجربه‌ای که نمودی از آن را می‌توان در مطالبی که در برخی از سفرنامه‌ها آمده، مشاهده کرد. زائرانی که راه سفر را در میان خار می‌غلان طی می‌کرد که خار می‌غلان را گل نسرین به حساب می‌آوردند. یارب این کعبه مقصود تماشا که کیست که می‌غلان طریقی گل نسرین من است^۱ فرهاد میرزا که استسیر این خار می‌غلان شده، یاد سفر حافظه افتاده که گفته است: در بیان چو نه یاد کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌هاگر کند خار می‌غلان غم‌خور^۲ طبعاً سفر حج محدود به خاطرات شریعتی نبوده، بلکه گروه زائران در طول مسیر و در زمانی که در آن دوشهر سبزی کرده با مسائل مختلفی درگیر بوده است. این مسائل در دوران‌های مختلف، گاهی از جهانی باهم شباهت هم داشته‌اند و به تناسب تغییر اوضاع و احوال سفر زائران، نوعی دگرگونی هم در آنها پدید می‌آمده است.

روایت‌های ایرانیان

توسط دوتای ایران با دولت‌هایی که به نوعی با روابط صلح و راه‌ماری از آن ارتباط بوده‌اند یکی مسائل و رخدادهای گریسته و نکات ویژه‌ای از منظر سفرنامه‌نویسی از حدود ۱۲۶۰ ق به این سو جدی‌تر شد. کهن‌ترین این سفرنامه‌ها، سفرنامه حمدولی میرزا اسپهبد عباس میرزا (۱۲۶۰ ق)، سفرنامه پورچی با عنوان یوز بزم قریب (۱۲۶۱ ق) و سفرنامه سجلی خان اعتماد السلطنه (۱۲۶۲ ق) است که مسائل دقیق و مهمی را به دست می‌دهد که در شناخت روش حج‌گذاران ایرانیان و غیره و همچنین در شناسایی اماکن مذهبی، راه‌ها، سلوک مردم و... مفید فایده هستند.

شوق زیارت

شیرینی انجام فریضه حج و حضور در مسجدالحرام، مسجدالنبی، عرفات، مشرف، منا و نیز زیارت قبر ائمه‌بقیع^۳ چنان بر مغز حجاج خوش می‌آمد که می‌توان تردیدناگرایان دشواری‌های نابود بسیاری از آنان را یک بار، که

شناخت منازل زو‌ج

یکی دیگر از مسائل مهم سفرنامه‌ها، مسأله راه حج بوده است. ایرانیان بر اساس اوضاع و احوال کلی راه اخبار مربوط به امنیت، داشتن زمان مناسب برای انتخاب راه دور یا نزدیک، محل سکونت و تصمیم جمله‌دار (رئیس کاروان) یکی از این چهار راه را برای حج انتخاب می‌کردند؛ مسیر درباری از بنادر جنوبی ایران به جده، راه جبل از عنایت عالیت به مکه، راه شام، راه انزلی - استامبول به جده البته تصمیم دولت هم در مورد راه بسیار تأثیرگذار بوده است.^۴ جالب آنکه که سفرنامه‌نویسان هم به اهمیت این مسأله کاملاً واقف بوده و می‌گویند تا در نوشته‌های خود به مقایسه راه‌ها می‌پردازند ذکر غارت کاری اعراب بسودی در بیان‌های حجاز، که گاهی با همکاری دولت‌های محلی صورت می‌گرفت، نوعی توجه تمام سفرنامه‌نویسان را به خود جلب می‌کرد. استسیران، عدم امنیت یک راه و گاهی سببی می‌شد که علما را مجبور می‌کردند؛ که به عنوان نمونه می‌توان به منصور فتوای تحریر کرده‌ها را در جبل با تلاش شیخ فضل‌الله نوری اشاره کرد.^۵

بر اساس سفرنامه‌های حج می‌توانیم راه حج را به‌خصوص باز شام و قدم به قدم همراه کاروانیان حج این مسیر را طی کنیم. در این زمینه در ادبیات عربی، فارسی و ترکی، چند متنوع و گسترده‌ست که هر کدام نمونه‌گوشه‌هایی از اطلاعات مهم درباره این مسیرها را در اختیار ما می‌گذارند.^۶

ساکنان مکه و مدینه

تصور خود را می‌توان از دوشهر با زائران ایرانی هم از دیدگاه خودی سفرنامه‌نویسان بوده است. به‌رغم آنکه این دوشهر در منطقه حجاز بوده اما قدرت ساکنان آن دوشهر ایرانیان بسیار متفاوت بوده است. مردم و زبان آن، غالباً فتاری یا حتی مدنی‌ها با ایرانیان داشته‌اند که بیشتر به



دلیل آن بود که شرف‌های مکه (والی) از سادات بودند و خاص‌تری برای شیعیان قائل بودند اما در مقابل در مدینه، به سبب مصعب سخت مذهبی‌ها مثل استن و نیز تمصبات قومی، زائران عجم، مصائب زیادی را تحمل می‌کردند البته از طریق گری ایرانیان با شیعیان نخاله مدینه هم مزید بر علت بوده است. چرا که از مزایای شیعیان این شهرها این نخاله را دشمن خود می‌پنداشتند و فراتر مذهبی میان شیعیان ایران و نخالوه موجب بدبینی آنان به زائران ایرانی می‌شده است.^۷

شورای‌های مدینه

هر چند در فقه شیعه، مسأله یقیه به عنوان یکی از مسائل اساسی مذهب بوده که شیعیان نسبت به آن وفادار بوده‌اند اما با این حال در سفرنامه‌های دشواری‌های مذهبی زائران ایرانی از سفر حج اشاره شده است. ذکر سختی‌ها و مصائب زیارت اماکن مذهبی همچون حرمه و حرمه امیر و یقه‌نامه^۸ و قبرستان بقیع و حرمه مسأله‌ها بسیار پررنگ در سفرنامه‌ها بوده است. مناظرات میان شیعیان و سنیان، زائران از حیات مهم در سفرنامه‌ها به ششمار می‌رود که گاهی مخاطرات زیادی را برای زائر و حتی کاروان زائران ایرانی می‌کرده است.^۹

یادداشت:

۱- شیرین، رسول، به سوی اقلری، تهران، مشرق، (۱۳۳۲)، ص ۱۹.
 ۲- سفرنامه‌های حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، تهران، علم، (۱۳۹۱)، ج ۱، ص ۱۴.
 ۳- سفرنامه‌های حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، تهران، علم، (۱۳۹۱)، ج ۲، ص ۲۰.
 ۴- فرهاد میرزا، ص ۱۳۱ (زیربناهای گریبه شوق کعبه خالی می‌دهد...)
 ۵- سفرنامه‌ها و کلیات تاریخی ایران، قاجاری، به کوشش محمدباقر حسینی، تهران، گنجینه، (۱۳۴۲)، ص ۲۵۸.
 ۶- فراداد استسیران، قریب، به کوشش ایرج افشار، تهران، علم، (۱۳۳۴)، ج ۶، ص ۱۱۲-۱۱۳.
 ۷- سفرنامه‌های حج قاجاری، به کوشش رسول جعفریان، تهران، زینت، (۱۳۹۱)، ص ۱۹.
 ۸- سفرنامه‌های حج قاجاری، ج ۱، ص ۲۸-۲۹.
 ۹- همان، ص ۱۱۹-۱۲۰.

حفظ هویت معنوی مکه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است

به کوشش یاسر دهقان



اشاره:

شهر مکه مکره و اماکن مقدس آن از سال‌ها پیش و حتی اکنون شاهد ساخت و اجراء پروژه‌های عمرانی بزرگ و بسیار مدرن شامل ساختن هتل‌ها، بزرگراه‌ها و گردشگرهای متعدد بوده است. این پروژه‌ها که بزرگ‌ترین طرح توسعه شهر مکه در طول تاریخ محسوب می‌شود، موجب تخلیه کامل مناطق اطراف مسجد الحرام شده‌اند.

شهر مکه با ۱۵ میلیون مسکنی که قدیمی‌ترین آنها پیش از ۶۰۰ سال قدمت دارد، شکل گرفته است اما در حال حاضر تنها دو محله باقی مانده و ۱۳ محله تاریخی این شهر به طور کامل از بین رفته‌اند.

اجزای باقی‌مانده از خانه‌های مذهبی است که با تپه‌های سنگی مجاور و شده است. در طرح‌های جدید، تپه‌های سنگی بر تپه‌ها می‌شود و خانه‌های قدیمی که صرفاً برای خود را می‌کوه‌های اطراف می‌گردید به تدریج تبدیل به دهنی می‌شود که ساختمان‌های جاگیرن آبروین آن کوه‌ها می‌شوند.

این در حالی است که در هر یک از کیلومترهای حلقه ساخت مکانی بلندتر از ۱۰ تاکن و ارتفاع آن‌ها در حدود یک میلیون متر است. این مسکن‌ها به تازگی در حال ساخت و تکمیل است. تخمیناً هر یک از ۳۰ سال گذشته ۲۰۰ میلیون واحد مسکونی ساخته شده است. این مسکن‌ها به تازگی در حال ساخت و تکمیل است. تخمیناً هر یک از ۳۰ سال گذشته ۲۰۰ میلیون واحد مسکونی ساخته شده است.

این در حالی است که در هر یک از کیلومترهای حلقه ساخت مکانی بلندتر از ۱۰ تاکن و ارتفاع آن‌ها در حدود یک میلیون متر است. این مسکن‌ها به تازگی در حال ساخت و تکمیل است. تخمیناً هر یک از ۳۰ سال گذشته ۲۰۰ میلیون واحد مسکونی ساخته شده است. این مسکن‌ها به تازگی در حال ساخت و تکمیل است.

یکی از دغدغه‌های جامعه‌شناسان مسلمان، تغییر هویت شهری مکه است. جغرافیاشناسان عربستان انقلابی به نوع گسترش‌ها و ساخت‌وسازهای اطراف مسجد الحرام دارند. تا چه اندازه این دغدغه‌ها به جاست؟

توسعه شهر مکه و مسجد الحرام یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و در طول تاریخ هم صورت گرفته است. زمانی خانه‌های اهل مکه متصل به خانه‌های خود بودند و در نزدیکی مکه داشت که در ساعی از روز سایه خانه خدا بر خانه ایشان می‌افتاد.

اما امروزه چند نکته قابل توجه است. یکی اینکه به نام توسعه مسجد الحرام یا مسجدالنبی برخی از اماکن مقدس اسلامی تخریب شده‌اند اما مکه یا دیگر وقایع تاریخی بود که یک مالک روشن آن تخریب کوچک‌ها می‌نشد. نکته دیگر نوع ساختمان‌سازی‌هاست. نوع معماری مسجدالنبی و مسجدالحرام اساسی نیست.

معماری کنونی این دو مسجد به معماری رومی می‌ماند. زمانی می‌توان به طور قطع درباره نوع معماری قضاوت کرد که از این دو مسجد عکس تهیه شده باشد. اولین عکس به ۱۲۰ سال قبل بازمی‌گردد. در این ۱۲۰ سال اخیر دنیا در مسجدالنبی و مسجدالحرام می‌بینیم که در دوره عثمانی و سمرودی است و هر دو معماری رومی است. نزدیک عثمانی‌ها به رومی‌ها حالت‌ها شباهت است. چنان‌که مشاهده می‌شود معماری‌ها را در فلسطین و مساجد قدیمی مساجد قدیمی آفریقا و ترکیه می‌توان دید.

مشکل معماری سمرودی این است که به

جهان‌های معنوی معماری توجه نکرده‌اند. از این رو اعتراض‌ها راه دنبال داشته‌اند. یکی دیگر از مسائل ساخت‌وسازهای اطراف مسجد الحرام است. در لزوم ساخت هتل در اطراف مسجد الحرام بحثی نیست؛ بلکه نوع ساخت ساختمان‌های مسر به فلک کشیده حساسیت برانگیز است که مهم‌ترین آنها «براج‌اللیت» است. مسلمانان مختلف که به مکه مشرف می‌شوند نسبت به این ساخت و ساز اعتراض دارند. در روایات سنی و شیعه این ساخت‌وسازها بلندتر از مسجد الحرام کراهت دارد اما اثبات اینکه سمرودی‌ها با احداث این ساختمان‌ها قصد توهین به خانه خدا را نداشتند مشکل است؛ چنان‌که اثبات این ادعا که این ساختمان‌ها نماد شیطان است نیز مشکل است.

ساخت‌های دیگری که پیش از همه توجه متنفذان سمرودی به خود معطوف داشته، برج ساعت است. دولت سعودیه قصد داشت با نصب ساعت بر فراز این برج، ساعت مکه را به عنوان ساعت مبدأ جهان اسلام کند. همان‌طور که ساعت گرنویچ مبدأ زمانی رسمی نیاست. ک البته در این زمینه موفق نبودند.

تذکر این نکته ضروری است که چه خوب است وقتی به مکه و مدینه وارد می‌شویم به جای درختی به حواشی به اصل موضوع و همان طواف خانه خدا و عبادت توجه بیشتر داشته باشیم.

حفظ آثار تاریخی بشر مهم است و بونسکو اجازت تخریب این آثار و یا ساختن بناهای مدرن در اطراف اماکن تاریخی را نمی‌دهد؛ اما

در عربستان شاهد تخریب بناهای تاریخی اسلام به خصوص آثار مربوط به اهل بیت (ع) هستیم. با انگیزه‌های مذهبی در تخریب این آثار دلیل چیست؟

بونسکو اعتراضی به این ساخت‌وسازها ندارد و دولت سعودیه به دلیل داشتن روابط محکم با غرب اجازه دخالت به بونسکو در این امور را نمی‌دهد. در تخریب آثار، هم انگیزه‌های مذهبی و هم مفادات سیاسی-جوهایی موثر است که بر اساس آن هر گونه زنگشت آثار مردگان و گذشتگان را شرک و گناه قلمداد می‌کنند.

لطفاً به حضور شیعیان در مکه و فعالیت‌های برجسته آنان اشاره فرمایید.

در تمام طول تاریخ، مکه شهری است سنی و مذهب و از نظر کلامی لشعری، اما با عبادت و از شیعه-اسراع تزییم که هر قدر مکه بودند؛ از جمله آنان خاندان سید نورالدین علی است که از یک طرف برادر صاحب‌مراک و از طرفی برادر صاحب‌معالم است.

یکی از علمای شیعی که در مکه بود میرزا زین‌العابدین کاشانی از شاگردان مرحوم آیت‌الله است که به نقش اصلی در تجدید بنای مکه را داشت. در سال ۱۰۳۹ که سیل خانه خدا را تخریب کرد، میرزا زین‌العابدین به معصومین توسل طلب کرد. خودش خانه خدا تجدید بنا نکرد. از وی نقل است که گفته است:

در هنگام بنای مکه همه شیعیان را چه آنها که مردند و چه بجاها به دنیا می‌آیند در کار خود شریک کردم؛ بنای قلمی نوشته‌ام که در سفر نامه است که ایشان ساخته است.



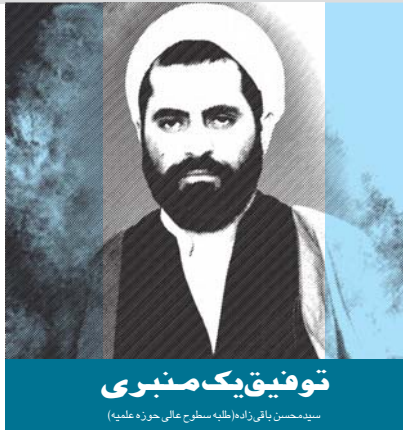
بر آن زیارت برجیه مکه وجود داشت که مردم مکه در طول سال‌ها بول جمع اوری می‌کردند که بتوانند هر سال در رجب به مدینه و زیارت پیامبر اکرم (ع) بروند.

ایا عالمان شیعی در مکه هم حضور داشتند؟

ما تصور می‌کنیم که مکه مرکز عالمان سنی مذهب است؛ ولی به خصوص در قرن یازدهم و بخشی از قرن دوازدهم، غلبه بر مکه با علمای امامیه بوده است. این حجر قیمتی بر اندام کتاب‌الصواعق المحمده نوشته شده که وارد مکه شده و بندهم و واقف آنجا را گرفته‌اند. وی این کتاب را برای تصنیف شیعه نوشت و در هدف خود موفق بود.

در مکه عالمان بزرگ و خاندان‌های عالم پروری از شیعه-اسراع تزییم که هر قدر مکه بودند؛ از جمله آنان خاندان سید نورالدین علی است که از یک طرف برادر صاحب‌مراک و از طرفی برادر صاحب‌معالم است.

یکی از علمای شیعی که در مکه بود میرزا زین‌العابدین کاشانی از شاگردان مرحوم آیت‌الله است که به نقش اصلی در تجدید بنای مکه را داشت. در سال ۱۰۳۹ که سیل خانه خدا را تخریب کرد، میرزا زین‌العابدین به معصومین توسل طلب کرد. خودش خانه خدا تجدید بنا نکرد. از وی نقل است که گفته است:



توفیق مبنری

سید محسن باقی زاد (طلبه سطوح عالی حوزه علمیه)

خطابه یکی از راه‌های رساندن پیام است که پیامبر ﷺ از آن برای ابلاغ پیام خود به مردم بهره می‌برد، پس از پیامبر اکرم ﷺ شیعه علی بن ابی‌طالب علیه السلام نیز برای مبارزه با طاغوت‌ها شیوه عطا و خطابه برای تحریک توده‌ها استفاده کرده‌اند. یکی از خطبای بزرگ معاصران بر مرحوم حاج شیخ احمد کافی (۱۳۱۵-۱۳۵۷) است. از جمله آثار مثنوی‌های او که گوشه‌ای که حتی امروزه هم شیوه بسیاری هنوز تمایل به اوست بیان کرده‌اند:

۱. **جلال**: جلال جلیلی است برای خاموش کردن خصم، نمونه‌های جلال احسن در موعظت‌های وی و بسیاری است. موعظت کبری علیه لایحه انتحان‌های ایالتی و ولایتی، سخنرانی علیه شاه‌شاه از قاجار هم مره فیه، واقعه پانزده خرداد، موعظت کبری علیه انتخابات فرمایشی مجلس سیست و یکم شورای ملی و سخنرانی علیه اسرئیل و سران یهود از مواردی است که موجب شد مردم کافی تمیز شود و زمانی گردد. اما ایشان هیچ‌گاه از میدان جنگ غایب نگذاشت.

علاوه بر آنچه گذشت، قرآن در داستان حضرت یوسف ﷺ به بیان رموز موعظت در تبلیغ اشاره

می‌کنند:^۱
۱. تقوا: تا توجه به آیات ۲۵ و ۳۶ سوره یوسف، درمی‌یابیم که حضرت یوسف چهل سال زحمت کشید تا توانست مردم را هدایت نماید و در این مدت تقوایش در بالاترین درجه بود. همین قداست و عصمت یوسف زمینه‌ساز تبلیغ وی بود. مرحوم کافی در جهای علم و تقوا را در شهر نجف نزد اساتیدی چون آیت‌الله خویی، سید محمدحسن کفعمی و شهید محراب سید اسدالله مدنی کسب کرد و شهید مدنی که در جهای تقوا و تاثیر گذاری را در شاگرد خود می‌دید، وی را به هجرت به ایران تشویق نمود.
۲. خدمت به مردم
قرآن می‌فرماید حضرت یوسف هم در زنان و هم در دوران حکومت ملجا مردم بود. و موفقیت وی در سایه این خدمت‌رسانی بود. این موفقه یکی از بارزترین شاخصه‌ها در زندگی مرحوم کافی است. خدمات عمومی او هنوز در تهران و ایلام به نام ایشان شناخته می‌شود. مهم‌ترین فعالیت کافی تأسیس مهدیه تهران بود که خود متشکلات خدمات بسیاری بود. در سایه همین مهدیه، در مراکز و داروخانه احداث شد و برنامه‌های عبادت دسته جمعی از میانران و دست‌گیری از سالمندان و تهی‌دستان شکل گرفت که حتی هنوز در برخی مناطق تهران این رسوم خیر، پابرجا مانده است.
۳. تبیین علمیت
قرآن بعد از تقوا و خدمت به مردم، تبیین علمیت را بسیار مهم می‌داند. از رموز موعظت حضرت یوسف را باید در جریان تعبیر خواب ایشان جستجو نمود کرد. با توجه به آیه و توفیق علی‌الکامل دین پس از آن آیه مبعی است. این آنداز و تبلیغ متفرع بر تفرقه در دین است. اگر گفته را به معنای آگاهی به حقایق دینی، اخلاقی و فروع دینی بدانیم، تا بساطت بر این موارد می‌توان مردم را از جهالت در آورد. مرحوم کافی سال‌ها در حوزه‌های مشهد و نجف و قم به تحصیل پرداخت و از اجرد در دریا علم غوطه‌ور بود. در سخنرانی‌های وی می‌توان قوت در استدلال را فراوان یافت. نامه حضرت امام در جواب مرحوم کافی در اجازه استفاده از وجوهات شرعی، خود نشان دهنده علمیت کافی است.
۴. امیرالمؤمنین ﷺ نیز عواملی برای موفقیت در خطابه بر شمرده شده‌اند. که برخی از آنها منطبق بر روش سخنرانی مرحوم کافی است:
۱. اخلاص^۲
۲. شناخت ایمان به هدف^۳

۳. آگاهی به اوضاع زمان^۴
۴. پیشگامی در عمل^۵
۵. صبر و استقامت^۶
۶. توجه به بعد عاطفی موعظه^۷
این موارد را مرحوم کافی با برتری تمام در منبرهایش به کار می‌گرفت. تأثیر شگرف سخنان وی بر روحیه و اعمال مردم را باید در توجه به این موارد جستجو کرد: والا بودند سخنرانانی که بسیار پراسبقه و متحجر در فنون سخنوری بودند؛ اما هیچ‌گاه توفیقی این چنینی در تاثیر گذاری و هدایت مردم نداشتند. کافی هر چه داشت در طبق اخلاص می‌گذاشت، زندگی‌اش را وقف امام زمان ﷺ کرده بود؛ به گونه‌ای که حتی سبزه‌گان مرجمت حوزه اذعان می‌داشتند که هیچ کس به اندازه کافی توانسته است یوره به امام زمان ﷺ را در دوره طاغوت به وجود بیاورد. این آثار گذاری به قبری برای اهل طاغوت تاریخ بود که سرانجام این روحانی آگاه که در نیمت از فرمان امام خمینی ﷺ برای عدم برگزاری جشن نیمه شیمان به طرف مشهد حرکت کرده بود را به شهادت رساندند.^۸ شهادت وی ضربه‌ای مهلک به حکومت وقت رساند. شهادت کافی موعظتی دیگر در کارنامه وی ثبت کرد. استوفانی در این باره می‌نویسد:
«این حادثه تصادف کافی ا مردم تهران و مشهد بود. دیگر شهرستان هافترت بیشتری نسبت به دستگاه جبار پیدا کردند و مرگ مرحوم کافی ضربه کوبنده دیگری بر پیکر رژیم ضد مردمی وارد ساخت.»^۹

بیانوت:
۱. با توجه به مراجع شیخ احمد کافی، «تاریخ اسلام آباد تهران، مرکز موزیم اسلام آباد تاریخی و آثار و اطلاعات (۱۳۸۲)، ص ۲۵.
۲. تاریخ اسلام آباد، ص ۲۵.
۳. از بیان شهرت وی، ص ۲۳.
۴. بیان شهرت وی، ص ۲۳.
۵. از بیان شهرت وی، ص ۲۳.
۶. از بیان شهرت وی، ص ۲۳.
۷. از بیان شهرت وی، ص ۲۳.
۸. از بیان شهرت وی، ص ۲۳.
۹. از بیان شهرت وی، ص ۲۳.

پایگاه پرورش نیرو برای جنگ سخت و نرم است

به کوشش حسین علی آبادی
نسبت‌سنجی عوامل پیروزی بین جنگ سخت در هشت سال دفاع مقدس و جنگ نرم در حال حاضر، موضوع غیر کم‌درخاست که در قالب دو سوال ذیل مشخص شده است.

بسیار پربریگی در جذب و انزام افراد به جهاها داشتند. عالم وارسته از لحاظ علمی و نوای و محتوا بسیاری غنی و از لحاظ تقوا نیز دارای تر جیحاتی بود. او مردم را به همراهی با انقلاب و نظام در تمام موضوعات فرامی‌گنجانید. به دنبال خود در تنظیم نظام فرامی‌تواند. لذا وقتی مردم را فرامی‌خواند مردم از او تبعیت می‌کردند. امام جماعت پیش‌نما نبود؛ بلکه امام جماعت محل بود. در همه حوزه‌ها از نماز تا حل مسائل محل و در نهایت مسائل دفاع مقدس، پس امام جماعت مسلح به سلاح تقوا و علم بود. عملی خلیه‌ها بابت همین دو مؤلفه به حرف‌های آنها

سؤال اول: عوامل پیروزی ما در دفاع مقدس چه بود؟

حجت‌الاسلام احراری، امام جماعت مسجد حضرت ابوالفضل (ع) خیابان شهید منتظری
در نگاه قرآنی و اهل بیت هر چه در جامعه دو سلاح علم و تقوا همراه هر دو نظر گرفته شده است. هر جامعه‌ای که دارای عالم باشد و آن عالم نیز همراه علم خوبی، مسلح به سلاح تقوا باشد، مسلماً در پشت سر آن امام و عالم نیز می‌تواند به سلامت به سمتزل مقصود برسد. در دوران دفاع مقدس مساجد و روحانیت نقش





توجه می کردند و چاره همه ها می شدند البته در این دوران در نسبت علم و تقوا بیشتر بخش تقوا مورد توجه قرار گرفت بود که به تبعیت از امام جماعت مسجد محل خود به جبهه های اعزام می شدند در اصل این تبعیت ریشه در اعتقاد و متعاقباً باور مردم داشت که کمک شایانی جهت پیروزی ما در دفاع مقدس ایفا کرده بود.

حجت الاسلام فتحی امام جماعت مسجد خضر ت ابو الفضل بزرگراه رسالت

عوامل پیروزی ما در هشت سال دفاع مقدس و جنگ ایمان به خداوند عقاب نهمه معصومین و وحدت و هبیت امام بزرگ بود. همچنین مساجد به عنوان سنگ نقش بسیار تعیین کننده ای در حرکت روزه جلوی نظام اسلامی دانشند. مساجد در دوران دفاع مقدس به عنوان پایگاه نقشی جدی در هماهنگ سازی نیروها و اعزام و در نهایت پیروزی دفاع مقدس دانشند. در آن دوران مساجد خانه اول جوانان بودند. خانه ای که محل آموزش و فعالیت های نظامی بود. این موضوع تأثیر بسیاری را بر پیروزی ما دانشند. اینکه امام بزرگ می فرمودند «مسجد سنگر است مساجد را خالی نکنید» ناظر به یکی از وجوه مسجد است بلکه کار آمی مساجد در تمام دوران را خیر می داد.

حجت الاسلام خدایی امام جماعت مسجد خضر ت ابو الفضل محله خاک سفید

در دوران دفاع مقدس عوامل زیادی دست به دست هم دادند که موجب پیروزی انقلاب اسلامی شد که به صورت مختصر به چند مورد زیر اشاره می کنیم البته نباید فراموش کرد هر چند جنگ تحمیلی برای هشت سال با ما همراه شد ولی در نهایت باعث حفظ و تثبیت و تداوم با اقتدار نظام جمهوری اسلامی شد.

یکی از این عوامل رهبری هوشمندانه و آگاهانه امام بزرگ است که نقش اساسی و جدی در پیروزی در دفاع مقدس داشت. مولفه دیگر پشتیبانی همه جانبه ملت غیور بود که در پشت جبهه با حمایت های معنوی و مادی رزمندگان را مورد

جایی می فرمایند «حدیثنا صعب مستصعب» یعنی کلام ما بسیار سخت است و باید در ایهای دیگر قرآن می فرمایند «تلك الامثال نضربها للناس» یعنی در این قرآن مثال هایی برای مردم آوردم و «وما يعقلها الا العالمون» یعنی و کسی در میان اینها متعلم نمی کند مگر عالمان.

حجت الاسلام فتحی

این اعتقادات ماست که در جنگ نرم به صورت مستقیم مورد آماج دشمن قرار می گیرد در حال ضربه خوردن است. لذا باید وقت فراوانی بر سر این موضوع گذاشت تا بتوان زوایای متفاوت آن را پیدا کرد. دشمن بعد از تجربه هشت ساله این را فهمیده است که این اعتقادات است که حسین فهمیده ها را با آن روحیه و شجاعت پرورش می دهد. رزمندگانی که اصلا تعلقی به دنیا دانشند با شوق فراوان به سمت شهادت می رفتند. امروزه عدم تعلق به دنیا مولفه جدی در فعالیت ها شده است.

رسول دوام

با توجه به پرسش قبل چگونه می توان از عوالم مطلق شده، برای پیروزی در جنگ نرم امروز نیز کمک گرفت؟

حجت الاسلام احتراعی

در زمانه حاضر که ممبروف به عصر اطلاعات است، موضوع علم بسیار اهمیت پیدا کرده است و بسیاری از مردم برخورد علمی را مد نظر خود قرار می دهند. البته موضوع تقویه عنوان روح کار است که در صورت عدم آن اصل کار زیر سوال می رود ولی اوقات فراوان در حالت تقلیدی صرف به سمت پرشگرگی رفته اند و برای هر موضوعی بود. این عوالم مطلق شده را نیز باید با ملاحظه بود. علی بسیار اهمیت پدای می شنید. طبیعتی که امروزه به صورت استعدلالی در ذهن افراد کاشته می شود. این پاسخ مستدل داشته باشد. پس امروز نیاز به عالمی است که فقه خوانده است، اصول و منطق و فلسفه خوانده است که بتواند به سئوال های جواب بدهد. ما در حال حاضر شاهد ایم که چند صد شبکه ماهواره ای در حال گسترش انواع گوناگون هستند و فقط روری اعتقادات کار می کنند. گویی دشمنان اهمیت این روایت امیرالمؤمنین را به خوبی متوجه شده اند که می فرمایند «مواظب عاقلات باش که ممکن است به گفتار و در نهایت به رفتار تبدیل بشود». لذا تمام همت خود را بر روی افکار جامعه ماقربا دادند.

بر این امر و عمل رهبری هوشمندانه و آگاهانه امام بزرگ است که نقش اساسی و جدی در پیروزی در دفاع مقدس داشت. مولفه دیگر پشتیبانی همه جانبه ملت غیور بود که در پشت جبهه با حمایت های معنوی و مادی رزمندگان را مورد

رواق

سنگد / شماره ۱۷۷ / مرداد ۱۳۹۳

بدون شسک یکی از مهم ترین دغدغه های اساسی انسان از دیوار، جابه جابه یا مسله مرگ بوده است. واقعیتی که به ناچار در کنار یکدیگر همه انسان ها خواهد بود و هیچ کس از آن فریست. از همین جهت، سؤالی اساسی که ذهن آدمی را به خود مشغول کرده، مسله مرگ و انتقالات پس از آن خواهد بود.

اعتقاد به معادلات و شسکات پس از مرگ، تقریباً در تمامی ادیان جهان مطرح بوده است. البته نظر تلقی در میان ایشان بسیار متفاوت بوده است. به طور کلی، تقسیم بندی رویکره ادیان به این مسله را می توان به دو تسکال کلی مطرح کرد: نخست اعتقاد به وجود زندگی اخروی و دیگر باور به بازگشت به زندگی دنیوی یا ناسخ.

رویکرد اول را می توان در ادیان ابراهیمی و همچنین این زرتشتی جستجو کرد. در این نگاه، زندگی دنیوی مقدمه ای برای زندگی ابدی در جهاتی دیگر است و مثل معروف آن مرد دنیا بزرعه آخرت است، خواهد بود. اما در رویکرد دوم، این باور وجود دارد که انسان پس از مرگ زندگی دیگری خواهد داشت اما آن زندگی، حضور مجدد در همین دنیا و زندگی در کابردی جدید خواهد بود.

در قیاس میان این دو منظر دینی، می توان به مخرجی مشترک در دست یافت و آن این است که هر دو رویکرد در مسله بسیار مهم این است که اعمال انسانی در سعادت و شسکات در زندگی بعدی کاملاً تأثیر گذار است و هدف از هر دو نگاه، نوری است.

در این شماره، تلاش کردیم سؤالی از نگاه ادیان مختلف به این مسله مهم، و تأثیر گذار در زندگی بشر را به صورت توضیحی بررسی کرده و نشان دهیم که رویکره های گوناگون و جدی تا چه اندازه می تواند مشکلات زندگی دنیوی بیرون را تشدید نماید.



<p>۲۴</p> <p>گوناگون سفساسی اندیشه های فسیل از سرگ و دیوان</p>	<p>۲۵</p>	<p>۲۸</p>	<p>۲۹</p>
<p>۳۱</p>	<p>۳۱</p>	<p>۳۲</p>	<p>۳۴</p>
<p>۳۵</p>			

حجت الاسلام خدایی

پیغمبر اکرم ﷺ بعد از پیروزی جنگ تبوک و گفتن تبریک به سربازان اسلام از آن پیروزی تمییر به جهاد الصغر کردند و آنها را سفارش به جهاد اکبر کردند که همان مبارزه با نفس است. این توصیه عملی بود تاوست قشعی جدی در پیروزی ما در دفاع مقدس داشته باشد. در این دوران نیز اهمیت این موضوع به مراتب بالاتر است. موضوع بعدی تبعیت از امام است که در دست مثل دوران دفاع مقدس می تواند باعث پیروزی ما در جنگ نرم شود. همان طور که امام راحل مؤمنان پشتیبان ولایت فقیه با شنیدن آسیمی به مملکت تان نرسد.

گونه شناسی اندیشه‌ی پس از مرگ در ادیان

محسن کیاپیکانی (اداشجوی انگیزی مطالعات تطبیقی ادیان)

شکی نیست که مسئله حیات پس از مرگ، یکی از دغدغه‌های اولیه و اساسی بشر بوده است؛ زیرا هر انسانی در ریفته که مرگ واقعیتی است که گریز و فریبی از آن نیست و به ناچار باید آن را پذیرد و میان کنار آمدن از این روای مسئله از دیرباز یکی از مدل‌های عامیون انسان‌ها، خاصه متفکران، بوده است. ساینس‌ها و فلسفه‌ها هم در این فکر راه وجود می‌آورده که پس از مرگ چه اتفاقی خواهد افتاد؟ و به راستی مرگ پایان است یا آغاز؟ از دیرباز اقوام گوناگون بشری به نوعی به سعادت و شقاوت بعد از مرگ متعقد بوده‌اند و البته برخی گروه‌ها نیز با صراحت بقاء بعد از مرگ را مستحکم شده‌اند؛ گشته‌ها از ادیان آسمانی که اعتقاد به معاد از ادیان غیر آسمانی به معاد و تقدیر و عقیقتی خود شمرده‌اند، توجه به ادامه زندگی پس از مرگ در کانون اندیشه انسان وجود داشته است و آنجا که تاریخ نشان می‌دهد، همواره در میان همه ملتها دیده شده است. باید توجه داشت که معاد یا معنی خاص آن یعنی برخاستن مردگان از قبور برای حسابرسی، اعمال توبه‌ها در برخی ادیان به وضوح دیده می‌شود. تعریف معاد در همه این‌ها یکسان نیست و معاد معانی عامی آن که همان زندگی پس از مرگ تعریف می‌شود، تقریباً در تمامی ادیان شناخته شده، پذیرفته شده است. تحقیقات و مطالعات باستان‌شناسان نشان می‌دهد که حتی در دوره‌های ماقبل تاریخ، عقیده به زندگی بعد از مرگ و باور وجودشده است. مصریان باستان می‌پنداشتند که روح بشر پس از جدایی از بدن، باز به همه بدن جسم عاقله وارد و پس از مرگ، دوباره با اشتیاق به همان بدن باز خواهد گشت در حالی که همان نیازها و خواسته‌های قبلی‌ش را با و عاقله دارد و وجود دارد. آرامش روح به این است که بدن، سالم و بی‌نقص باقی بماند. این روای و غایر همواره مردمان قرار می‌دادند برای آمدن و رفتن روح و زمانی که فریضه تعیین می‌کردند روح بماند به راحتی از آن عبور کند.^۱

تلفی‌های مختلف

در ادیان جهان، زندگی پس از مرگ به گونه‌های متفاوتی تبیین و توجیه شده است. شاید بتوان این گونه‌های متفاوت را در نوع تلفی اصلی از زندگی پس از مرگ تقسیم‌بندی کرد:

۱- ادیان همچون اسلام، یهودیت، مسیحیت و زرتشت، معتقد به معاد به معنای خاص آن یعنی برخاستن مردگان از قبور، حسابرسی و زندگی اخروی در بهشت یا جهنم هستند. البته در کیفیت زندگی پس از مرگ اختلافاتی میان این ادیان وجود دارد.

۲- در این زرتشت، زندگی پس از مرگ، زندگی مجدد انسان‌ها و مسئله قیامت سخن می‌آید. معاد است، بنام تباری وی محاکمه مرده، اندکی پس از مرگ شروع می‌شود. پس از آن، سر نوشت روان او مشخص می‌شود تا آنکه به ستایش عمومی برپا شود و به پادشاه یا پادشاه بی‌بهره، در روز قیامت، بر روانی از روی پل جنات کشیده عبور خواهد کرد. در این پل بر روی دوزخ قرار دارد و یک طرف آن به دروازه بهشت منتهی می‌گردد.

۳- در کتاب مقدس یهودیان تصویر روشنی از جهنم و بهشت وجود ندارد. اما در «تلمود» اعتقاد به ستایش از اصول دین و ایمان یهودی معرفی می‌شود و انگار آن گناهی بزرگ و ناخوشایندی انگاشته می‌شود. با وجود این، در

جزئیات مسئله ر ستایش دیدگاه‌های متفاوتی در بین یهودیان وجود دارد. گروهی از یهود ستایش را از همه گروهی دیگر زندگی آینده پادشاه را از آن عدلان و نیکوکاران می‌دانند و معتقدند که شایسته پادشاه یا مرگ جسمانی برای همیشه نابود خواهند شد. در درباره مدت زمان عذاب اخروی در جهنم نیز اختلاف نظر دارند.

۴- در انجیل‌های چهار گانه مسیحیان، با صراحت تمام و به تعبیری گوناگون از قیامت و آخرت سخن به میان آمده است. در موردی به اصل قیامت اشاره می‌شود و در جاهای دیگر، تعبیراتی چون: حیات جاودان، ملکوت، آسمان، دیدار خداوندی، روز جزا، عذاب جهنم و بهشت آورده شده است.

۵- ادیان همچون هندوئیسم، بودیسم، واهو... هر چند معتقدند که زندگی انسان منحصر به همین زندگی کنونی نیست، اما تفسیری بسیار متفاوت در مورد زندگی پس از مرگ دارند. آنان این ادامه حیات را در قالب تانسوخ و دوباره و جسم دوباره گرفتن تفسیر می‌کنند.

۶- آیین هندو، همانند سایر ادیان، آموزه حیات پس از مرگ و فناپذیری و جاودانگی روح را می‌پذیرد و آن را در قالب نظریه تانسوخ یا تولد دوباره که وجه مشخصه این آیین است عرضه می‌کند. تانسوخ بدین معناست که روح پس از مرگ بدن کنونی، بر حسب اعمال گذشته خود، در قالب جدیدی حلول می‌کند.

۷- طبق نظر هنوان، گروه تانسوخ و تولد‌های مکرر در جهان پر از تنوع و محتاج تا زمان دستایی به می‌گوشه، یعنی «راهی» که مرگه روحانی حاصل محض است. همواره ادامه خواهد داشت.

۸- آخرت‌شناسی آیین بودا، شبیه آخرت‌شناسی آیین هندو است. بر اساس تاملیم بودا زندگی آدمی یا مرگ جسمانی پایان نمی‌پذیرد بلکه بر حسب اعمال گذشته خود در زندگی، در قالب بدن دیگری در همین دنیا به حیات خود ادامه می‌دهد. این گروه تانسوخ تصنیف کامل و رسیدن آدمی به مقام «بودا» ادامه پیدا می‌کند.

۹- اگر چه فیلسوفان و متفکران مسلمان الهه متعددی در تانسوخ آورده‌اند و از نظر آیین اسلام تانسوخ امری است باطل، ولی اصل این اعتقاد نشان از باور به حیات پس از مرگ دارد.

۱۰- با توجه به مطالبی که در بالا ذکر شد باید ادان داشت که چه در اعتقاد به معاد و چه اعتقاد به تانسوخ، انسان به سوی نیکی کردن و دوری از بدی و زشتی دعوت شده است. در این مورد و دیگر تفاوت اعمال متفاوت است که یکی غایتش دنیا و دیگری آخرت است.

پی‌نوشت:

۱. محسن کیاپیکانی، «تفسیر معاد انسان جهان، ترجمه کتابخانه مدرن»، ص ۳.
 ۲. همان‌جا، ص ۴۲۸.
 ۳. کهن، آبراهام، «کنجینه‌ای از نغمه‌ها، ترجمه امیر همدون گزالی، تهران، اساطیر (۱۳۸۲)»، ص ۳۱۴.
 ۴. همان‌جا، ص ۳۱۳.
 ۵. همان‌جا، ص ۳۱۳.
 ۶. همان‌جا، ص ۳۱۳.
 ۷. همان‌جا، ص ۳۱۳.
 ۸. همان‌جا، ص ۳۱۳.
 ۹. همان‌جا، ص ۳۱۳.
 ۱۰. همان‌جا، ص ۳۱۳.



زندگی در پس زندگی اخروی یا دنیوی؟

مرتضی ناصحی

زندگی پس از مرگ، یکی از مهم‌ترین مسائلی دینی در ادیان مختلف بوده است. بررسی این مسئله در دو دیدگاه توحیدی و غیر توحیدی، ما را بر آن داشت تا سعی را در خدمت استاد محترم علی‌محمدی در راسته‌های گوناگون، در دانشگاه آبان و میانه‌های قم، درک کنیم. ایشان تحصیلات اخروی خود را در حوزه علمیه قم از سال ۱۳۶۶ آغاز نموده و تحصیلات آکادمیک خود را در مقطع کارشناسی از دانشگاه همدان و در رشته علم‌های معارف اسلامی و سپس با اخذ مدرک دکترای فلسفه دین از دانشگاه تهران، همدان، همدان و پایان رساله‌اش در سال ۱۳۸۳.

مطالعات و تحقیقات اخروی ایشان در زمینه‌های تاریخ علوم قرآن، تاریخ اسلام، فلسفه، ادبیات عرب، کلام اسلامی، منطق و... بوده اما تحقیقات و مقالات آکادمیک ایشان، بررسی تطبیقی مسائل مختلف میان اسلام و ادیان هندی همچون هندوئیسم، بودیسم، بودیسم، تانسوخ و فرقان‌های زرتشتی و سایر ادیان و دیگر دیدگاه‌ها، تطبیق آن با معاد در ادیان توحیدی و... مسائلی بوده که در این دیدار مطرح شد.

۱. لطفا در مورد بحث تانسوخ در ادیان شرقی توضیحات مفیدی ارائه بفرمایید و جایگاه آن را در مقایسه با معاد در ادیان الهی تبیین نمایید.

ادیان شرقی به آریایی و غیر آریایی تقسیم می‌شود که بخش‌های بیشتر آن در هند پدید آمده‌اند، یعنی هندو، بودا، سیک و... فعلا به ادیان شرقی آریایی، متمرکز در هند می‌پردازیم و تانسوخ را در این قالب تبیین می‌کنیم. کسانیکه که تانسوخ را پذیرفته‌اند، معتقدند اولاً روح از آری و ابتدای است، ثانیاً روح باید همواره در حال تلاش برای علو درجه باشد و ثالثاً برای تلاش همواره نیاز به یک بدن دارد. همچنین در ادیان شرقی سرانجام انسان در حال تانسوخ در این جهان تصور می‌شود، برخلاف ادیان الهی که به زندگی دنیا، عالم برزخ و قیامت اعتقاد دارند و بهشت و جهنم را مطرح می‌کنند. ادیان شرقی آریایی با طرح تانسوخ بیشترین توجه را به دنیا اختصاص می‌دهند و عالم را مادی و روحانی تقسیم می‌کنند و بهشت و جهنم به مفهوم ادیان ابراهیمی برای آنها مطرح نیست.

مفهوم تانسوخ انتقال نفوس یا ارواح اشقیاء - یعنی کسانی که اعمال نیک نداشتند - از گشتن به بدن‌های دیگر است که از لحاظ درجه و مرتبه دینی پایین‌تر از انسان‌های قبلی بوده‌اند. در واقع روح این افراد به ترتیب به انسان، حیوان، گیاه یا جامدات منتقل می‌شود.

تانسوخ ابتدا در ادیان شرقی مطرح و سپس وارد دکتب و منابع اسلامی شده است که نوعاً



در ادیان شرق زندگی کردن در این دنیا در هر صورت رنج و عذاب است؛ ولی در ادیان الهی دنیا جایگاهی برای آشنایی و توشه و عمل نیک است. در ادیان شرقی به هر طریق به دنبال قنات شدن و رسیدن به خالق و رهایی از رنج دنیا و عدم بازگشت به دنیا هستند. نه صرفاً دریافت پاداش

اندیشمندان اسلامی در فلسفه، عرفان، کلام اسلامی و منابع اصلی اسلامی در مخالفت با آن استدلال کرده‌اند: عدل قلبی نیز با آن موافقت کردند. ملاصدرا «مفصل» روح به انسان را «سئخ» به حیوان را «سئخ» و به گیاه را «سئخ» و به جماد را به «سئخ» تعبیر کرده است.

مردم بومی هستند. اینها به متفاوتی نسبت به اروپایی‌ها داشتند. در ابتدا به آریایی‌هایی که در کنار رود سند سفر کردند «هندو» می‌گفتند که به زبان پهلوی «هندو» تلفظ می‌شد. در مکتب اسلامی به عنوان هندو یا برهمنی مطرح شدند. این افراد قبل از ارتباط با یونانیان هند در اولین کتب مقدس به نام وداها، معتقد بودند که انسان یک پادشاه است و پس از مرگ به پیشکش یا دوزخ خواهد رفت؛ اما به مرور زمان با ارتباط با دین دگرگون شد و تحول شد. به طوری که در آخرین کتب الهامی یعنی آیینشده تصویر و مفهوم مرگ و معاد تغییر پیدا می‌کند.

در این تفصیر سخنان شخصی مثل شیوا، برهما و ویشنو مطرح می‌شوند. سپس «تاسخ» یا «همنسا» به معنی بازپیدایی مجدد، همراه با اصطلاح «مره» یعنی عمل کرده خورده است و این دو به یکدیگر وابسته هستند. یعنی انسان اگر شاعر دین را خوب انجام دهد، نجات می‌یابد. در غیر این صورت دوزخه راهیابد. در چرخه بازپیدایی قرار گیرد و تا در خدافتاشیده باشد این چرخه بازپیدایی در این جهان ادامه دارد.

نجات انسان در دین «هندو» به این معنا است که انسان اگر عمل خوب و نیکو انجام داد، پس از مرگ به خدا ملحق شده، در برهما خدای مطلق دنیا فنا می‌شود و به همنسا یعنی روح و شخصیت آن باقی نمی‌ماند. مثل کعبه تمیزی که به خمیر منیع عمل شده، دیگر موجودیتی مستقل ندارد؛ در حقیقت غایت رستگاری در هندو، نجات از بازپیدایی است.

برهما به عنوان روح اعظم با

عنوان «پرآتما» یاد می‌شود. از پرآتما روحی مدیده می‌شود و به نام «آتمن» یا سپس آتمن وارد «جیوه» که تقریباً در مقایسه با فلسفه اسلامی قابلیت دارد اولی است می‌شود. این جیوه قابلیت این را دارد که هر شکلی اعم از انسان، حیوان، گیاه و جماد را به خود بگیرد. و از انجام آن لذت ببرد، سبب توقف نجات و انسان نسبت به نوع عملکردش به صورت جماد، نبات، حیوان و انسان بازپیدا می‌شود که به هیچ چیز تعلق خاطر نداشته باشد. این بدن اسکالاتی و دارای نظریه‌ای است که چون روح جدا از بدن هستی دارد. و اسکالاتی چون زندگی یک روح در دوزخ و یا بیشتر مطرح می‌شود و یکی از بزرگترین اشکالات این دیدگاه این مسئله است که اگر تاسخ صحت داشته باشد، نباید افزایش جمعیتی صورت بپذیرد.

آیین «سیک» دومین دین شرقی است که تاسخ و چرخه زندگی در آن شبیه هندو است. در این آیین نیز پرآتما آتمن و جیوه وجود دارد، با این تفاوت که در آیین هندو، زن وقتی نجات می‌یابد که در چرخه بعدی تبدیل به مرد شود و بعد از آن اگر عملکرد خوبی داشته باشد، به معنی بازپیدایی او است. اما در آیین سیک، زن مستقلاً قابلیت نجات را دارد. دیگر تفاوت این دو آیین در پرآتما (روح اعظم) است. در هندو پرآتما متعلق به برهما است؛ اما در سیک متعلق به خدای قادر و احدی است که نظیر ادیان توحیدی است.

آیین «جینه» یا باو این قبل تفاوت بیشتری دارد. در آن آیین هیچ خدایی وجود ندارد و جبری از نظر الهیاتی نیست. تاسخ در جینه از پرآتما و آتما شروع نمی‌شود؛ بلکه از خود جیوه شروع می‌شود. بنا بر اعتقاد ایشان جیوه وجود است که مادی‌ها همراه آن است و به نام «اوجوه» یا «رامه» در حقیقت جیوه را نفس و روح و اوجوه (رامه) می‌یابند. جیوه تا زمانی که در آتما قرار گیرد، تاسخ را تجربه می‌کند. جیوه تا زمانی که به سمت «دانش مطلق» و «شرو» و «سعادت» است و اگر انسان جیوه خود را از دنیا بپوشد، رها کند و نجات یابد، مادی‌گری یا پاداش ریاضت شاقه همراه با شدت به این سه صفت برسد.

در آیین جینه به جای پیرو درگاه، یک جهان ارواح ترسیم و آن را نقطه‌ای اعلا فرض می‌کنند که ارواح به ایمان متصل می‌شوند. فرق جینه با هندو این است که عمل خیر در جینه نوعی تزخیر طلایی برای انسان است که اگر انسان به عمل خیرش تعلق خاطر پیدا کند و از انجام آن لذت ببرد، سبب توقف نجات می‌شود. فرد زمانی می‌تواند نجات پیدا کند که به هیچ چیز تعلق خاطر نداشته باشد. این مهم تنها با ریاضت کثیفین ممکن است. هر جمله ریاضت شاقه که معمولاً تلفظ می‌شود، از آنها انجام می‌شود عبارت از مرگ اختیاری است که از روزه گرفتن شروع می‌شود. این روزه ادامه دارد تا وقتی که فرد از گرسنگی به جهان ارواح پیوندد.

چهارمین دین شرقی «آیین بودا» است. آیین بودا نیز مانند جینه اعتقاد به خدا ندارد. اساساً این دو آیین برای مخالفت با الهیات در هند به وجود آمدند. تاسخ آیین این با سه مذهب قبل تفاوت دارد. این آیین قائل به ازلی بودن روح نیست؛ بلکه معتقد است انسان وقتی نجات پیدا می‌کند که به بازپیدایی نرسد و یک حالت روشن‌شدگی و یا به معنی دیگر «خاموشی» برسد. خاموشی از حرات و غرر نشانی است که به «نیروانا» تعبیر می‌شود. در حقیقت بودا یعنی «روشن شده» و غایت آن دست یافتن به نیروانا است.

این معنی است که روح پس از مرگ شخص، روح دیگری را برمی‌گزیند و این نظریه نیست که همان روح در بدن دیگری قرار بگیرد. روح مادی‌ها سیال است و زمانی که سیال می‌ماند و روح‌های دیگری را پدیدار کند، تاسخ رخ می‌دهد. بر خلاف «جینه» عمل خوب در «ویدا» تأثیر مثبت دارد و اگر عمل انسان می‌باشد، از بازپیدایی جلوگیری می‌کند.

۴. تفاوت‌های عمده تاسخ با معاد در چه می‌باشد؟

پیرو ادیان الهی تماماً اعمال خود را به این لحاظ انجام می‌دهند: پیروان دینی نفسی اعتقاد دارند؛ یعنی هر شخص نفسی خدا ناکار است.

غایت در ادیان شرقی نجات از چرخه تاسخ و بازپیدایی است؛ در حالی که در ادیان الهی مفهوم نجات و رستگاری، در درجه نخست، رضایت الهی و سپس جایگاه رفیع اخروی است و اخلاق در دنیا به عنوان توشه اخیرت و عامل رحمت انسان به شمار می‌آید.



و در مقابل عملی که انجام می‌دهد یا عذاب می‌شود و یا پاداش می‌گیرد. تا حدودی ادیان شرقی برهمنی این قسمت است.

اما در ادیان شرق زندگی کردن در این دنیا هر صورت رنج و عذاب است؛ ولی در ادیان الهی دنیا جایگاهی برای اندوختن توشه و عمل نیک است. در ادیان شرقی به هر طریق به دنبال قنات شدن و رسیدن به خالق و رهایی از رنج دنیا و عدم بازگشت به دنیا هستند؛ نه صرفاً دریافت پاداش.

در ادیان شرقی معاد توسط تاسخ شکل ندایی به خود می‌گیرد و تا وقتی که به درجه قنات رسیده به چرخه دنیایی تعلق دارد و موارویی نیست؛ برخلاف ادیان الهی و توحیدی که معاد صرفاً به عالم موارویی تعلق دارد.

۳. باز خورد ادیان متاسخ در ادیان مختلف چیست؟

افکار و ساختار ادیان شرق متعلق شش قرن قبل از میلاد است؛ یعنی زمانی که مردم دوست داشتند خدای خود را ببینند و آن را حس کنند، دنیایی را برای خود ساختند که هر چه می‌خواستند در آن یافت می‌شدند. اینها در واقع با فلسفه خلقت نسبت به پیروان ادیان الهی بسیار متفاوت است و پیروان الهی این گونه عقاید را بسیار سطحی و پایین تلقی می‌کنند و به سیرت اسکالاتی از این عقاید می‌گیرند که با قالب بدنی آنها منطبق ندارد و آنها را امکان نمی‌دانند.

و این بخاطر تفاوتی است که در سطح دین در ادیان شرقی با ادیان الهی است؛ به این معنی که در ادیان الهی انسان همیشه برای ارتباط با خداوند و آسایش الهی به نام پیامبر دارد، در حالی که در ادیان شرقی خودشان می‌توانند به درجه‌ای برسد که با خدا ارتباط برقرار کنند. در ادیان الهی توصیه‌ها و موفقه‌های اخلاقی نوعاً برگرفته از نصوص ادنی است و این نصوص استوار نیستند؛ در چرخه پیروان از همین نوع است. اما موفقه‌های اخلاقی در ادیان شرقی خود بیان می‌کنند، پاداش می‌شوند و این امور گوشزد شده‌اند تا جویز می‌کنند. اگر این

۴. تفاوت در اهداف دین تاسخ و معاد چیست؟

اسرار را انجام دهند جایگاه خوبی در مواروه و یسار دنیای ارواح به دست می‌آورند و اگر انجام ندهند دوباره در بازگشت به این دنیا به هوم‌های متفاوت و نازل‌تر تبدیل می‌شوند. در ادیان شرقی کار زنی حتی استاد دانشگاه باشد و شهسورش کارگر باشد، به دلیل اینکه پس از مرگ به این دنیا بازنگردد و اگر هم بازگشت به صورت مرد بیاید، وظیفه خود می‌داند که مطلقاً به مرد خود خدمت کند.

زندگی پس از مرگ در نظام اجتماعی ادیان شرقی امتیزی به وجود آورده است که کسانی که به دلیل فقر زیاد در گوشه‌های خراب زندگی می‌کنند و غذا برای خوردن ندارند، زدی نکنند؛ چرا که معتقدند اگر آن سستی‌ها در درجرت باشند، به همان درجه‌ای می‌آیند و اگر دست‌های آن‌ها خشک‌کنند قطعاً به درجرت پایین‌تر تنزل می‌کنند.

سهمساره زاد مُردیا معادی به سبک هندی

محسن کیادری بندهسری (کارشناس ارشد ادیان شرق)



سر نوشت انسان پس از مرگ موضوعی است که همواره ذهن اقوام مختلف را به خود مشغول کرده تا هر کلام به گونه‌ای باسختی برای آن دریا بماند انسان‌ها نیز با آنچه به درک خود از هستی و مرگ، راه‌حلی در نظر می‌گرفتند که بر برخی مواد برای اقوام دیگر عجیب و غریب قابل درک می‌بود.

تاسخ در سرزمین هند، پاسخ هندوها به زندگی پس از مرگ است. این پاسخ همان قدر برای یک هندی بدیهی است که برای «یک بار زندگی کردن و یک بار مردن» برای یک غریبی با مسلمانان بدیهی است! مفهوم تاسخ یا زادمردی در فقهی در آن سرزمین آن است که گویم هیچ کس اطمینانی بر ندانی نکرده است. می‌توان ادعا کرد که تقریباً تمام اقوام هند، معتقدند به تاسخ هستند، هر چند توجهات هر کدام در این مسئله متفاوت است. در این مقاله سعی خواهیم کرد با توجه به متون مقدس هندی، سیر تحول این مفهوم را در هندوسان کاوییم.

مفهوم تاسخ

نظریه تاسخ یا تجسد دوباره، یکی از جنبه‌های پراهمیت نظام الیهانی-انجمنی هند است و نقش غیرقابل انکار در شکل‌گیری اخلاق، رفتار و طرز زندگی مردم در هند، هندوستان و تمامی فرهنگ‌های متأثر از آن نیز سیربطه می‌نماید. البته برای کاربردی شدن تاسخ، نیاز به نام «کرما» وجود دارد که به معنای بازگشت اعمال فرد به خودش است. طبق این قانون اعمال خوب باعث بهتر شدن و اعمال بد موجب بدتر شدن زندگی فرد در زندگی بعد خواهد شد.

یکی معیارها و مؤثرین اخلاقی و شرعی هندوئیان (مونا، براساس بنیاد روحی پس از مرگ و تجسد دوباره شکل گرفته است. بر اساس این شرایط هر دورها در زندگی به واسطه تاسخ اعمال نیک و بد در زندگی قبل تعیین خواهد شد. به طور خلاصه می‌توان گفت که این روند بر قانون کرما یا قانون بدلی طبیعت نباشد و طبیعت بر اساس ضرورت ذاتی خود عمل می‌کند. بدین معنا که پاداش و عقاب از طرف قدرت فوق بشری و خدا و خدایان داد نمی‌شود بلکه همین اخلاق خود فرد است که مطابق با قانون کرما سر نوشت او را تعیین می‌کند. «پیشن این فکر در تعالی فرایند به موضوع «خود» حقیقی انسان، یعنی «آتمن» است.» حقیقتی که هیچ‌گاه از بین نمی‌رود و نباید گرفتار این چرخه خواهد بود.

نورهای مختلف سهمساره می‌تواند شامل حیات انسانی، حیوانی، نباتی،

طبیقات مختلف نظام کاستی، زن یا مرد بودن و... باشد. که برخی در دیگری ارجحیت دارند؛ مثلاً مرد بودن افضل از زن بودن است یا حیات انسانی افضل از حیوانی است. چرخه سهمساره یا تاسخ بسته به اعمال افراد می‌تواند صعودی یا نزولی باشد. کارهای پسندیده و نیک و بازشت و بد زندگی آینده فرد را در ساحت‌های بهتر و بدتر قرار دهد. مثلاً فردی در پست‌ترین طبقه نظام کاستی (طبقاتی)، با کار نیک در زندگی بعدی در طبقه‌ای بالاتر و برتر قرار می‌گیرد و در مقابل هم ممکن است به سبب اعمال زشت، کاملاً از آسایش خارج و در حیات حیوانی یا حتی نباتی به زندگی ادامه دهد.

علت اصلی این اسارت در زمان ورنج، دلستگی و شوق آزمانه به اشیاء و لذایذ محدود مادی است. کسی می‌تواند خود را از این چرخه آزاد کند که در امتیال را درون خود اطفا کند یا خودگی جهان، «هرمن» یکی شود. در این حالت تمام اعمال فردی که رُمایه‌چاز خیر و نوع چو نفع، انجام می‌کند و فراموش می‌شود.

تاسخ در سرزمین هند، پاسخ هندوها به زندگی پس از مرگ است. این پاسخ همان قدر برای یک هندی بدیهی است که برای «یک بار زندگی کردن و یک بار مردن» برای یک غریبی با مسلمانان بدیهی است! مفهوم تاسخ یا زادمردی در فقهی در آن سرزمین آن است که گویم هیچ کس اطمینانی بر ندانی نکرده است. می‌توان ادعا کرد که تقریباً تمام اقوام هند، معتقدند به تاسخ هستند، هر چند توجهات هر کدام در این مسئله متفاوت است. در این مقاله سعی خواهیم کرد با توجه به متون مقدس هندی، سیر تحول این مفهوم را در هندوسان کاوییم.

سیر تحولی

تاسخ تحول این نظریه در هند، روشن نیست. برخی معتقدند که تاسخ از باورهای بومی هند بوده و بعدها با اندیشه‌های آریاییان درآمیخته شده است. برخی دیگر بر این باورند که با جمله آریاییان این اعتقاد در میان بومیان که مطروان جامعه بودند، اوج گرفت و بعدها در میان طبقات تاسخ و چرخه مهاجر، مکه یا چا کرد، به هر حال اکثر متفکران معتقدند تاسخ و چرخه مالا را خود سهمساره، یک مفهوم ودایی است. البته سبب آن اندیش آریایی‌ها و اوپنیشادها ظهور کرده و متحول شده است.

تاقلی از حضور آریایی‌ها در هند، در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد، اطلاع چندانی از عقاید آریان مردم برودن آنجا در دست نیست. برخی مورخان احتمال داده‌اند که عقایدی همچون تاسخ و وفاتون کرما، از هندوان بومی نشئت گرفته که تا پیش از آن در میان اقوام آریایی نبوده است. آنچه از لحاظ تاریخی قابل بررسی است، دوره پیش از هجوم آریایی‌ها و پیدایش چهار کاست طبق هندی به نام «وهندا» است. براساس این کتب نشان می‌دهد که درباره هلا می‌پس از مرگ و زندگی بعد از مرگ و تاسخ به میان نیامده است. «بزرگ نمونه در ریگ وده» از «هیرادا» به عنوان حیوانات یاد شده و مورد ستایش قرار گرفته است. نیز ستایش ارواح دیگر مردگان با سروده‌های دینی، نشان از احترام آریایی‌ها قدیمه

تاسخ در سرزمین هند، پاسخ هندوها به زندگی پس از مرگ است. این پاسخ همان قدر برای یک هندی بدیهی است که برای «یک بار زندگی کردن و یک بار مردن» برای یک غریبی با مسلمانان بدیهی است!



ارواح نیاکان بوده است. «البته در این کتاب‌ها، عباراتی وجود دارد که شاید به نوعی تاسخی کننده تاسخ باشد؛ البته به نظر می‌رسد بیشتر معاد جسمانی باشد تا تاسخ.» «یا ما مشهور باش، یا باه علوی محسور باش و شایستگی از آردی در علین بر خوراد نسو... زندگانی دوسراری، همراه کابیهی در خوشانی در کالیدی دیگر نصبی نواید.»

در این دوره هندوها برای اموال احترام خاصی قائل بودند تا جایی که برای آنها سفره پهن می‌کردند تا از طعم و شراب بهره ببرند. واضح است که اگر روح مرده به کالیدی در همین جهان منتقل شود، دیگر نیازی به پهن کردن سفره جداگانه نیست؛ چرا که روح فردی در حیات انسان و حیوان در همین جهان است.

توضیح به تاسخ را باید در «اوپنیشادها» جستجو کرد چرا که بسیاری از مورخین سر آغاز این نظریه را در این کتاب‌ها دانسته‌اند. «الآخر قرن هفتم قبل از میلاد، آریایی‌ها سرآسرو رود گنگا و تحت سیطره خود در آوردند و به تدریج با ایجاد تشکیلات و سازمان‌های اجتماعی، جامعه را به دو طبقه آریایی و غیر آریایی تقسیم کردند.

این نظریه را نباید در منابع مستقل جستجو کرد یا باید گفت که این اندیشه بومیان هندو اندیشه انتقال ارواح انسانی به درختان و حیوانات اطراف خودند. این نظریه در عقاید مردم آریایی صورت گرفته است. اوپنیشادها بانی عقاید در مفهوم سهمساره کرداروی کردند و پیگودگیتا از عدم نابودی آنچه وجود دارد سخن گفت.

حقیقت نظریه

این اندیشه پس از مطرح شدن در غرب، به عنوان سلسله‌ای از «بخت‌های دوباره» برای اصلاح سر نوشت فرد در نظر گرفته شد؛ اما اولی زایش‌های متشده از قید آزادی سومی هندوها به طرز بدیهانه‌ای به عنوان باقالبی وجودی تلقی شده است؛ چرا که حیات نه تنها به عنوان امری شاکار، حیوانی و کوتاه‌نگر شده، بلکه کاملاً مملو از روح و قوه نامعتمد گشته است. بدین معنی که افزایش تولد در این واوی، صرفاً رنج افزایش می‌دهد تا زمانی که فرد به‌یاری نرسد، تنگ نمی‌ماند.

پی‌نوشت:

۱- کج، جان، فلسفه دین متقدم بوداسمکی، ۲۳۶-۲۶۹، ۲۳۶-۲۶۹.
۲- Gough, A. E. The Philosophy of the Upanishads and Indian Hinduism. London, 1919, p. 24.
۳- پول، رونا، تولد، تاسخ و وفاتون کرما، ۱۸۸-۱۸۹، ۱۸۸-۱۸۹.

۴- کج، جان، فلسفه دین متقدم بوداسمکی، ۲۳۶-۲۶۹، ۲۳۶-۲۶۹.
۵- Gough, A. E. The Philosophy of the Upanishads and Indian Hinduism. London, 1919, p. 24.
۶- پول، رونا، تولد، تاسخ و وفاتون کرما، ۱۸۸-۱۸۹، ۱۸۸-۱۸۹.

گذرگ راه‌دوری یا چند و دل

دانیال نعمی (کارشناس ارشد ادیان شرق)

«سر منزل نورانی ویژه نیکو کاران خواهد بود و محیط تاریک از آن دروغ‌گویان است. در جهان روشن و روح روان هر کسی سزای کردار خود را در می‌یابد.»

از فراز قوق که بخشی از متون کهن دین زرتشت است. آخرت باوری را در این دین باستانی می‌توان دریافت. در واقع می‌توان گفت: زرتشت تئودین غیرابراهیمی است که در آن سخن از آخرت، عقاب و میان آمده است. آنچه یک بسیاری از این اعتقادات شابهت‌های بسیار زیادی به آموزه‌های آخرت شناسانه ادیان ابراهیمی و ویژه اسلام دارد. زرتشتیان مانند پیروان دیگر ادیان، بر این باورند که روح آدمی با مرگ فانی نمی‌شود و هلاکت جسم پایان کار بشر نیست. بر پایه همین باور، ادیان نظام آخرت‌شناسی بسیار زکات‌یافته هستند که با اصل دینداری و ایمان‌گرایی انسان کاملاً مطابقت می‌کند.

طبق تعالیم زرتشت در باب آخرت، انسان‌ها بسته به نوع و روش زندگی خود در نیای فانی مسیر زندگی خود را در آخرت تعیین می‌کنند. در فرازی از سنا چنین آمده است: «ای مرداوه‌ری می‌توانی این پادشاه آرمایی را به تن به تن و جان کسائی از زانی می‌داری که با منش نیکو است می‌کنند. پس از مرگ همه افراد می‌یابستند که گذرگه‌داری (پل چنود) که در زیر آن افش و اهن مذاب روان است. عبور کنند. گذر از این مرحله هر کدرار نیک است و آری بسندگی دارد.»

بر اساس متون دینی زرتشتی، روان انسان پس از مرگ سه روز در اطراف چند خود می‌ماند و روز چهارم به واسطه وزش با صبح برای بررسی اعمال و محاسبه در برابر پل چنود (پل شل) تشخیص می‌گردد و برای نوری قرار خواهد شد. میان دو کوه دماوند و آوند، کشیده شده است. قری می‌گردد. کسار این پل دو فرشته حسابر س به نام مهر (مهر خورشید) و چید (عدل) است. از اولی عدالت را قار دادند و به حساب می‌روند. پس در منای دیگر متون، اولین قاضی در این مرحله، ایزدمهر است. پس از آن نوبت به دیگری از دین می‌رسد که به ترتیب عبارت‌اند از: پروش و وزش و آندانیست. در برخی متون نیز بیان درستی در عهده وهوم (پهمن) آردمیست.

شهریور، سمندار، مژگرد و امرد داد باور شده‌اند. پس از محاسبه، همه افراد باید از پل عبور کنند. نیکو کاران از چنود به راحی، زمین و شادمانی گذر می‌کنند و وقتی توان آنان از پل عبور کرد، نیز زیبا با چهره و خوشنده، او را به سوی پشته‌های آسمانی می‌کشند. این پل بهترین جاگانه یا گران (جامی زارند و در آنجا به خوشی و سعادت



زندگی خواهند کرد. اما اروان گناهکار به وسیله دیوتز دیل می‌رود ضمن حسابرسی برپیل، علت گناهان از وی پرسیده می‌شود و او به بهانه‌هایی متوسل می‌شود ولی در نهایت، پل برای او از لبه تیغ نیز تیز و از لب‌ها نازک می‌شود و وی از پل سقوط می‌کند و زنی بدتر تکب و زشت و چادگر با او بر وی می‌گردد؛ انگه در وی از دوزخ بر وی اوبار می‌شود.

توصیفات پشمت دوزخ در متون دینی زرتشتی؛ در بیستایی ۴/۴۴ و در ارداویرافنامه آمده است: پشمت چهار طبقه دارد که هر یک در مکان و محلی قرار دارند و به اسمی نامیده می‌شوند. طبقه اول: پندل، نیکب، و محل آن در ستارگان می‌باشد. طبقه دوم: گشتار، نیکب و مکان آن در ماه می‌باشد. طبقه سوم: کردار نیک و بد، محل آن در بالارین روشنایی‌ها می‌باشد و به طبقه چهارم که محل عرش الهی است، می‌رسد و به ساحت قدس اهریمن‌ها که منزلگاه نیکان و پاکان است، دست یافته و منزل می‌کند. در بیستایی ۴/۴۹ آمده است: دوزخ برای دین دیو و منزل دروغگوهاست و محل عذاب الهی در ستارگان. در بیستایی ۲/۱۱ و یوسودو و پشمت ۴/۴۹ ارداویرافنامه آمده است: روان پس از گذشتن از سه مرحله (پندار، گفتار، کردار نیک) به فضای تریگی می‌پایانی که مکان اهرمن است واصل می‌شود. در دوزخ سرما (باد) خشکی و پشرفت باشد. روان، به معنی روان است که ابدی

چاهای همگین است، و جانورانی دارد که ارواح بدکاران را می‌درزند؛ کوچک‌ترین آنها به بزرگی کوهی است.

در بیستایی ۴/۴۷ آمده است: کسانی که خوبی و بدی آنان یکسان باشد، جایگاهشان برزخ است که میان بهشت و دوزخ قرار دارد. گناهکاران زرتشتیانی هستند که پس از دیدن عذاب، در مدت معین آزاد می‌شوند.

برخی محققان اعتقاد دارند که بهشت دوزخ نام چهارچهره‌پند از ظهور روز چهارم مراسم دیگری به نام دهه و در روز سوم مراسم دیگری به نام دهه و در روز سوم مراسم دیگری به معنی در سست یک ماه پس از آن گذشت، مراسم مذهبی به نام روزه به یاد شخص مرحوم برزگر می‌شود. این مراسم به نام ماه روزه که در سست یک ماه پس از آن گذشت، مراسم ادامه می‌یابد. در ماه دوازدهم که در سست یک سال از فوت شخص مرحوم گذشته مراسم به نام سال برزگر می‌شود.

منابع:

۱. ارتقشب، (زردیجر، مراسم مادی وادب زرتشتیان)، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۲.
۲. یوردادو، (اوهیبه، پسته اساطیر)، ۱۳۸۰.
۳. یوردادو، (اوهیبه، وپسرد، اساطیر)، ۱۳۷۱.
۴. یوفی، (حسین، اساطیر ایران، بزرگ، مؤسسه فرهنگی)، ۱۳۷۱.
۵. هفتلر، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه امیر آنگو، راهبر، چشمه، ۱۳۸۸.



جهان‌بندی درس‌رزمین‌افسانه‌ها

محمد ابعمی (کارشناس ارشد ادیان)

اندیشه جهانی طبیعت را در مرکز توجه قرار داده است و دامنه زندگی هدف‌هایی آن است. با اصل انگاشتن هماهنگی زندگی با طبیعت، اندیشه‌های معنوی آنها باید توجه داشت که ارتباط با طبیعت امری اساسی است. اولین نقطه این اندیشه در تفکر مردی به نام فوسنی بسته شد. تعالیم او به نام «بی‌چینگ» شناخته شده است. منبع اصلی فلسفه و جهان‌بینی چنین است که بعدها لاتوپتسه و فوسنیوس به آن پرداختند. لاتوپتسه تعالیمی بی‌چینگ یا فلسفه‌ای معنوی تبدیل کرد که این تالو نام دارد و در اصل به معنای طریقه و راه و رسم است. مفهوم تالو در این اصل، نظم جهانی است. رتاج نجات انسان این است که هماهنگ با نظم طبیعت که تالو برقرار کرد حرکت کند و تسلیم تقدیری شود که تالو برای او معین کرده است.^۱

کنفوسیائیسیم کمال‌صورت یک مذهب را نشانده است و توانی از کورین به سه‌سایر الی‌الینا نشانده است که کنفوسیوس در این جهان زندگی می‌باشد. تفکر کنفوسیوس سال‌ها بعد از آن تحلیل موضوع زندگی پس از تولد ندارد. اگرچه کتابهای آن شامل مقرراتی در موضوع رعایت این نیات است که به طور ضمنی مبین اعتقاد به یک حیات جاودانی است. این تفکر در تئوسیفم سخنان از پشمت‌ها و دوزخ‌هایی است که پس از حسابرسی، نیکوکاران و بدکاران در آن جای می‌گیرند. این تالیف عقیده به بهشت و جهنم و کثیر و پادشاه از این ماهانته زانی اقتباس کرد و در چین چوان داد است و تغییرات ایجاد ارواح از این بودایی گرفته است. محاسن این تصویر می‌کند که این مطلب عمدتاً به دلیل نفوذ و گسترش دین بودایی در چین است که عقیده و طبقه چندیین بهشت و جهنم را با خود به چین آورد. همچنین گفته شده که دلیل همین عدم اهمیت حیات آینده در ادیان بومی چین بوده که دین وارداتی بودایی تا این حد مورد استقبال مردم چین قرار گرفته است. دین تلوین تأکید شدیدی بر حیات اخروی دارد. از نظر پیروان لاتوپتسه ارواح‌نسون خلالت خلیان‌ان خود را انجام

می‌دهند و نیکوکاران را پادشاه و بدکاران را کبفر می‌نمایند. ^۲ دین تلوینی برای پادشاه نیکوکاران و جزای بدکاران، به احکام مربوط به دینی دیگر، در قالب طرح پشمت‌ها و جهنم‌ها گوناگون، روی آورد.^۳

اعتقاد تلو بر این است که روح به مجرد مرگ، که چرخ زندگی‌اش از تمام کردهاست، به جایی می‌رود تا برای مدتی قبل از زهای به سوی آسمان از لوریگی گناهان جایز شود. در این مدت اگر وی از سوی زهای با پادشاه و نذر غنایم مرتکب نشود، ممکن است سبب بیماری یا دیگر مکرر برای او خوانده شود. جایگاه واسطه (در احضار ارواح) این است که به عالم ارواح یا بین فرستاده شود تا نیادهای روح بدون مراقب بررسی گردد. عقیده مخصوص بر این است که شمار بودایی در آزاد کردن روح از عذاب‌های جهنم و بالا بردن به سوی آسمان‌های غریب و بهشت تلو است.^۴

در این اندیشه عالم بالطبع متحرک است و الی‌الینا به سوی درستی، پیروزی و باورنی سیر می‌کند. هر عملی، مانند نظیر شکر، خبیث و بی‌گناه یا اجنابن خطاکار که همیشه خلاف طریقت تالو حرکت می‌کند، بنده است. حتماً جایزه یا سبب تمام به سوی مصطف کمال، حرکت خود را طی می‌کند. البته عالم به سوی درستی و سلامت راه می‌پیماید و این حکماتی طریقت تالو است، اما ممکن است عوامل خبیث و شر این حرکت را به تأخیر اندازد.

پی‌نوشت:

۱. Liao Tzu، کنفوسیوس، معجزه‌دین فلسفیه، نظریه‌های آریستو، فصل ۳، چینی است. در بررسی این موضوع، نظریه‌های آریستو، فصل ۳، آریستو، در کتب کوچک لوکه دیورود، یعنی از هر سونان جدید، کلامونگ است. مولود شد در ۴۹۹ پیش از میلاد در کانت.
۲. The Dao De،
۳. یوفی، حسین، اساطیر ایران، بزرگ، تهران، چشمه، ۱۳۸۵.
۴. ۱۵۴-۱۵۴، فصل ۱۰، پیچیدگی تاریخ‌نویسی، گروه مترجمان، تهران، علم، ۱۳۷۱.
۵. یوفی، حسین، اساطیر ایران، بزرگ، تهران، چشمه، ۱۳۸۵.
۶. سلیمان، اردستانی، معادیر، سیری در ادیان زرتشتی جهان، غیر از اسلام، (با عنوان عقاید ۱۳۸۳)، ص ۱۲۲، ص ۱۵۴.
۷. هومر، اریست، ادیان زرتشتی جهان، تهران، چشمه، ۱۳۷۱.
۸. هفتلر، جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه امیر آنگو، راهبر، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸، ص ۲۲۶-۲۲۷.

معاد مانوی

محمد روین فر (کارشناس ارشد ادیان)

یکی از مذاهب دوره ساسانی که قلمروی وسیعی داشته، دین مانوی است. این دین قرن‌هاست که از میان رفته و نه‌انتهای آن در دیگر ادیان باقی مانده است. مانوی خدای جانشین پیامبران آسمانی می‌دانست که از زمان تأزرتشت و بودا و عیسی برای راهنمایی بشر آمده‌اند و خود ادعا داشت که در برترین فرقیب است که مسیح را ظهور او را پیش‌بینی کرده است. در تعالیم مانوی تأثیر مسیحیت بیش از دیگر ادیان است. این محقق گریده است که وی از مسیحیت پیش از دین‌های دیگر آموخته شده است. البته منابع اطلاعات و مستقیماً از این مسیح نبود؛ بلکه آگاهی و بیشتر از جریان عرفانی گنوسی بود که با اعتقادات مسیحیت اولیه مخلوط شده است.^۱

در اندیشه مانوی روح انسان، بخشی از خدای روشنایی است که نزول یافته و در کالبد خاکی جایگزین شده است. از آن روی است که اگر برای معنای روشنایی که در درون دارد بگردند، با خداوند یک‌سان نشأت از این زمان دین مانوی باشد. شن شدن بشر، به‌تأثیر از وی و بازگشت همه ذرات درون ایشان به سوی خدای روشنایی است. این گونه است که سعادت نوع بشر تا مابین می‌شود و انسان پس از مرگ در آرشش و خوشی به سر می‌برد.^۲

در باره سرشوند روان پس از مرگ در این مانی دو روایت وجود دارد:

اول) اینکه روان پس از مرگ زندگی دارد، یکی از ایزدان آفرینش سوم، می‌رود پس از آنکه عیسی در مورد آن داوری کرد؛ یکی از آنکه راه زندگی (بهشت) استیختگی دیوراد با بازگشت به جهان و با مرگ (دوزخ) را در پیش می‌گیرد.^۳

فصل ۱۴ «کالایا» که به زبان قطعی است بحث درباره چگونگی سومود روح بعد از مرگ است چنین می‌گوید:

«به مجرد اینکه روح جسم را ترک می‌نماید، متنجی خود را مشاهده می‌کند. آن در امتثال سرور خود و سه‌رشته‌های که با او هستند عروج می‌کند و به پیشگاه قاضی عیسی و دود پیروزی خود را می‌پاید.»

البته این به شرطی است که فرد مؤمن باشد؛



رواق ۴ ادیان ایران باستان

جمع میان حق و باطل!

احسان جندی (دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی)

چرا که مؤمن به واسطه کنوس باید شعور آزاد خود را بیابد کند و خود را از اسارت ماده رهایی بخشد. اگر موفق به رهایی بود، نور شود به قلمرو پدر بزرگی می رود و اگر موفق نشود، اگر کنگه بزرگی نکرده باشد که به فوج برود، روح و نور او در کالبدهای دیگر متناسخ شده، در چرخه دردناک سمسار می ماند.

سر نوشت روح پس از مرگ وابسته به بزرگی فردی است، روح ممکن است راه و بارها و بارها این جهان باز گردد تا سر انجام شایستگی نجات یابد بنا به ولادت مانوی، روح پس از مرگ به دیدار «خبر دادگ» می رود و کردار او را در دنیا می سنجند و نتیجه یا به «جهشت نو» می رود، یا به عدهای آمیخته از روشنی و تاریکی گذشته باز می آید یا به فوج هم می رود.

دوم اینکه روان برهیزر کار ترکت نکرده و با دیدار با یکی از ایزدان نجات بخش، با استنوت شکوه به ماه و سپس خورشید و سر انجام به بهشت نو می رود. ایزدانی که گردش آسمان ها و زمین ها تنظیم می کردند کار خویش را راه خواهند کرد، و همه رستگاران با چاهم نورانی به دیدار برهیزر یکی از زروان درآیند و عرفه خواهند سوخت و سپس با پسین راه های نور داشته، به بهشت نو خواهند رفت. آنگاه ایزدان به همراه نجات یافتگان بر آن آتش تابان نگریزند و بد کاران نیز عذاب خواهند کشید. اهریمن برای میمنه به همراه مظاهر خرد زندگی شده و نور یکبار چه خواهد شد. بهشت نو به بهشت روشنی خواهد پیوست و همه رستگاران با چاهم نورانی به دیدار برهیزر یکی از زروان درآیند و عرفه و تماشای وی بر عهده نور گردند.

در واقع روح انسان در این جهان هیبوط کرده و اسیر نیروهای شر است. در مانویت نیز چون دیگر شیخ های کنوسی، نجات به وسیله کنوس صورت می گیرد؛ اما یکی از نه از راه استلا و عقل، بل به واسطه شهود نامی از چینه و لراقی به دست می آید. آنچه موجب نجات انسان و رهایی از ظلمت و اسارت ماده می شود کنوس با معرفت، راهی خبایشت است، این هدف واقعی کنوس است؛ نجات تمام کمال و که همانا «زانتاسی» و چوداصیل خویش و بنابرین «خولدی دوداره» «دیداری مجده» در پای نخستین است. انسان توسط آن روح، طبیعت اصلی خویش آگاهی می یابد و رستگاری می شود این رستگاری ورود مجده به جهان خدای آغازین است.

پیوسته:

۱. یکتو محمد جواد دین می، معجمه، جلد ششم (۱۳۲۴)، ص ۸۷.
۲. کورستین، ایزد مانویان ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی، علاوه بر تهران، تهران، ۱۳۲۴، ص ۲۴.
۳. سکرگور، معجمه خولدیستین، ص ۳۴.
۴. مینو پوراند، تاریخ ادبیات ایران، تهران، ص ۱۳۸ (۱۳۸۱)، ص ۹۰.
۵. بهشت و بهشتی و جگانه کار باورنی، راهی نجات یافته است.
۶. بهشت اصلی که جگانه کار باورنی، راهی نجات یافته است.
۷. سکرگور، پیوسته خولدیستین، سطرده، نوشته در زبان مانوی، تهران، انتشارات زرخیز، زکری می، تبرک.
۸. معرفت، آری، ص ۸۰.
۹. نگاره، فرانسوی، بافتی و بنسبتی، عباس آهوانی، تهران، روزگار، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰.
۱۰. نگاره، فرانسوی، بافتی و بنسبتی، عباس آهوانی، تهران، روزگار، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸.

«هل حق»، نام قرقه ای از غلات منسوب به تشیع است که به نظر می رسد، عقاید آنان با ذخایر مغزوی اسلام، اساطیر ایران قدیم، و افکار فرقی عالی در هم آمیخته است؛ اما اکثر هل حق معتقدند که این طریقه آیینی مذهبی است که سینه به سینه از سلف به خلف رسیده و بنیادهای همان اصولی است که علی بن ابی طالب « علی » به عدهای از یاران نزدیک خود آموخته بود. قرقه هل حق، به ناهای دیگری می رود، یارسان، یارستان، علی الهی و این حق و حقیقت خوانده می شود. معاد و زندگی پس از مرگ به عنوان یک اصل مبنایی در میان هل حق پذیرفته شده است؛ گرچه این اصل از انحراف ممنوع نبوده است. شیخ اسیر و لاهای (متوفی ۱۱۲۵ هـ. ق) که از پیروان بزرگان هل حق است، (هل حق برای دیوان شیخ اسیر اعتبار خاص قائل اند) در بیان ماه و آخرت چنین گفته است: «دنیا به آخر می نجامد بدون شک و تردید دنیا به پایان می رسد و قیامت برپا می گردد، به و فخر و کلام حق) مراجعه کنید.» «صور اسرافیل میدهد خواهد شد (و خفتگان را بیابد خواهد کرد) اسرافیل همانند زگر در کوره می دمد و حرارت می دهد. بنگاه کوره و کارگاه به کار می افتد (قیامت برپا می شود). یاران مقرب جز عده ای از جام کوثری خواهند نوشید. و در جنت و بهشت ابدی باقی به سر خواهند برد.» در این سخنان اعتقاد به معاد در نگاه هل حق به خوبی روشن می شود و می توان بدین اعتبار هل حق به بهشت، دوزخ، کوثر و باستان اعتقاد برد.

برخی دیگر از نویسندگان هل حق با تصریح به قبول «ماد روحانی» چنین نوشته اند: «مردم یارستان، معاد را از روح پذیرفته اند.» هل حق با عدم مخالفت با معاد جسمانی، تمایل اصلی خود را به معاد روحانی نشان می دهد. ایشان معتقدند «در تمام معاد عالم این دو نکته روشن است: خدای هست و وقتی خدای بود، لا محاله شای روح و معاد است. خشر برای تمام ما مخلوق اله است. معاد یعنی بازگشت گاه تمام موجودات. به طور کلی وظیفه ما این است: از روی ایمان و یقین شک خدا و معاد را قبول داشته باشیم.» «و تبار امرزه که خشر آفت خرد دارد و کوشاید با نیک بگردار تائیک بدود.»

نور علی الهی (۱۳۷۴-۱۳۵۳ ه. ش) از سمران و بیرون معاصر هل حق بود نویسنده «هران الحق» و مهم ترین او معاصر فرقه هل حق در کتاب «آثار الحق» که در واقع جمع آوری سخنان او توسط فرزندش بهرام علی است. علی است با ذکر اقوال مختلف در باب معاد در نهیهای می گوید: «سیر تکاملی (هل حق) می گویند قالیهای متوالی پیرانهی روح، روحی را برای خدا فرقی می کنند آن جسم را ایجاد کند یا خود آن جسم را حساب با آن روح است که در جسم بوده است.»

واقعیات اعتقاد

چنان که گذشت، هل حق اصل معاد را قبول دارد؛ اما واقعیت این است که اعتقاد آنان با انحرافات ترکیب شده است که به آنها اشاره می کنیم. بیستترین عبارات در بحث معاد در مجموعه «

ایسن و اندرز و رمز مزاری» (یکی از آثار دارای اهمیت برای هل حق تاریخ مجدد القاضی) آمده است: «هل حق نظریه پیشوایان، یارستان و روی اصل اعتقاد به حلول روح فقط جسم شخص متوفی از بین رفته و خاک تبدیل می شود، ولی روح او بر حسب اعمالش به جسم دیگری حلول می نماید.» القاضی در بیانی دیگر در کتابش اعتقاد هل حق به یک محضر کلی را چنین بیان می کند: «مردم یارستان علاوه بر مکافات بعد از مرگ به یک محضر کلی نیز معتقد هستند و آن مکانی است که این جهان فانی، حلق مشیت الهی، دگرگون شده و به حساب راهب می آید می گرد و نو انهایی

که در اثر گردش های متعدد جسمی خود دوره، قادر نبوده اند روح خود را از آلیش های زستی برسانند و به سوسوی نیکی گرایش یافته به تابش زشتی که فرسخ خرابی خرابه دیدم در زمانی که به طرف درستی و باکی می بیند که نسبت آید که در دفتر پاری صدور پاری کشد با پیش می بیند.»

اما القاضی در عبارتی دیگر، متناقض با این سخنان، چنین می گوید: «مردم یارستان و فوج را همین جهان می ناندن زیرا معتقد به تعویض جسم و حلول روح هستند. این عقیده کسانی که دارای اعمال پسندیده خوب باشند که در یکی از لحاظ مادی و معنوی وضع بهتری را دارا شده و می کنند به خلدن نزدیک تر می شوند و انشأخصی که عمر او به تباهی تلف کرده، در فکر توشه آخرت نبوده اند، به آخرتی بدتری دچار شده و به چه بسستی از نزلت می نمایند.»

یکی از مباهات و شمیعی است در میان هل حق با اعتقاد به «تناسخ» است؛ بر مبنی این اعتقاد، تصرفی کرده و آن را از پایه های فکری و اعتقادی هل حق دانسته اند و برخی آن را رد کرده اند: «کبیشتر سیرای فرار از مشکلات و محذوراتی اعتقاد به تناسخ است که مخالف با مبنای فلسفی عقاید اسلامی و شمیعی است و در مقابل به نظر بنده با معنوی با توانمون عقاید هستند در تعریف دون گفته اند و از مایه ای ترکی است و به معنی جامه جسمانی و مطهر است و بنا به محتوای «خرد سر انجام» روحی را کوئند گفته که کالبدها و جامه های گوناگون تجلی کند.» نور علی الهی نیز دون را لغتی می و عربی می داند که مشربک بین چند معناست. لکن در فرهنگ هل حق اغلب به معنای «جامه» می آید.

در خرد سر انجام به عنوان یکی از مهم ترین مثنوی این فرقه، آمده است: «انسان هزار و یک دون با قالیب عوض می کند و با گردش در قالیبهای گوناگون، جزای اعمال و کردار گذشته خود می بیند. بدین سان



قالیبهای بعدی، مناسب با اعمال و کرداری خواهد بود که انجام داده است. پس از عوض کردن هزار قالیب، هزار و یکمین قالیب خود را که عبارت از بقا و ابدیت است می پوشد.» مشابه همین عبارات در کتاب «سرودهای دینی یارسان» نیز آمده است. «بنابرین می توان گفت هل حق علاوه بر اعتقاد به معاد بدون دون (دو دانوان) و تناسخ و تفسیر خاص معتقدند و دلیل معتقد می توانیم بگویم در اختلاف و اختلاف را قبول یا رد آن هستند. اگر ممکن است بیرون این فرقه کلمه تناسخ را مکتوم شوند، ولی قائل به دون بدون هستند که در نگاه فرقی تناسخ بدون به دون شدن با جامه عوض کردن، تقاضای نداد.»

پیوسته:

۱. خدایانه، عقاید، شاست فرقه هل حق تهران، انتشارات امیرکبیر (۱۳۸۲)، ص ۱۸.
۲. علی، دیوهکری، مدعی، هل حق ایران و مظاهر، تهران، انتشارات خواجه (۱۳۷۸)، ص ۵۴.
۳. نظیفی، سید محمد، هل حق، تهران، روزگار، تهران، انتشارات خواجه (۱۳۷۸)، ص ۱۲۴.
۴. نقل از کتاب روح حق، ص ۲۷.
۵. همان، ص ۱۷.
۶. القاضی، مجید، مجموعه آیین اندرز و مزاری، کرمانشاه، انتشارات شای (۱۳۶۶)، ص ۱۱۷.
۷. همان، ص ۱۱۷.
۸. همان، ص ۲۶.
۹. همان، ص ۲۶.
۱۰. همان، ص ۲۶.
۱۱. همان، ص ۲۶.
۱۲. همان، ص ۲۶.
۱۳. نظیفی، سید محمد، هل حق، تهران، روزگار، تهران، انتشارات خواجه (۱۳۷۸)، ص ۱۲۴.
۱۴. همان، ص ۱۲۴.
۱۵. همان، ص ۱۲۴.
۱۶. همان، ص ۱۲۴.
۱۷. همان، ص ۱۲۴.
۱۸. همان، ص ۱۲۴.
۱۹. همان، ص ۱۲۴.
۲۰. همان، ص ۱۲۴.

معاد در تعین

محمدباقر احمدی
(دانشجوی دکتری، بی‌پژوهی)



معاد را تباراً نزدیک و معنایاً دور یا بحث از نجات دارد و نوعاً در بررسی پیرامون نجات به بحث از معاد می‌رسیم. نجات‌شناسی در پهلودیت تفاوتی بسیار اساسی با باور دین دیگر ابراهیمی دارد. اساس مسئله نجات و ستگاری در دودین اسلام و مسیحیت با تعام تفاوت‌ها و تفاوت‌هایی که با هم دارند، مربوط به جهان پس از مرگ و به طور عام به بعد از مرگ نجات مربوط می‌شود؛ اما در دین یهود این مسئله دارای اهمیت بسیار زیادی است که ریشه این مهم به اختلافات اساسی در اصول اعتقادی قوم یهود بر می‌گردد. مسائلی همچون معاد، ربودیت‌گرایی و جهان پس از مرگ همواره مورد اختلاف قهرهای عمده یهودیان اولیه مانند فریسان و صدوقیان بوده است. این مسئله مهم در اسفار خمسۀ تورات مورد توجه قرار نگرفته است و در دوره انبیا است که از آن یاد شده است. همین قاطعه زمانی ایجاد شده در نگارش این دودست از کتاب، بر شدت این ابهام افزوده است.

معاد در متون مقدس

گفته شده که در تورات بحث زیادی درباره آخرت بیان نشده و فقط در چند مورد به آن اشاره گردیده است؛ از جمله در سفر تثبیه درباره جهان آخرت ایاتی آمده است که خلاصه آن در جهان پس‌ندگان خوش احسان می‌کند. در داستان یعقوب در مورد جهان پس از مرگ نیز اشاراتی ذکر شده است. می‌توان نتیجه گرفت که طبق تورات، آخرت‌شناسی اهمیت بالایی ندارد به همین سبب نظرات کمی در این باره در ذکر شده است.

سایر کتاب‌های مقدس عیسویت مباحث مختلفی از جهان آخرت و عذاب‌هایی که برای گناهکاران

در نظر گرفته شده سخن گفته‌اند. در مزامیر بعد از مناجات با خدا و اعتراف به گناهان، این طور آمده است: «ای پهلوی گرد و چاین را خلاصی ده. اگر مرادوست داری انجام بدهی، خبرم بریز در مرگ، یاد تو دیگر وجود ندارد. کیست که در شول حمد تو گوید؟» این مطلب نشان از این دارد که اگر خداوند از گناهان بنداش نگذرد، جای او در دوزخ خواهد بود.

برای تأکید مطلب این می‌توان به فصل دوازده از کتاب انبیا اشاره کرد که علاوه بر مجازات گناهکاران، آنان را به مجازات ابدی هشدار داده است: «سپس ای آنهایی که در خاک زمین خوابیده‌اند، بیدار شوید. اما ایان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی».

زمی یوسه در تفسیر فراز «... روح پهلای را که باین بسوی زمین نژول مینماید؟» می‌گوید: «این عبارت اشاره به روح شریان وید کاران می‌کند که باین به چشم فرو می‌شوند».

کهن‌در کتاب خود درباره جهنم می‌گوید مهم‌ترین عنصری که در جهنم برای گناهکاران در نظر گرفته شده است آتشی در حدود شصت

برابر آتش معمولی است که گناهکاران با آن مجازات می‌شوند. در جهنم تاریکی هم‌جا رافرا گرفته است و گناهکاران با انواع رنج‌ها و دردها و رومی‌شوند و تأثیر آن در عذاب خواهند کشید. برخی یهودیان همچون هیل و بیرون مکتب او قائل‌اند که جهنم تمام خواهد شد و دیگر گناهکاران مجازات نخواهند شد.

در کتاب‌های مکاشفای نیز خبر از قیامت و حساب‌رسی در آن آمده است که طبق آن شریان به محل محکومیت خود فرستاده خواهند شد و عادلان پاداش خود را خواهند گرفت. آیات مختلفی در حکمت سلیمان به این مطلب اشاره دارد.^۱

با بررسی کتاب‌هایی که آخرت‌شناسی در آنها از اهمیت بالایی برخوردار است، به دست می‌آید که این کتب یاد در دوران تمیید به نگارش درآمده‌اند و پس از آن.

کلاوترن که یک یهودی متعصب است معتقد است که معاد‌شناسی در پهلودیت تحت تأثیر دین زرتشتی است.^۲ شاید بتوان گفت که انکار آخرت توسط صدوقیان ریشه از همین مسئله باشد.

سیر تکون معاد در پهلودیت

دوره حکمتی تا مگابیان: در این دوره تحت تأثیر نفوذ افکار هلنی است و در پاسخ به این پرسش است که آیا صالحان و شریران پس از مرگ به سرنوست یکسانی دچار می‌شوند؟ این خلاف دوران پیش از این است.^۳ در این دوره دست به ساختن سبذ ایزان را به عنوان پاداشی برای سلا و نیکو کاران طرح می‌کند.^۴

دوره فلسفه یونانی پهلودیت: در این دوران، تحت تأثیر افکار عرفانی و فلسفی، ابعاد جدیدی به این

باور در میان یهودیان اضافه شده چنان که استیان معتقد به دوگانگی نفس و بدن بودند و علاوه بر این به هسی پییش از تولد نیز باورمند شدند.^۵ این دوگانه‌گرایی میان روح و جسم را بسیاری متأخر از دوگانه‌گرایی افلاطونی می‌نامند؛ چنان که روی سنگ قبر افلاطون نوشته شده بود: زمین اینجا در اغوش خود بدن افلاطون را پنهان می‌کند. اما روحش جایگاه جاودانش را با خوشبختی دارد.^۶

دوره صدوقیان: ایشان به زندگی به همراه خدای پس از مرگ باور نداشتند و به این اندیشه معترض بودند. این اعتراضات را می‌توان حتی در زیر سؤال بردن حضرت عیسی نیز مشاهده کرد: «یهود زنی را فرض کنی که بر اساس قانون لویات مجبور است با هفت برادر ازدواج کند. اگر قرار است رستاخیزی وجود داشته باشد این هفت برادر همسر کدام یک از آن هفت برادر خواهد بود؟» امروزه تقریباً قطعی نباشته می‌شود که باور صدوقیان این بوده که روح هر ما بدن هلاک می‌شود.^۷ بر اساس سنگ قبر‌های به جا مانده گروه کثیری از غیر صدوقیان نیز همین باور را داشته‌اند.^۸

دوره ریشیان: در این دوره به تدریج و تحت نفوذ افکار فرسی، باور و معاد رستاخیز امان توسعه یافت و در تفسیر و تفاسیر به وفور دیده شد. سخن‌ش این باور به حدی بود که این میمون که ملئون اصول یهودیت، بود درباره آن نوشته است: «هر کسی که به رستاخیز مردگان اعتقاد ندارد، طرف‌دار پهلودیت نیست».^۹

پی‌نوشت:

۱. هیه، ۴۸.
 ۲. هیه، ۴۷-۴۹.
 ۳. هیه، ۴۷.
 ۴. هیه، ۴۷-۴۸.
 ۵. هیه، ۴۷.
 ۶. هیه، ۴۷.
 ۷. هیه، ۴۷-۴۸.
 ۸. هیه، ۴۷-۴۸.
 ۹. هیه، ۴۷-۴۸.
- Joseph Kanner, "Jesus of Nazareth", London, A. C. Black, 1930.
۱۰. J. W. Bowker, J. W. A. The religious imagination of the 19th century, Oxford University Press, 1960.
۱۱. برای مثال در کتاب: سول، ۱۲۸-۱۲۹.
۱۲. یوسه، ۱۰۶.
۱۳. یوسه، ۱۰۶.
۱۴. یوسه، ۱۰۶.
۱۵. یوسه، ۱۰۶.
۱۶. یوسه، ۱۰۶.
۱۷. یوسه، ۱۰۶.
۱۸. یوسه، ۱۰۶.
۱۹. یوسه، ۱۰۶.
۲۰. یوسه، ۱۰۶.
۲۱. یوسه، ۱۰۶.
۲۲. یوسه، ۱۰۶.
۲۳. یوسه، ۱۰۶.
۲۴. یوسه، ۱۰۶.
۲۵. یوسه، ۱۰۶.
۲۶. یوسه، ۱۰۶.
۲۷. یوسه، ۱۰۶.
۲۸. یوسه، ۱۰۶.
۲۹. یوسه، ۱۰۶.
۳۰. یوسه، ۱۰۶.
۳۱. یوسه، ۱۰۶.
۳۲. یوسه، ۱۰۶.
۳۳. یوسه، ۱۰۶.
۳۴. یوسه، ۱۰۶.
۳۵. یوسه، ۱۰۶.
۳۶. یوسه، ۱۰۶.
۳۷. یوسه، ۱۰۶.
۳۸. یوسه، ۱۰۶.
۳۹. یوسه، ۱۰۶.
۴۰. یوسه، ۱۰۶.
۴۱. یوسه، ۱۰۶.
۴۲. یوسه، ۱۰۶.
۴۳. یوسه، ۱۰۶.
۴۴. یوسه، ۱۰۶.
۴۵. یوسه، ۱۰۶.
۴۶. یوسه، ۱۰۶.
۴۷. یوسه، ۱۰۶.
۴۸. یوسه، ۱۰۶.
۴۹. یوسه، ۱۰۶.
۵۰. یوسه، ۱۰۶.

مسیح‌چاریت واندیشه‌های حیات جاودان

محمّد گلپایگانی (دانشجوی دکتری، مطالعات تطبیقی ادیان)



جهان آخرت عنوان شده، غالباً تحت عنوان گوناگونی مانند رستاخیز، نهایی، کبیر و جزا، داوری، امرزش گناهان، ملکوت آسمان، حیات جاودان، جهنم و... آمده است.^۱

عالم اموات یا رزخ

در عهد جدید آمده است: انسان‌ها پس از مرگ به «عالم اموات» می‌روند. «عالم اموات عالمی است که انسان پس از مرگ و قبل از رستاخیز عظیم به حیات خود ادامه می‌دهد و صالحان

آخرت‌شناسی مسیحیان ریشه در «کتاب مقدس» انسان دارد، با وجود این در کتاب مقدس مسیحیان درباره مرگ و کیف حقایق پس از مرگ خصوصاً بهشت و جهنم کمتر سخن رفته است. از آیات کتاب مقدس برداشت می‌شود که جهانی پس از زندگی مادی وجود دارد؛ زیرا از آنجا که روح آدمی فناناپذیر است، مرگ پایان نهایی و کامل حیات انسان نیست و بنابراین زندگی پس از مرگ هم وجود دارد. مطالبی که در کتاب مقدس مسیحیان در باب



مهراب + کنگو

وقتی پیامبر الگو شود

گزارشی از مسجد فاطمه الزهرا

به کوشش: علی اصغر غلامی

این شمار از میان مساجدمتاز و بزرگ دیده، قرعه به نام مسجد فاطمه الزهرا افتاد. مسجد فاطمه الزهرا در میدان معلم شهر ری واقع شده است. مسجدی بسیار ساده و بی آرایش که نمایی آجری دارد و در قسمت پای کوچکی بالای پنجره ها گاشی کاری شده است. وارد حیاط که می شوید تعداد زیادی پسر بچه در حیاط مسجد مشغول بازی هستند. صبا بی از میان آن کودکان بلند می گوید: «حاج آقامحمدی سلام» اولین بار است که می بینم یک کودک ۷-۶ ساله با صدای بلند امام جماعتی را مورد خطاب قرار می دهد. و یا صدای بلند به او سلام می کند. انگار که دوست خود را مورد خطاب قرار می دهد. فکر نمی کرد حاج آقا عکس العملی نشان دهند، اما حاج آقامحمدی که به استقبال ما آمده، به سمت کودک بر می گردد، او را از زمین بلند می کند و می بوسد و دوباره به نزدیکی ما بر می گردد، اما به شیبستان مسجد اهدا می می کند.

حاج آقامحمدی، امام جماعت مسجد فاطمه الزهرا سال گذشته به عنوان امام جماعت نمونه مورد تقدیر قرار گرفته است. خودش را این طور معرفی می کند: «بنده علی محمدی هستم. متولد ۱۳۶۵ طایفه سال نهم حوزه در شهر ری به دنیا آمدم و بزرگ شدم. در نزدیکی همین مسجد به مدرسه رفتیم و الان حدود چهار است که در این مسجد امام جماعت هستیم». الگوی حاج آقامحمدی جوان، رسول الله است. هر سؤالی که از او می پرسیم به پیامبر استناد می کند و حدیثی از ایشان روایت می کند و بر ایمان توضیح می دهد که چگونه در حد توان خود رفتار سیره و پیامبر و اهل بیت ایشان را الگوی خود قرار داده و آن را در اداره مسجد به کار برده است.

مانند ائمه ساجدی که تا به حال از آنها گزارش داده ایم، این امام جماعت نیز زود بود و وضعیت خوبی نه داشته است؛ با چگونگی مشکلات زیاد مسجد را حل کردند و آن را به مسجد موقی تبدیل نموده است!

«وقتی اینجا امامیم مسجد وضع بدی داشت. داخل مسجد وضع بدی داشت. نمازگزاران و هیئت انصار رفته بودند. من قیلس امام جماعت ظهر میرودم. اولش تنها کاری که می کردم این بود که کاری نمی کردم. البته این رفتار من بی حساب و کتاب نبود. ابتدای رفتار و چگونگی کار در مسجد فکر کردم و دیدم در این وضعیت کار کردن فایده ندارد و در آن وضع هزینه کردن بوجه و بی معنی است و ضرری ندارد.

اولین کاری که کردم ارتباط گرفتن بود و محبت کردن. با مسجدی ها ارتباط چهره به چهره گرفتم؛ این را از رسول الله یاد گرفتم. پیامبر با مردم به صورت فرد فرد ارتباط می گرفت و بعد افراد را هدایت می کرد. من از در مسجد که وارد می شدم یکی یکی با افراد حرف می زدم؛ نه فقط در حد سلام و احوالپرسی، وارد صحبت می شدم. چون خودم طوطی بودم و صورت بزرگه جوان ها ارتباط گرفتم. الان بسج مسجد جوان هستند، حتی هیئت امامی مسجد جوان هستند.

در آن وضعیت چگونه بدبخته شدید؟
قبل از ورود به عنوان امام جماعت، امام جماعت



ظهور بودم. مردم من را می شناختند و من را پذیرفتند.

چطور این قدر موفقیت پیدا کردید؟

به پیروی از روش پیامبر ارتباط چهره به چهره و محبت کردن را قشتم. در ارتباط گرفتن با جوان ها سایر سنین و قشرها را فراموش نکردم؛ با خانواده ها، کودکان، نوجوانان، افراد مسن و کسبه و همه کسانی که در مسیر مسجد و داخل مسجد پر خوردم. در ارتباط با مجتبی امیر بر قرار می کنم. نکته مهمی که در این ارتباط ها مورد توجه قرار دارم این بود که افراد قدیمی و هیئت انصاری قبلی طرد نشوند. بلکه به سراغ آنها رفته و از آنها دعوت به همکاری کردم. حتی آنهایی که تعالی نشان نمی دادند.

روش کار شما در مسجد چیست؟

ما در این مسجد اتاق فکر داریم. هیچ کس به تنهایی کار نمی کند. حتی من که امام جماعت هستم به تنهایی فکر نمی کنم و اصلان تنهایی تصمیم نمی گیرم. هر کس هر فکر و طرحی دارد می آید و در جمع همه مسئولین مسجد مطرح می کند. این حدیث که مسجد خانه های خدا در روی زمین است» «انسان عیالی» یعنی مردم خانواده من هستند. سیر لوحه کار ماست. امام جماعت اینجا نوبت است و خودش باید زیاد حضور داشته باشد. تجمیلس باید خیلی بالا باشد. اگر امام

جزای طرح ها و برنامه ها چگونه است؟





جماعتی به خاطر خدا صحبت کند، مسجدی‌ها او را پرستند. نمونه‌اش آقای محمدی و حاج مجتبی تهرانی هستند.

سایح گروهی در مسجد از تارپان‌ها اقلع کردیم، با سیخ از تارپان خوب است؛ خود من به عنوان مربی حلقه‌های سالین ۷۶ سال است در خدمت تفرقه سیخ هستیم، با چاه‌ها هم مثل خودشان رفتار کردیم. الان به‌جای‌ها حیاط مسجد بازی می‌کنند، این به خاطر رفاقت من و مسئولین مسجد با آنهاست.

خروجی مسجد باید چه باشد؟

خروجی مسجد باید با مقتضای زمان باشد. صادق فرمودند (نقل به معنی) آدم با تقوا کسی است که یاد کند که اگر این طور نباشد، مسئولین مسجد باید بنشینند فکر کنند که چرا این طور نیست، ما دو نوع فعالیت می‌کنیم، اول روی خودمان، بعد اجرای برنامه‌های است که مردم می‌بینند. ما سابقاً نمی‌توانیم آن طور که کردند، هدایت اهل بیت... هدایت تربیت می‌کردند، هدایت کتبیه می‌توانیم افراد را بدین‌گونه علمای تربیت کنیم، پیش می‌آید که افراد می‌آیند و می‌گویند حاج آقا جلیلی! داشته باشیم، می‌گویم اشتباه است، جلسه اخلاق، و فقط بعد جلسات حاج آقا، جلسه تفرقه‌ای است. ما فقط اگر بتوانیم مردم را به جلیلی درس استدی می‌مثل ایشان هدایت کنیم، وظیفه خود را انجام داده‌ایم، من مردم را به جلسات اخلاق داده‌ایم، اخلاق می‌فرستیم، اگر بتوانیم مردم را در دست به جلسات هدایت کنیم کار برآوردیم.

در این مسجد در همه مناسبت‌ها بدون استثنا برنامه‌ها داریم، از سخنران مطرح مثل حاج آقا ماندگاری و ایمان و مباحث مطرح مانند طاهر و دعوت می‌کنیم.

من می‌گویم هر کس با امام حسین علیه السلام آشتی کند با خدا آشتی می‌کند. پس در برنامه‌هایمان بر هدایت و مراسم امام حسین علیه السلام تأکید داریم، البته اشک محزون نیستیم. در اعیاد سالروز ولادت و جشن‌های مذهبی هم برنامه‌های خوب و جشن و شادی باشکوهی بر گزار می‌کنیم؛ خصوصاً در میلاد حضرت فاطمه زهرا و نیمه شعبان.

ما با مرکز مهدویت قم ارتباط داریم، بسته‌های اهدایی نیم شعبان یک ماه قبل از نیم شعبان

می‌شود و قرآن خوانی داریم، یک شب اخلاق و یک شب در حدود پنج دقیقه مسائل خانواده داریم. در اتاق فکر برنامه نیمه شعبان به این نتیجه رسیدیم که کتاب رایگان که هدیه بدین می‌شود خواننده می‌شود. اسامال کتاب‌ها را ۵۰۰ تومان فروختیم. باستان‌های که به مسجد بازگشت به تعداد باستان‌های پارسال بود. بسته‌های اهدایی ما بر برنامه‌ها برای تمام اعضای خانواده‌ها تا یک دیدیم می‌شود و باستان‌ها هم جایی پاره‌ها و مادر فرزندان است. روی تمام محصولات فرهنگی ساعت‌ها فکر می‌شود. چهارده سال است جشن نیمه شعبان داریم. همیشه در برنامه‌های ما این است که جاذبه جدیدی داشته باشیم. یک سال گروه آوا که سرود ناشنوايان است، برنامه اجرا کرد مردم با برنامه‌شان می‌آیند، یک سال نورآفتابی داشتیم، عده زیادی در هر برنامه با علاقه و اشتیاق در برنامه‌ها شرکت می‌کنند. سال گذشته پنج شب برای عید غدیر برنامه داشتیم که بسیار خوب و مفید بود. اما تیرها خسته شده بودند، هر نه‌هفته‌شان زیاد بود؛ اسامال قرآن است که مردم در مراسم کامل است. در ماه رمضان بازم‌های سیخ ظهر و شب اقامه می‌شود و بعد از آن چند دقیقه مناجات خوانی داریم. ایام فاطمه برنامه مفصل داریم و دسته عزاداری بیرون می‌رود. آن تمام برنامه‌هایمان گزارش تصویری مفصلی داریم و در سایت مسجد با آن به‌روز می‌شود.

مسجد برنامه‌های مستمر و هیئت‌ها هم دارد. هر شب در مسجد برنامه هست که هر هفته در همان روز دنبال می‌شود. یک شب احکام گفته

چه ویژگی‌های باعث موفقیت یک امام جماعت می‌شود؟

شهید مطهری می‌گوید: «چوانی به سن نیست، قلب باید معنوی باشد». اولاً، فردی کار محبوب نیست، نباید امام جماعت خود چطور محبوب باشد؛ ای قلب با شوقی گاهی تا نگر، گاهی با استانهای با گریه و... حالا همه آنها نماز می‌خوانند و روزگاری‌های مسجد اعتراض می‌کنند که چرا به‌جای در صفت‌های اول نماز می‌آیستند؛ کودکان در سیخ ذیل حلقه صاحبان فکر ای اجرام می‌دهند. مربی روحانی به روش کودکان به آنها اصول دین آموزش می‌دهد. عهده مشکل جوانان مشکلات اجتماعی و مسائل جنسی است. استاد و دانشجویان جنسی را دعوت کردیم و خودمان با صراحت تمام سوالات را جواب دادیم. مورد سیخ می‌دهیم. کارهای و فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی، تربیتی من در حلقه‌های صاحبان سیخ متمرکز شده است. حلقه‌های صاحبان در بخش خواهران هم فعال است. کلاس‌های ویژه خواهران با استقبال خوبی روبه‌رو شده است. کلاس‌ها مورد نیاز خانم‌ها مثل: عمل قرآن، خانداری، اسبزی، مراقبت از فرزندان، خطاطی و...

رسول الله فرمودند: «ان تارک فیکم تغلبن کتاب الله و عزتتی». مسجد باید در دو این‌ها را به مردم آموزش بدهد. پس ما علاوه بر آموزش قرآن



سیخ مسجد چطور است؟

کلاس‌های مهدویت را به صورت ثابت در بخش کودکان و نوجوانان و بزرگسالان داریم. در بخش کودکان، در سیخ ذیل حلقه صاحبان کار فکری انجام می‌شود و مری روحانی برای کودکان اصول در باسازبان کتابه روش‌های مختلف آموزش می‌دهد. حلقه جوانان عهده مشکل جوانان باعث مشکلات اجتماعی و مسائل جنسی است. استاد و دانشجویان جنسی را دعوت کردیم و خودمان را به تمام جوانان در این مورد صریح پاسخ می‌دهیم. حلقه بزرگسالان بیشتر به صورت جلسه‌های، هر هفته نشین‌ها با موضوع ثابت در چهار موضوع از جمله موضوع مهدویت دایر می‌شود.

ویژگی مسجد فاطمه زهرا چیست؟

مسجد ما در نظر اول ویژگی خاصی ندارد؛ وسعت زیاد ندارد، معماری خوب و فقهی خود ندارد. باغ در کنار مسجد را می‌بینند و مدغنه با کار همان طوطی را دیدند؛ «مدغنه نیمه شب با خواب‌بیداری و به کار فرهنگی فکر می‌کند».

زمان زیادی تا آن‌ها مغرب باقی نمانده است. چند نوجوان در حصار نور زامه به بردهای سیاسی مسجد هستند. چند نفر دیگر مسجد را برای حضور نمازگزاران و اقامه نماز آماده می‌کنند. کلاس مسجد فاطمه زهرا برای امکانات اقتصادی و مالی بیشتری برای اجرای این همه روح دفعه‌ها منعقد و جوان و فعال دانست.

دنیای زنان

سید مرتضی موسوی

در دنیایی که قرآن مجید نازل شده، جنس زن از تمام پرده‌های عالی انسانی و حقوقی محروم بود اما به پیامبر قرآن خدا در همان شرایط، دستورانی درباره زنان داده شد که بافضای حاکم بر آن زمان فرق داشت. لازم است به‌اوضاع زندگی زن در چند کشور متضمن و مهم جهان در آن زمان اشاره شود.

یونان: در این کشور، اگر دختری را که شوهر می‌دادند او در طول ده سال اول فرزندی که به دنیا می‌آورد آن اول‌زاده دختر نبود، در دادگاه آن محکوم به پرداخت جریمه می‌شد. اگر در سال دوم دختر به دنیا می‌آورد، سه‌دوم برابر جریمه محکوم می‌شد و چهارچه در سال سوم نیز صاحب‌دختر می‌شد، بارها گذشته شد.

چیز وقتی در خانواده‌های دختری متولد می‌شد، در زمانی که این نوزاد دختر در دست‌قالبه بود، کفش آهنی به پایش می‌گذاشتند و بندش را می‌بستند. این دختر تا بزرگ شدن حق نداشت این کفش را بیرون بیاورد؛ برای اینکه پای این دختر زخم‌نکندگی ناپدید و پاها صاف‌بند و برای پرسش کالغ و کیوتور، در کلبه‌ای در مزرعه بنشیند.

هندوستان: در قبیله‌های هندوستان هر سه سال یکبار، برای بی‌تی که در آن بی‌تخته مقدس در دختری هجده‌ساله که او را در آنجا قربانی می‌کردند تا قبله به بت‌تقریب پیدا کند.

ایتالیا: اگر پدری احتیاج به پول پیدا می‌کرد، دخترش را در معرض فروش می‌گذاشت و کمبود خرجش را رفع می‌نمود.

در عربستان: وقتی دختر از مادر متولد می‌شد، فوراً او را زنده‌زنده می‌گذاشتند.

در چین شرایطی اسلام به تنها نیست به زنان این اعمال را حرام و ناشایست دانست؛ بلکه این اعمال مردان برای حضور در عبادت‌های اجتماعی نوصیه کرد و برای آنان نیز در مساجد جایگوشی و میزها ساخت. بنابر این هر کس که بی‌احترامی در مساجد زنان در مساجد مخالفت کند در جاهلیت اولی به سر می‌برد.

یادداشت:

۱. دانشوران: حسین امین‌الاولی و امیر، ص ۲۲۶.
۲. ترجمه سید امیران، ص ۴۰.

مسجد - فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌بانی

چایگاه مسجد در ایجاد فرهنگ اقتصاد مقاومتی
لیلا کریمی شیشه‌بازاری

کار کرد مسجد به عنوان نهاد دین که از ابتنا و مستقر و مستقیم با بدنه اجتماع دارد، نباید و نمی‌تواند تنها در بشوین عبادی فردی خلاصه شود. همان‌گونه که نمی‌توان کارکردهای مسجد را در مقوله شریعت به معنای حداقلی‌اش منحصر دانست و برای دیگر مقوله‌های انسانی محوری مانند: اقتصاد، فرهنگ، سیاست و... را از مسجد کوتاه کرد. مسجد در نگاه مرفقی راهبر جهان جمهوری اسلام، راه‌یاز گشت‌به کار کرده‌های همه‌جانبه خود در صدد اسلام‌را پیش گرفته است.

در یک جامعه دینی یکی از اصلی‌ترین کارکردهای مسجد، ورود در مقوله فرهنگ است که حداقل با دو کار ویژه اصلی باید در آن استوار کند: فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌بانی. بازتولید مفاهیم اصلی فرهنگی بر مبنای اسلام ناب و تطبیق بر شرایط زمانی و مکانی و پاسداری از اصالت‌های فرهنگی و فرهنگ‌های اصیل ایرانی اسلام‌ساز و تالیف مسجد است.

طرح موضوع «اقتصاد مقاومتی» توسط رهبر انقلاب اسلامی که بر مبنای اصول بنیادین دینی صورت گرفت، ضامن بیرون‌رفت از مشکلات معیشتی بلند مدت جامعه اسلامی است. بی‌شک شکل‌گیری چنین مقوله مهمی بدون پیشروان‌های فرهنگی مستحکم و عمیق، ممکن نخواهد بود. از این رو لازم است همه نهادهای فرهنگ‌ساز و فرهنگ‌باز در رأس آنها مساجد در نقش قربانی مختص خود غافل

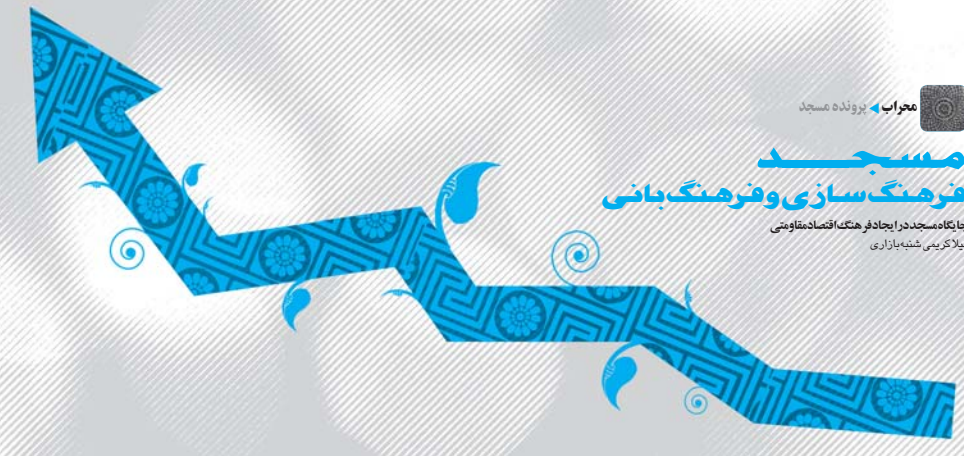
نشوند

تبیین مفاهیم بنیادین دینی در حوزه اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی

یکی از کارهای مهم مسجد، تبیین مفاهیم اقتصاد اسلامی است. مفاهیمی که در راستای حرکت عمومی به سمت اقتصاد مقاومتی، همواره مورد سؤال جامعه است. واگوی معنای محوری مانند: اقتصاد، فرهنگ، سیاست و... را از مسجد کوتاه کرد. مسجد در نگاه مرفقی راهبر جهان جمهوری اسلام، راه‌یاز گشت‌به کار کرده‌های همه‌جانبه خود در صدد اسلام‌را پیش گرفته است.

همه و همه در همین جهت قرار دارد. مسئله دیگر تبیین مفاهیم مرتبط با مقوله اقتصاد مقاومتی است که از جمله می‌توان به مفاهیمی مانند «هجمه اقتصادی»، «تجریه و محاصره اقتصادی»، «اقتصاد درون»، «خودکفایی اقتصادی»، «مقاومت اقتصادی»، «خمس‌خانه اقتصادی» و... اشاره کرد.

اقتصاد مقاومتی به معنای یک مصلحت عمومی، ضرورت اجتماعی و تکلیف دینی گرچه بر برخی از اقتصاد مقاومتی با پنداری یا تألفی یسار می‌کند، اما با مراجعه به مستحبات مقام معظم رهبری معلوم می‌شود تمام کارکردهای مقوله اقتصاد مقاومتی را نباید بدون پیشروان‌های فرهنگی مستحکم و عمیق، ممکن نخواهد بود. از این رو لازم است همه نهادهای فرهنگ‌ساز و فرهنگ‌باز در رأس آنها مساجد در نقش قربانی مختص خود غافل



نیروی انسانی کارآمد، استفاده از مسجد به عنوان یک نهاد تربیتی و فرهنگی پویا و... اشاره کرد. با وجود این به نظر می‌رسد حال نوبت به ورود مسجد در مقوله «اقتصاد مقاومتی» رسیده است تا ظرفیت تشکیلات تشکیک‌های مساجد، در غیرالهامی اقتصادی مانند: آنکه ظرفیت‌های این نهاد دینی و اجتماعی پرآرزش برای مردم، مسئولین، همه‌جاعات و... ناشناخته باشد که در این صورت، جامعه از خیر کنیری بی‌بهره جامعه اسلام در شرایط مقاومتی یک مصلحت عمومی و ضرورت اجتماعی است. ورود در این مقوله باید به نوعی تکلیف شرعی دانست که تجلی‌های اصلی آن نهادهای دینی در رأس آن مساجد ایجاد شود.

مسجد و ضرورت تقابل با مملکت‌های بدلی اقتصادی

یکی از مهم‌ترین اقدامات فرهنگ‌ساز در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی مرفقی مدل‌های ناسالم و نامرغوب اقتصادی است. به گونه‌ای که وقتی قرار است بنیان‌های اقتصادی بر اساس اصول اسلامی با گاری‌های نو، نیمی شوند و نیمی از مدل اقتصادی معارض با نیت‌های بدلی پیروی شود، یکی از وظایف مسجد در این عرصه نقد مستند و منطقی از مدل‌های اقتصادی است.

در راستای مرفقی مضرات و مفاسد «اقتصاد دولتی» و «اقتصاد لایبرال» است. مرحله بعدی نقد تطبیق ایده‌های اقتصادی فعلی با اندیشه‌های اقتصادی اسلامی است و بعد از آن نوبت به تبیین نظریه اقتصاد اسلام با در نظر گرفتن مختصات محیطی است. باز هم مسجد باید در این امر نقش قدم باشد و نقش حلقه واسطه بین جامعه علمی (حوزوی و دانشگاهی) و بدنه اجتماع (مردم عوام) را بر عهده بگیرد.

کارکردهای اقتصادی و فرهنگی مثبت مساجد در دوران معاصر

با مراجعه به حافظه تاریخی مردم، نمونه‌های مثبت فراوانی از عملکرد تشکیک‌دینی مساجد قابل شمرش است؛ که از جمله آن می‌توان به عملکرد متنوعی در تعاونی و قرض الحسنه مساجد در جهت رفع نیازمندی قشر مستضعف و تجلی‌نیات خیرخواهانه متمولان دین‌مدار، مقدماتی کمک‌های مرفقی در زمان دفاع جدی و بحران‌های مرزمنی مانند سیل و زلزله و... جای گرفتن پایگاه‌های سیخ و کانون‌های فرهنگی در بستر مساجد و توجه به مسئله تربیت

مهمانان محبوب

سید مرتضی موسوی

فضای معنوی مسجد باعث بالندگی روحی کودکان می‌شود که این امر از مسلمات است اما همان‌طور که بزرگ‌ترها در قبال کودکان وظیفه‌ای دارند باید در راستای همین بالندگی معنوی به وظایف کودکان نیز در مسجد اشاره کنیم. حضور کودکان در مسجد دو اثر مهم دارد؛ یکی اینکه بزرگان حساب می‌کنند و باعث بزرگی و بزرگ‌منشی آنان می‌شود. کودکان وقتی خود را مورد خطاب امام جماعت با یکی از ائمه مسجد ببینند شخصیت‌شان رشد می‌کند. دیگر اینکه فضای مسجد نیز تقدس پیدا کرده؛ از شوخی احتمالی که کودکان به وجود می‌آورند در امان خواهد بود. از مهم‌ترین کارهایی که باید به کودکان تذکر داده شود این قرار است:

۱- بدانند که مهمان محبوب خدا هستند و خود را مهمانان بزرگای می‌کنند.
۲- خود را به امام جماعت معرفی کنند و یاد را او کتوبی بکنند تا آگاهی‌آری در مسجد قرار است انجام گیرد؛ توسط امام انجام شود.
۳- بهتر است با پدر و مادر خود، به مسجد بروند و آنها نیز بر کنند. پدر و مادر که برای او به مسجد آمده‌اند احترام بگذارند.

۴- دوستان خود را از مسجد انتخاب کنند؛ چرا که بهترین دوستند (احسان‌خواران الهی).

۵- کسی که از خودش ترسیده است در مسجد معاشرت کند و او را باعث ترقی خود بداند.
۶- با خادم مساجد همکاری کند و خود را همیار مسجد بداند.

۷- مسجد را خانه خود بداند و در بهبود وضعیت و تمیزی آن تلاش کند.

۸- در صورت خستگی و کسالت، زیاد در مسجد نماز کند و برای تأثیر بیشتری از فضای ملوکونی آن رفت و آمد داشته باشد.
۹- به نمازگزاران در حقوق جلوگیری دست احترام بگذارد.

۱۰- حرف بزرگ‌ترها (در باره پایگاه ایستادن گوش کنند؛ چرا که برخی از احکام را آنان می‌دانند).

۱۱- برای تصمیم‌گیری در کارها با امام جماعت مشورت کند.

یادداشت:

۱. صحیح معرمانی، رسائل‌التبیه، ص ۱۱۷.



مشارکت اقتصادی

نحوه مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی مسجد
سپهر ششمی

دین اسلام برای اقتصاد اهمیت ویژه‌ای قائل است؛ تا جایی که زکات را در ردیف نماز قرار می‌دهد و آن را دومین ستون دین معرفی می‌کند. این نوشتار بر آن است تا فرصت‌های همگامی اقتصاد و مسجد را به عنوان یک نهاد دینی بررسی کند. مسجد علاوه بر ترویج مادی و اقتصادی نیز دارد. در زمینه اقتصاد از دیرباز به صورت مستقیم و غیر مستقیم در زندگی مردم دخیل بوده است؛ غیر مستقیم مثل موعظه و نصیحت و بیان احکام خرید و فروش و بیان احکام خمس و زکات و وقف... تا تأکید بر رعایت عدل و انصاف در انجام معاملات و رفع خوارچینی و نیاز مسلمانان. در گذشته مشرفین مسجد در اقتصاد داشته است و محل تبحر و بازار گانان و انجام معاملات بود. اگر مسجدی یا مسجد بازار چپای در کنار آن ساخته می‌شود اجاره‌های نمازگاه محل تأمین مخارج مسجد بود. کار کرد اقتصادی مسجد امروزه کم رنگ‌تر شده است؛ می‌توان مشارکت مردم آن را تقویت کرد. البته قبل از جذب مشارکت مردم باید دفتر امور خیریه در مسجد تشکیل شود و امور اقتصادی مسجد به صورت نظام‌مند مدیریت شود.

۱. ساخت مخازن از کار مسجد فضایی دارد که بدون استفاده نماند است. می‌توان از آن نمازهای ساخت و برای مخارج مسجد استفاده کرد. می‌توان فضایی ساخت برای فروش و برای نمایشگاه‌های محصولات فرهنگی و پارچه‌های بازارچه‌های قلمری و محلی یا اجاره دادن به کارگاه تولیدی.

۲. مشارکت در پاری رساندن به نیاز منان؛ مسجد باید محل مراجعه نیاز منان افراد خیر و توانمند آنان را شناسایی کند و برای رفع نیاز آنان اقدام صندوق قرض الحسنه تشکیل داد و از محل صندوق وام به بهره‌رسان نیاز منان پرداخته برای خانواده‌های نیازمند چیزی به تهیه و بسند غذایی تهیه کرد. امام باقر ع می‌فرماید: اجناس دکان یک‌دست من خوشبختی از آن است که یاد برده‌ای حتی بدیدار خیر برده‌ار آزاد

سازمندی اگر سرپرستی خانواده‌ای مسلمان را بر عهده بگیرد و کسرگسنگی آنان را برطرف کند و برهنگی آنان را پوشانند و مانع کسالی آنان شود می‌توان کار برای من از اینکه یک یا دو حج یا حتی هفتاد حج بگذرد خوشبخت است.

۳. کمک به ایجاد اشتغال زنان؛ می‌شود با کمک‌های مردمی فرصتی برای بخشش و مهربانی فراهم کرد و مسجد را محل آموزش‌های مشاوره‌ای خانگی نمود و آنان را با مهارت‌های کار آفرینی آشنا کرد و به زنان سرپرست و کم‌وضعیت برای استقلال مالی کمک کرد. امروزه هشتصد ساجدی کمک‌های کانون‌های فرهنگی - هنری - مسجد، محل آموزش طرح‌های کار آفرینی مساجد دستی و مواد غذایی خانگی تولید می‌شود. ۴. تأمین مخارج و نیازهای مسجد با کمک خود مردم؛ خاندان‌های مال در آیه ۳۶ سوره منافقون در سوره انفق مال می‌فرماید: «و آنچه زوری شما کردید پیش از آنکه مرگ به سراغ شما بیاید اتفاق کنید». مردم باید از مخارج مسجد آگاه شوند تا در امور اقتصادی مسجد مشارکت داشته باشند. مثلاً اگر لازم است برای مسجد فرش یا کوری تهیه شود خوب است که نمازگزاران مسجد خود برای خرید آن اقدام اقدام کنند و مسجد را همانند خانه خود بدانند و یا هزینه پذیرایی اعیان و مراسم مذهبی در طول سال از خود مردم جمع‌بری شود. راه‌های تأمین مخارج مسجد و مشارکت دین مردم در فعالیت‌های اقتصادی مربوط به مسجد زیاد است. علاوه بر مطمئن شدن از سودا بودن طرح باید در گام اول از احکام شرعی آن‌ها مطلع شد. مثلاً اگر پولی برای مخارج مسجد جمع‌آوری شده باید وقت کرد برای زیارت و یا تهیه چیزی به صرف نمود. در اسلام هر چند بر افراد اخلاص و دوری از آیا تأکید فراوان شده است، اما در زمینه امور خیریه نیز شایسته است هر ساله مردمی در مسجد برای تجلیل از خیران نمونه و لایسوس بر گزار شود. این امر می‌تواند در پیشبرد و نهادهای ساختن فرهنگ فعالیت‌های داوطلبانه و خیریه مؤثر باشد.



مسجد سنگ بنای اقتصاد اسلامی

فاطمه سادات میررحیمی

اگرچه هدف اصلی بنای مسجد، ایجاد مکانی خاص برای عبادت است، اما بنیادهای دیگر مسجد غافل گردید. با نگاهی گستره به تاریخ صدر اسلام و پیش از آن، درمی‌یابیم که مسجد از آغاز پیدایش تا کنون، متوسل و تحولات و خدمات مختلفی بوده است و هر قدر مسجد فعالیت‌ها و کار کرد هاتونو بیشتری داشته، جایگاه آن هم بیشتر شده است. در این مقاله سعی خواهیم کرد مسئله اقتصاد در مسجد را با دو رویکرد بررسی کنیم؛ ابتدا کارکرد اقتصادی مسجد برای نمازگزاران و سپس مسجد به عنوان آموزشگاهی برای مسائل اقتصادی.

کارکرد اقتصادی مسجد برای نمازگزاران

مطالعه تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که مسجد پایگاه مهمی در فعالیت‌های اقتصادی مسلمانان بوده است؛ مثلاً وجود خزانه و بیت المال که ثروت عمومی از قبیل زکات، مالیات اسلامی، غنایم جنگی و... آنجا نگهداری، مدیریت و هزینه می‌شد. بنابراین یکی از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی مسجد، خدمات اقتصادی به مسلمانان بوده است. مسجد به عنوان محل تجمع مسلمانان، می‌توانست خدمات مختلفی (با به امر اراده دهد که تأثیرات فراوانی را در بهبود وضعیت افراد داشته است. در ادامه به برخی از این خدمات اشاره خواهیم داشت.

نگاه اسلام بر پایه مدیریت مشارکتی تا آنجا که حضور مردم برای رشد و توسعه بهر دوری در مجموعه‌های اقتصادی بوده است. این مشارکت مردمی، سبب مناسبی در عبور از تنگناها و ایجاد راه‌های مناسب برای غلبه بر آنها بوده است. با واگذاری امور به مساجد و فراهم شدن مشارکت مردمی در مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... از تصدیق دولت در این امر گواهی خواهد شد و بالطبع مردم هم داوطلبانه به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مشتاق و علاقه‌مند می‌گردند. مساجد می‌توانند به سبب مردم جهت اقدام جمعی برای انجام امور مطلوب اجتماعی کمک کنند در این راستا، مساجد قادرند با انگیزه دادن به مردم، به رشد و توجه خودیاری و انجام امور داوطلبانه در سطح محلی کمک به‌سزای نمایند.

مدیریت بر اقتصاد کلان جامعه

اسلام با در نظر گرفتن مسائل کلان اقتصادی، نگاه ویژه‌ای به بازار به عنوان قلب تپنده اقتصاد جامعه داشته است. مجموعه قوانین اسلامی در خرید و فروش و... که با محوریت تربیت و انسانیت و اخلاق شکل گرفته، نمونه‌ای از توجه اسلام به مسئله اقتصاد کلان در جامعه



بوده است. بر این اساس، مسجد به عنوان یک آموزشگاه فقهی و دینی می‌تواند هم بر تربیت صحیح دینی افراد در معاملات نظارت داشته باشد و هم می‌تواند ضامن سلامت معاملات و وجه شرعی باشد تا بنده اعمال اقتصاد جامعه دچار گرفتاری‌های شرعی از جمله معاملات نادرست، حرام، شبهه‌ناک و... نشود.

در گذشته مسجد بازار، محل رفت و آمد بسیاری از بزرگان علم و پارایان بود که در قوام اقتصاد اسلامی محکم بر بازار بسیار مؤثر بود. البته شاید امروزه به سبب برکنندگی بسیار مراکز خرید کارکن سابق را نداشته باشند.

تأثیر مسجد در اقتصاد خود

غالب بازار گانان و تجار صدر اسلام مسجد را به عنوان اولین محل حضور خود در شهر برای انتخاب می‌کردند و این به سبب محوریت مسجد در میان مسلمانان بوده است. حضور بازار گانان، به معنای ورود یک کاروان اقتصادی به شهر بود. به محض اتمام نماز، مباحث مربوط به معاملات میان مردم آغاز می‌شد. بنابراین مسجد به عنوان یک پایگاه مردمی، نقشی غیر مستقیم، اما بسیار مؤثر در شکل‌گیری معاملات در صدر اسلام داشته است. هر چند امروزه فعالیت‌های معاملات در مکان‌های خارج از مساجد اتفاق می‌افتد اما اهتمام به این مسئله که مسجد می‌تواند نقش مؤثری در معاملات داشته باشد، مسجدیان را بدین سبب سوق می‌دهد که حداقل در فرآیند مسائل مربوط به معاملات از نهاد مسجد استفاده کنند.

همان‌طور که کنیم نقش اساسی مساجد در حوزه اقتصاد، با تأکیدهای بر رعایت انصاف و عدالت در انجام معاملات و فعالیت‌های اقتصادی و سرافروختن نیاز مسلمانان یا جلب طرف‌ضایت خاندان‌هاست. که جنبش نشینی خود زمینه‌هایی جهت ایجاد و قامت تألیف و تألیف در روند معاملات و فعالیت‌های اقتصادی را به همراه داشت.

منابع:

۱. امیری نهبانی، زاده، محمدرضا؛ پیش‌اندازی بر مفهوم اقتصاد اسلامی؛ کیهان فرهنگی، شماره ۱۳ (خرداد ۱۳۷۲)، ص: ۱۶-۱۷.
۲. امساری، محمدرضا؛ دیوانا، سجاد، کرمی، محمدجواد؛ مجموعه‌های اقتصادی و فرهنگی مسجد؛ نشر آستان قدس، سمت (۱۳۷۸)، ص: ۱۱۹-۱۲۰.
۳. بخاری، ابو یوسف؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص: ۱۳۴، ص: ۱۰۸، ص: ۱۰۹.
۴. جزائلی، محمدحسن؛ رسال الشیعه، اول مؤسسه آل البیت الحیاة التراثیة، قم، ۱۳۷۲، ص: ۳۰۲، ص: ۳۰۳.
۵. ذهبی، شریک؛ سید عبدالحسین، کانان، کرمی نهران، صبا (۱۳۷۳)، ص: ۲۳۸.
۶. صدر، قاسم؛ اقتصاد در مکتب؛ مقدمه و پارادوکس بحال ملی علی حججی، تهران (۱۳۹۱).

پناهگاه آخر الزمانی

سید مرتضی موسوی

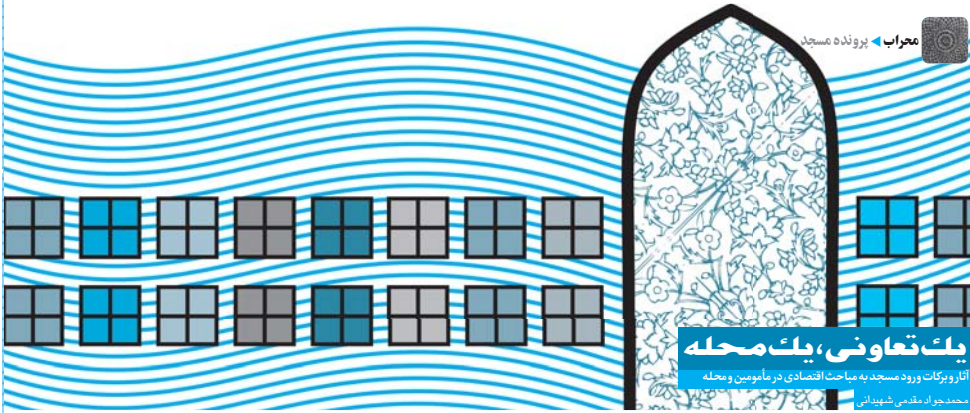
کسی که در معرض خطر قرار می گیرد باید برای دفع خطر وسایلی را بپوشاند. برای این کار لازم است از قبل تلاش کند تا در موقع لزوم از آن وسایل استفاده کند. همین مسئله در مورد خطرات انحرافی و مشکلات و حوادث روحی و روانی وجود دارد. در زمان جنگ و بیماری، خانه‌هایی که در کنار پناهگاهها باشند از آراش بیشتری برخوردارند؛ چرا که در هنگام خطر، راحت می‌توانند از امنیت پناهگاه بهره‌مند.

زمانه ما زمان آشوب انحرافات روحی و روانی است که دین و اعتقادات ما تارناشه گرفته است و همدگر تخریب بنیان دینداری در خانواده‌ها را دارد. مطابق ترین زمان در تاریخ با آنچه در روایات ما به (آخر الزمان) تعبیر می‌شود، زمان است که نسبت به آنچه در بلاهایی که در این گونه روایات آمده، گنونا اتفاق افتاده و در آن است اتفاق افتادن است. یکی از اوقات آخر الزمان این است که دیدن قدر در آن مانند نگاه داشتن آتش در کف دست است و مردم از هزیدت دورند و به خرافه بیشتر از اصل دین می‌پردازند. در چنین شرایطی عدای از مردم بنا به فرمایش رسول خازان این افشاها و بلاها به دورند و زمان می‌ماند آنها همان اهل مسجد هستند؛ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَهْلُ الْمَسْجِدِ يَنْتَظِرُونَ لِقَاءَ غُيُوثٍ لَمْ يَلْقُوا جِدًّا». پس در این زمان نیز خانه‌های مسجد کمتر دارای آراش بیشتری نسبت به خانه‌های مورد نازند.

بنابر این لازم است همسایگان مسجد در این زمان که به موسوم به آخر الزمان است، قدر این مامن و پناهگاه آخر الزمانی خود را بدانند و برای تجهیز آن تلاش کنند؛ چرا که بلاها از هر سو می‌تواند و زندگی آخرت ما آنها را تهدید می‌کند.

پی‌نوشت:

۱- شرح برای اولین بار، ج ۱، ص ۱۲۳.
۲- مستدرک الوسائل و مستطاب المسائل، ج ۱، ص ۲۶۵.



یک تعاونی، یک محله

آثار و نوکات ورود مسجد به مباحث اقتصادی در مأمومین محله

مسجد آواز مغانی شهیدان

حرکت نظام اسلامی در مسیر احیای تمدن بزرگ اسلامی، لازم می‌آورد که توجه بایسته‌ای رهبری یکی دیگر از جواهرهای ورود مسجد در اقتصاد در مسطح خرد و کلان صورت پذیرد. کارون چنین توجهی - که در پی نیل جامعه به آرمان‌های اسلامی است می‌تواند نهاد دین باشد. قرار گرفتن مسجد در مسیر احیای تمدن اسلامی لازم می‌آورد دیگر لوازم چنین آرمان بلندی نیز در مسجد پیگیری گردد. اقتصاد مقاومتی یکی از این ملزومات است که با ورود مسجد در چنین موضوعی، بر کات بی‌شماری نصبی جامعه مسجدی‌ها، عموم مردم محله و شهر می‌کند در نهایت بر ایند برکت چنین خبر کبیری، که کل جامعه نمودار می‌گردد بر برخی از برکتی که ورود مسجد در مقوله اقتصادداری مردم محله به همساره دارد، در موارد زیر قابل احصاء است.

یکی از بومی ایده‌آل‌های اقتصادی اسلام در مسجد؛ با مراجعه به تاریخ ادیان آسمانی معلوم می‌شود، تمدن آرمان‌های مقدس در حوزه معیشت و اقتصاد، همواره یکی از دغدغه‌های انسان بوده است. چه اینکه مبارزات دینی ایشان نیز تنها متعصر به نمرودها و شاهانای نبوده و در موارد متعددی قارون‌ها و تکر قارونی، هدف چون مبارزه با او بوده است.

محمد مجوری، عدالت‌محوری، برکت‌محوری، قناعت‌محوری، تولد‌محوری، خدمت‌محوری و مهم‌ترین آرمان‌های اقتصادی اسلام است که در مسجد قابل پیگیری است و تحقق آن تضمین کننده حیات طیبه برای جامعه متدینین خواهد بود.

نقش مسجد در مقاوم‌سازی اقتصاد از درون:

مسجد و گفتمان‌سازی برپومر اقتصاد مقاومتی؛ گفتمان‌سازی و پیگیری مطالبات رهبری یکی دیگر از جواهرهای ورود مسجد در اقتصاد در مسطح خرد و کلان صورت پذیرد. کارون چنین توجهی - که در پی نیل جامعه به آرمان‌های اسلامی است می‌تواند نهاد دین باشد. قرار گرفتن مسجد در مسیر احیای تمدن اسلامی لازم می‌آورد دیگر لوازم چنین آرمان بلندی نیز در مسجد پیگیری گردد. اقتصاد مقاومتی یکی از این ملزومات است که با ورود مسجد در چنین موضوعی، بر کات بی‌شماری نصبی جامعه مسجدی‌ها، عموم مردم محله و شهر می‌کند در نهایت بر ایند برکت چنین خبر کبیری، که کل جامعه نمودار می‌گردد بر برخی از برکتی که ورود مسجد در مقوله اقتصادداری مردم محله به همساره دارد، در موارد زیر قابل احصاء است.

یکی از بومی ایده‌آل‌های اقتصادی اسلام در مسجد؛ با مراجعه به تاریخ ادیان آسمانی معلوم می‌شود، تمدن آرمان‌های مقدس در حوزه معیشت و اقتصاد، همواره یکی از دغدغه‌های انسان بوده است. چه اینکه مبارزات دینی ایشان نیز تنها متعصر به نمرودها و شاهانای نبوده و در موارد متعددی قارون‌ها و تکر قارونی، هدف چون مبارزه با او بوده است.

پی‌نوشت:

۱- اسلام و روحانیت، بخش کارنامه‌ای اقتصادی مسجد در اقتصاد مقاومتی، انتشارات فرهنگ مهر، ص ۱۰۰.
http://www.mosjid.ir

سقف، در مسجد

سید مرتضی موسوی

در کتب قبیه‌ای در این باره صحبت شده که آیا با وجود احتیاج به تسقیف، حکم به کراهت برداشته می‌شود؟

شاید دلیل این مطلب این باشد که با سبابه قرار دادن، سرما و گرمای موجب آزار نمازگزاران نمی‌شود. برخی می‌گویند در صورت احتیاج هم کراهت تسقیف از بین نمی‌رود و دلیل آنها هم این است که در صورت بازنگری رتقن به مسجد مستحب مؤکد نیست. این حکم، از روایت امام صادق علیه السلام به دست می‌آید که پیامبر، اجازه تسقیف مسجد را ندادند، حتی در هنگامی که باران می‌بارید. ایشان همچنین به حدیثی استناد کرده‌اند که می‌فرماید: «لا ترتبوا المال الفاسد فی الزحال؛ وقتی که کفش خائنات و غش محبوب می‌شود، پس نماز را در خانه بخوابید.» همچنین برای قبول خود، به روایت صدوق نیز استناد می‌کنند: «أول ما یبذلها فی قلوبنا غشوف المساجد فیکسر ثمنها و یأمر بها فیما یقتلنا غریباً کفریش مؤثراً؛ اولین چیزی که امام زمان علیه السلام آن اقدام می‌کند تسقیف‌های مساجد است، پس آنها را خواهد کسکت و امر به بدیگری آن نیز خواهد کرد و آن را مایه‌هایی مانند سبیلان جاری قرار خواهد داد.»

برخی از فقها در صورت احتیاج، کراهت را جاری نمی‌دانند. برخی نیز علاوه بر این قول معتقدند که ظاهر حکم به کراهت تسقیف است و مورد نادرش در اما ماندندندینه با کفقه یا یسره یا شبهه اثنی عشر است اما کاتبی که چاره‌ای از تسقیف نماند، نیست. داده آنها متصرف است. علاوه بر اینکه کار تراض بین مستحب و مکروه و عاقد خود مستحب مقدم می‌شود در تأیید این کلام می‌توان به ساختمان کبیه اشاره کرد که تسقیف است که حالی که جزئی از مسجد به حساب می‌آید.^۱

پی‌نوشت:

۱- موسوی، سید محمد، بیان احکام فقهی شرح عبادات شیخ الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۳.
۲- همان.
۳- شیخ حرطانی، وسائل الشریعه، ج ۵، ص ۲۰۶.
۴- همان، ص ۱۸۵.
۵- وسائل الشریعه، ج ۲، ص ۴۰۷.
۶- همان، سید محمد، دیوانه مطاع کبیره فی شرح احکام العلماء، ج ۱، ص ۱۶.
۷- خیراز، سید محمد، المسائل، ج ۱۲، ص ۲۲۳.



صندوق‌های پلمپ‌شده

نویسنده: مهدی منتظری

فقر خطرات مساجد را که ورق می‌زند، مانند تأمین آب تکرای می‌مخارج مسجد با هم دل مویلتاش را می‌زند. مشکلی که سال‌ها به عنوان مسئله‌ای بی‌پاسخ باقی مانده و امروز به عنوان یک معضل در بعضی مساجد خود را نشان می‌دهد. با نگاهی کارشناسانه و دلپزوانه به این مشکل که با هر نظر حرفش شکست تشکیل نمی‌دهد، به صندوق‌های قرص الحسنه و اقاماتی که تجربه تلخ آنجا در بعضی مساجد خستگی را در جان دست اندر کارانش، به یادگار گذاشته، باید تصمیمی بندی و تفکری روادستور کار قرار داد. بدون شک یکی از کارهای بیرون رفت از این مشکل استعانت از مسجدها در کسب درآمد است. استقلال مالی یعنی وامدار نبودن از حزب و گروه خاص و اداره مسجد بدون گزارش‌های سیاسی و حزبی و... عمدتاً گزارش شخصی، حزبی و سیاسی در مورد مکانی مانند مسجد من و هدف و یا حاشیه‌های رانندگی محل راسر در جهت هر چه گسیخته می‌گرداند. قبل از ورود به بحث باید توجه داشته باشیم کسب درآمد با تجارت متفاوت است. کسب درآمد راهی مختلفی دارد که یکی از آنها می‌تواند تجارت البته با شرایط و ضوابط خاصی خودش باشد. در آیین راه کارهای اشاره به شود که به وسیله آنها مسجدها می‌توانند مستقلاً کسب درآمد کنند از عهده امور ارتش برآیند. در ادامه به دو نمونه از راه‌های کسب درآمد مسجد اشاره می‌کنیم.

ترویج فرهنگ زکات محله

خدا در سوره نوره به یکی از موارد مصرف زکات با لفظ فی سبیل الله بیان می‌کند. فی سبیل الله یعنی کار یا منفعت عمومی دینی برای مسلمانان دارد، مانند ساختن مسجد یا کاری که

نیست نشان از سوء مدیریت و عدم اطلاع دقیق شرب که در هر زمان متناسب با شرایط محله است. زمان و صلاحیت نه‌نمایندگان مراجع تقلید از محل درآمد زکات تأمین می‌شود. امروزه در بسیاری از مناطق مردم در پرداخت زکات شسور و شسوقی از خود نشان نمی‌دهند. بدیهی است که انجام هر کاری منطق خودش را دارد. مردم محله نیز قواعد تعریف شده‌ای دارد. این قواعد را می‌توان از دل آیات و روایات به دست آورد. یکی از آیاتی که در آن دستور جمع آوری زکات داده شده، ۱۰۳ سوره توبه است: **خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَقَّهُمْ ذَقَّهُمْ وَنُكَيْهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لِيَوْمَئِذٍ شَمِيعٌ عَلِيمٌ**: از اموال آنان صدقایی بگیر تا به وسیله آن عمومی مخاطب خاصی در نظر گرفته نشود و به خاطر ذهنیت منفی مردم به موضوع غیر مستقیم پرداخته شود.

باید توجه به معنا و تفسیر آیه قواعد به دست می‌آید. **بِهَا** تنها بخشی از اموال و دارایی‌های مردم به عنوان صدقه و زکات دریافت نشود نه تمامی اموال. این نکته از حرف همین **که** برای تعین است به دست می‌آید. در نتیجه چرتکه‌ها نباید، زرد زرد بین فقراران شود. کنکاش در مورد تمام اموال اشخاصی برای گرفتن زکات بهمت منفی اعتدالی و اخلاقی دارد و موجب بی‌اعتمادی می‌شود.

أَهْمِيْشَهْ و در همه حال مسائل راه صورت کلان بنگریم. خود را آماده و زمینه را فراهم نمایم تا هر آنچه از اجناس و اقالم... به عنوان زکات پرداخت شد را بپذیریم. این مسئله که آلان نیاز به این کالا نداریم و یا مورد احتیاجمان

پرداخت کننده زکات دعا می‌کرد و برای مال او از خدا بروت و برکت در خواست می‌نمود. هر وقت یکی از مسلمانان زکات خود را می‌آورد، پیامبر بر او درود می‌فرستاد. چنان که هنگامی که عبدالله بن ابی اوفی در جنگ بار بود زکات خود را پیش پیامبر آورد حضرت فرمود: **«لهم صل علی آل ابی اوفی»**: خدایا بر آل ابی اوفی درود فرست. **بِهَا** یکنه حائز اهمیت ملموس و مشخص بودن محتاج و مصارفی است که از راه دادن زکات در مسجد و محله صورت می‌گیرد. اینکه زکات دهندگان مردم محل از شیوه مصرف زکات ندهان شده مطلع گردند و نتیجه آن راחס نمایند می‌تواند در تشویق دوباره آن‌ها و افراد دیگر خیلی بسیار تأثیر گذار باشد. اطلاع رسانی به موقع از نحوه مصرف زکات و تهیه گزارش‌های از نتیجه کار می‌تواند شیوه‌ای بی‌درسر اما بی‌ترخیش باشد.

بِهَا نکته دیگری این است که زکات در همان مناطقی که جمع آوری شده و با مشارکت خود مردم و در راهی که نیازسنجی شده مصرف شود. این نکته مهم، مدنظر داشته باشیم که اگر زکات کسبی که مردم به امانت و صداقت اهل ایمان داشته‌اند، باید در شیوه مصرف آن هم تحت اشراف آنها باشد. زکات دهندگان بیشتر خواهند شد.

بِهَا آنجا که خلواننده به پیامبر امر می‌کند تا به کسانی که زکات می‌دهند، درود بفرستد. بسیار مناسب است که لوح تقدیر در مراسم رسمی به پرداخت کنندگان زکات داده شود. بی‌شک این تشویق برای آنان، سبب آرامش دلگرمی و شکران برای دیگران آنرا انگیزه می‌کند.

ترویج فرهنگ زکات محله

۴. تقویت ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و گسترش برنامه‌های آموزشی معرفی در مسجد؛
۵. با لبردن سطح سلامت افراد محروم محله؛
۶. فراهم ساختن تسهیلات برای فعالیت مذهبی در محل؛
۷. تشویق افرادی که کار به امور خیر مثل وقف؛
۸. با فعالیت صحیح این صندوق‌ها به بخش‌های نیازمند جامعه که کمک به آنها هدف افراد نیکوکار و مؤسسان خیریه است کمک بیشتری نسبت به زمانی که انگیزه خیرخواهی روش سنتی خود را طی کند خواهد شد؛
۹. فعالیت این صندوق‌ها می‌تواند سبب کاهش بی‌کاری در سطح محل شود؛
۱۰. یکی دیگر از نتایج این صندوق‌ها می‌تواند کم‌شدن طیفانی باشد.

راه کار دوم: به‌طور قطع اگر وقف‌ها بلند او و نسلی از وقت انجام شده بهره خواهند برد یا کمیل به این عمل روی خواهد آورد، مواد زیر می‌تواند از آن قبیل باشد:
۱. وقف مجتمع رفاهی برای مسافران و کسب درآمد از آن؛
۲. وقف مکانی برای برگزاری مراسم عقد و عروسی و جشن با توجه به شرایط و ضوابط دینی و کسب درآمد از آن؛
۳. وقف مکانی برای اجاره به موسسات آموزشی پژوهشی و مدارس غیر انتفاعی و کسب درآمد از آن؛
۴. وقف مکانی برای ایجاد یک باب مغازه جهت استفاده مردم محل و کسب درآمد از آن کار؛
و...

یکی از ویژگی‌های نظام حقوقی و اقتصادی اسلام فرهنگ حسنه و قده است. که در متون دینی ما به طور گسترده‌ای مطرح است؛ البته در قرآن کلمه وصف به صورت مطروح به کار برده شده است. اما راه خود را پیش می‌آورد. پیامبر فرمود: **«لهم صل علی آل ابی اوفی»**: خدایا بر آل ابی اوفی درود فرست. **بِهَا** یکنه حائز اهمیت ملموس و مشخص بودن محتاج و مصارفی است که از راه دادن زکات در مسجد و محله صورت می‌گیرد. اینکه زکات دهندگان مردم محل از شیوه مصرف زکات ندهان شده مطلع گردند و نتیجه آن راחס نمایند می‌تواند در تشویق دوباره آن‌ها و افراد دیگر خیلی بسیار تأثیر گذار باشد. اطلاع رسانی به موقع از نحوه مصرف زکات و تهیه گزارش‌های از نتیجه کار می‌تواند شیوه‌ای بی‌درسر اما بی‌ترخیش باشد.

بِهَا نکته دیگری این است که زکات در همان مناطقی که جمع آوری شده و با مشارکت خود مردم و در راهی که نیازسنجی شده مصرف شود. این نکته مهم، مدنظر داشته باشیم که اگر زکات کسبی که مردم به امانت و صداقت اهل ایمان داشته‌اند، باید در شیوه مصرف آن هم تحت اشراف آنها باشد. زکات دهندگان بیشتر خواهند شد.

بِهَا آنجا که خلواننده به پیامبر امر می‌کند تا به کسانی که زکات می‌دهند، درود بفرستد. بسیار مناسب است که لوح تقدیر در مراسم رسمی به پرداخت کنندگان زکات داده شود. بی‌شک این تشویق برای آنان، سبب آرامش دلگرمی و شکران برای دیگران آنرا انگیزه می‌کند.



مسجد و بازدهی اقتصادی

فناوری محکم اقتصادی نهاد مسجد
سید علی رضوی

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی مساجد تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه در راستای حفظ سپرده‌های مردمی و همچنین واگذاری وام‌های بدون بهره به نمازگزاران و حتی همسایگان مسجد باشد که می‌تواند کمک اقتصادی قابل توجهی به توان اقتصادی مردم خصوصاً در سطح خرد جامعه داشته باشد. این سنت حسنه قرون متدوامی است که در میان نمازگزاران مساجد انجام می‌شود که اهداف انسانی و الهی آن، غالباً در جهت تأمین منافع اقتصادی برای همه افراد جامعه بوده است.

فناوری مهم دیگری نیز می‌تواند برای مساجد استفاده شود. این تشکیل فروشگاه‌ها و تعاونی‌های مصرف محله است. ترافیک رفاه‌های ضروری خانواده‌های محل یا حتی شهر، نقش اصلی را در بردن این فروشگاه‌ها است که با توجه به گستردگی شهرها و افزایش تقاضا در اجناس ضروری زندگی، اهمیت این مسئله و میزان سوددهی آن روشن خواهد شد. مساجد حاصل فعالیت‌های نوع فرهنگ‌ساز می‌توانند در راستای فراهم ساختن فرصت‌های شغلی مناسب برای افراد فاقد شغل، کمک‌کننده

مردم ما داشته‌اند. بنابراین با توجه به این مسئله، استفاده حداکثری از این بستر و ظرفیت موجود، می‌تواند بسیار گره‌گشا باشد. آموزه‌هایی همچون داشتن حسن نیت دوستی، توجه به مشکلات و نیازمندی دیگر مسلمانان، نداشتن غش در معاملات، انجام معاملات متدبّر بر اساس شارع مقدس، اجتناب نکردن، گرانباشتی یا کم فروشی نکردن، انصاف و عدالت در تجارت و... نمونه‌هایی از آموزه‌های کاربردی اقتصادی هستند که بهترین محل آموزش آنها مساجد هستند. توجه به این آموزه‌هاست که می‌تواند بازار ممالک اسلامی را از بازارهای سرمایه‌داری متفاوت کند. یکی از منش‌های تعلیمی علماء ارشاد اقتصادی است که همیشه در پیبود و تنظیم اقتصاد اسلامی و همچنین بالا رفتن کمیّت و کیفیت اقتصاد اسلامی مؤثر بوده است. همین فعالیت ناصحانه این قدرت را داشته تا اقتصاد شریف و پاک اسلامی را از آلوده شدن و ناپاکی به انواع دسیسه‌ها، و حقه‌های شیطان سازد. در نتیجه خصوصاً اگر این کار در قالب منبر، کارگاه آموزشی، بیان احکام و در کنار بازار و در مساجد آن انجام گیرد.

آموزش کاربردی کسب‌وکاری حلال
اسلام به عنوان خدای مأمور، تأمل بر خود دارد در مسئله اقتصاد بر اساس فریضه‌های انسان و توجه به معاش گناوه‌دار داده است. یکی از مهم‌ترین دفعه‌های هر مؤمن و هر فرد موجد، کسب‌وکاری حلال است. لذا هر فرد برای امر عاقل خود، ناگزیر است تا کسب و کار یا حرفه‌ای برای خود ایجاد کند.

آموزش مهارت‌های اقتصادی
شناسایی و آموزش آموزه‌های تجارت یا مبادی اقتصادی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در قالب فعالیت‌های آموزشی، قابل انجام در مساجد است. تأسیس کلاس‌های مختلف مذهبی، این امکان را فراهم می‌کند که مساجد، بهترین مکان برای آموزش مسائل و مباحث اقتصادی اسلامی باشد، خصوصاً در زمان حاضر که دشمنان ما، با ایجاد انواع تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی در صدد پاشش کسب‌وکار و در نتیجه انزوا اقتصادی کشور و

سازندگی آمده است. همچنین کسب حلال و ارتزاق از کذبین و عرق جیبی در اینه روایات، یکی از بهترین اسنواع عبادات، و نیز تربیت‌کننده و کمال بخش انسان‌ها، شمرده شده است. برخی از این روایات چنین است: «العباده سبعون جزء، افضلها طلب الحلال» یا «من اکل من کذبه، نظر الله الیه» یا «رحمه ثم لا یذبه الیه» و «یا اطحیب الکسب، عمل الرجل یدبه».

سبب تأسیس گرامی اسلام و انتم اطهار ﷺ تأکید بر حفظ جنبه‌های آموزشی مسجد است و تلاش‌های ارزنده آنها در اهتمام به این امر مهم، نشان از اهمیت این کار کرد مسجد بوده است. پیش از پیدایش مدارس، مساجد یگانه مرکز مهم آموزشی فرهنگی در جهان اسلام بودند. پس از آن نیز مدرسه در دامان مسجد بنا می‌شد؛ از همین رو در بیشتر کتاب‌هایی که درباره مسجد به نگارش در می‌آمد، از مدرسه بسیار سخن می‌رفت که سبب آن ارتباط نزدیک مسجد و مدرسه است. همه این مطالب به کار کرد آموزشی مسجد دلالت دارد. مسجد، ابزارها و موقعیت‌هایی را در اختیار دارد که به کمک آن می‌توان به آموزش و افزایش ساختن دینی نمازگزار پرداخت. مسجد مکانی است که سلفان برای برپایی فرض الهی و مجالس مذهبی آن حاضر می‌شوند و این فرصت مناسبی است تا معارف و احکام‌ها منتشر شود. بنابراین، مسجد مهم‌ترین مکان برای آموزش ممالک اسلامی است تا آموزه‌های اقتصاد مقاومتی و اسلوب جهاد اقتصادی مورد توجه مؤمنان قرار گیرد و به کلی جامعه اسلامی تسری یابد.

حرف و در نظر گرفتن آن دست‌آیات و روایات است که یک طرفه و نیز توجه به اینکه مهم‌ترین کارکرد مسجد جنبه‌های آموزشی مسجد است. این نتیجه به همین منتهای می‌گردد که مسجد این تأسیسات را دارد که محلی برای آموزش کسب و کاری و مشاوره اقتصادی در جهت کسب منافع حلال برای مسلمانان، به خصوص نسل جوان، باشد.

منابع:

۱. اسلامی، محمدالمجدد المجهول، فی‌الطاف لایحه الفی، ۲۰۰۲ (۱۳۸۲)، (تهران)، فصل ۱، ص ۱۰۰ و فصل ۱، ص ۱۰۱.
۲. فخرالدین، زری، التفسیر المکرم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۸۱ (۱۳۸۱)، ص ۱۰۰.
۳. مجلسی، محمدباقر، انوار العناقیب، (تهران)، ۱۳۲۴ ج ۳، ص ۷۱، ۷۲، ۷۳.
۴. محمدی، زین‌العابدین، مسجد، میزان العکمه، تهران، مرکز الاعلام، (۱۳۷۳)، ص ۲۰۰.



صفای مساجد

www.masajedsafa.com

ایوژ کمال

مساجد فراوانی هستند که در فضای مجازی پایگاه دارند. اما همه آنها از حیثیت، پویایی و جامعیت لازم برخوردار نیستند. یکی از سایت‌های مخاطب و خرفه‌ای در فضای مجازی پایگاه اینترنتی مسجد جامع صفایست. این پایگاه می‌تواند برای دیگر مساجد سطح کشور با کیفیت‌ها تا با جذب مخاطب بیشتر، باعث مسجدهای را در فضای مجازی نیز آگاه دهنده و هوای با سفار این خنک‌ساز وجودی باشد.

بیش‌های فعال این سایت به چهار بخش اطلاع‌رسانی، معرفی، در محضر استاد و مرکز فناوری تقسیم می‌شود. در بخش اطلاع‌رسانی با آخرین و به‌روزترین خبرها درباره مؤسسه و مسجد صفا و پرو هست. بخش «آغازی تا بیان» ۹۳ گروه جوانان با موضوع کلاس‌های مؤسسه، زندگی و داستان سلفان و «کارش گوشه سوم مسجد جامع صفا» ضمن نظر مستقیم از نیاز بخش بخش کرده به برنامه‌های معرفی مسجد صفا در این قسمت بازگاری شده است که کاربر می‌تواند آن به صورت برخط (آنلاین) تکمیل کرده از سال نماید.

بیش «معرفی برنامه‌ها و فعالیت‌های مسجد جامع صفا» از نام آن بیادست که قصد دارد مخاطب خود را در مسیر اهداف ساخت و تکمیل این مسجد فعال کند. مسجد در این قسمت این گونه معرفی شده است: «مسجد جامع صفا که قدمت بیش از ۷۰ سال دارد به امام جماعتی صاحب‌حیوة الاسلام و المسلمین سید ابوالبراء علوی در خرابان شهید آیه‌الله‌ممنی و رب‌وبی بیارستان امام حسن علیه السلام واقع گردیده است. فعالیت‌های فرهنگی این مسجد در سال ۱۳۶۶ و با حضور ۴ نفر از جوانانی که تجربه‌های گرانبه‌ای از مساجد در این زمینه داشتند آغاز گردید و با رعایت خدابندگان، از اکنون با حضور فعال کمیته‌ای از جوانان به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف مسجد جامع صفا ترتیب‌تیر و دیگر تیرها و مطالب این بخش می‌تواند به این اوشاره کرد: «هدف مسجد جامع صفا ترتیب‌تیر و چیست؟» و «نگاهی کلی به ۲۵ سال فعالیت مسجد جامع صفا»

بیش «در محضر سخنرانان» در متن آخرین سخنرانی‌های ججت الاسلام سید حسن علوی استاد و معلم سخنرانان این مسجد اختصاص داده شده است. همچنین به صوت این سخنرانی‌ها می‌توانید در بخش «دانلود» دسترسی پیدا کنید.

این گونه سایت‌ها که در نگاه اول حرفه‌ای و حتی فخری در برابر این دیجیتال به نظر می‌رسند، اما اشتغال‌کنان این مسیر، قدر همین جرحه‌ها را دانسته و به امید پیشرفت‌شان آن را سر می‌کنند.

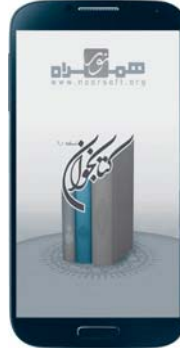


کتابخوان همراه نور

عیسی واحدی



مرکز تحقیقات کامپیوتری نور در طول ۲۵ سال فعالیت در زمینه تولید نرم افزارهای علوم اسلامی، در سه دهه دست به لوح فشرده، وبسایتها و محصولات موبایلی اقدام به ارائه محصول نموده است. از شاخصی ترین محصولات این مرکز به جامع اقتباسیو جامع احادیث می توان اشاره کرد. به منظور تسهیل در امر پژوهش و تحقیق محققان، نرم افزار اندرویدی «کتابخوان همراه نور» در این مرکز تولید و به روز رسانی شد که در حال حاضر این نرم افزار با فریب بر ۳۰ عنوان کتاب در موضوعات قرآن، تفسیر، ادعیه، از هم اکنون در سایت کافه بازار و وبسایت کتابخوان در دسترس علاقه مندان قرار دارد.



هدف از طراحی سیستم «کتابخوان» ارائه اطلاعات کتاب های موجود در مرکز به کاربران می باشد به طوری که ارائه محتوا مستقل از سبک ساخت افزاری و پلتفرم باشد. نرم افزار کتابخوان همراه نور» قالبی برای مجموعه ای از دیتاهای موجود در مرکز و دیتاهای علوم انسانی و اسلامی، شخصیت های حقیقی و حقوقی است که به عرضه محصولات خود در این قالب تمایل دارند.

نرم افزار قابل تهنی از کتاب قرار داده شده و در هنگام می توانند کتاب های مورد علاقه خود را از سایت مرکز می و یا کافه بازار دانلود نموده و به روی کتابخانه نصب نمایند.

ویژگی های ای نرم افزار عبارتند از:
قابل اجرا بر روی سیستم عامل اندروید ۲.۳ یا جدیدتر.
امکان افزودن کتاب به کتابخانه از طریق فرودگاه.
پیمایش در کتاب از طریق فهرست عناوین و صفحه.

تنظیم ویژگی های نمایش متن.
جستجو در متن کتب.
امکان انتخاب و ارسال متن با استفاده از قابلیت های گویشی.
به روز رسانی خودکار نرم افزار از طریق اینترنت در صورت ارائه نسخه جدید.
در حال حاضر استفاده از کتاب های این نرم افزار رایگان بوده و به صورت مستمر و هفتگی بر عناوین ایس کتابها افزوده می شود. فهرست بعضی از کتابهایی که به این نرم افزار اضافه شده به شرح زیر است:

- ۵۴. کفای (ما - الاسلامیه)، الهیوف قلی الطوفوف، آداب معاشرت از دیدگاه معصومان علیهم السلام، آنگاه هدایت شدم، برگزیده تفسیر نمونه، بیاهای عاشور اثر ترجمه المر اقیات، ترجمه ووضه کافیه به همراه متن عربی، رساله توضیح المسائل (مراجع)، افروغ لیدیت، تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی ره، تاریخ اسلام در عصر امامت امام علی علیه السلام، آداب سفر و زیارت عتبات عالیات، فتاوی های امیر المومنین علیه السلام (ترجمه)، الکبایر و الصغایر، انسان از آغاز تا تمام، جلال العمون، تاریخ چهارده معصوم، ۱۱۰ سر مشق از سخنان حضرت علی علیه السلام.
- ۵۵. کتابخوان همراه نور واسطی است برای ارائه کتب الکترونیکی در حوزه علوم اسلامی، که توسط مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی تهیه شده است.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه katabkhan.noorsoft.org مراجعه نمایند.

شبستان

سنگد / شماره ۱۷ / مرداد ۱۳۹۳

هشت سال تنهایی

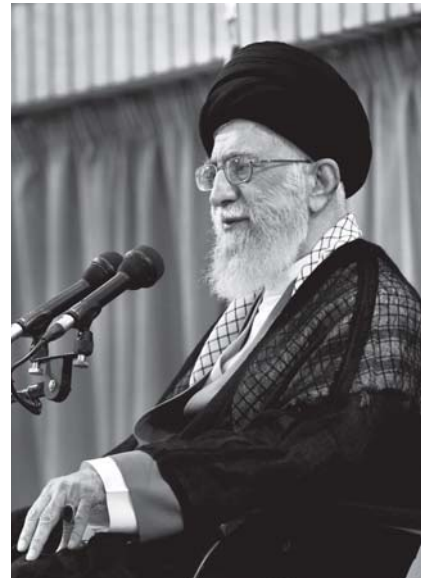
جنگ عراق علیه ایران که در ایران با نام های دفاع مقدس، جنگ تحمیلی، جنگ هشت ساله و در کشورهای عربی با نام های فادسیه صدام و جنگ اول خلیج معروف شده است، بزرگ ترین جنگ کلاسیک در قرن بیستم و دومین جنگ طولانی از یک میلیون انسان از هر دو طرف در این جنگ کشته و یا مجروح شدند. در اوایل جنگ، زمانی که از مناجح بگین، نخست وزیر وقت اسرائیل در مورد جنگ سؤال شد، وی پاسخ داد: «ما برای هر دو طرف از روی موفقیت داریم.» جمله ای کتا به امیز که نمایل اسرائیل را برای فرسایشی شدن جنگ و تضعیف هر دو طرف نشان می داد.

هشت سال دفاع مقدس به قطع یکی از بزرگ ترین و حساس ترین مقاطع تاریخ انقلاب اسلامی به شمار می رود؛ عرصه ای که ظرفیت های بیپایان مردم و دولت های جمهوری اسلامی را به جهانیان نشان داد. حفظ ارزش های این دوره می تواند منبعی سرشار از مفاهیم معنایی باشد که نسل های آینده را در مقابل طوفان های حوادث ایمن می کند.

به کارگیری ظرفیت های موجود در عرصه های هنری و فرهنگی یکی از روش های حفظ این آثار است؛ چنان که مقام معظم رهبری نیز در بیانات مختلف بر این مهم سفارش کرده اند. «برای ارتقا و وقایع این دوران و انتقال آن به نسل های آینده با استفاده از ظرفیت های هنری و ادبی کشور، باید برنامه ای که نیاز است، سرما به نگاری نمود و این کار با جدیت ادامه یابد» (تجدید جمع از پیشگوران و خطبه گوینان امام خمینی باهر انقلاب ۶۳-۱۳۴۲).

به کارگیری ابزارهای هنری در این عرصه خدمتی متقابل است که هنر به دفاع مقدس و دفاع مقدس به هنر خواهد کرد.





سلوک جهادی در اندیشه رهبر فکر زانه انقلاب

سیدمحمد موسوی

آیات بسیاری در قرآن کریم و روایات متعددی از حضرات معصومین علیهم السلام هست که از مؤلفه «جهاد» یاد می‌کنند. به تبع این فراوانی واژگانی و تنوع کار کردی، جهاد به یکی از مؤلفه‌های اصلی دین اسلام تبدیل شده است. جهاد در لغت مشتق از ریشه جهد به معنی وسعت قدرت، توان، طاقت، نیرو، نهایت تلاش و مشقت و سخت‌کوشی است. «جهاد در اصطلاح فقها، گذشتن از جان و مال برای اعلان و یا لای بردن کلمه اسلام و برپا داشتن شعاائر اسلام است. از این رو، جهاد به مفهوم وسیع کوشش است و معنی لازم و غیر متعارف آن، جنگ و نماز به نیت است؛ زیرا سعی و کوشش در راه خدا همان طور که با شدت و عنف و جنگ و ستیز انجام می‌گیرد ممکن است با وسائل مسالمت‌آمیز، هم صورت گیرد». از نظر بسیاری از فقها، جهاد به معنای جنگ کردن در راه رشدیام حق است و شامل کوشش‌های غیر نظامی نیز می‌شود. جهاد تنها شکل نظامی ندارد و هر نوع مبارزه و پیکاری - نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی - را در بر می‌گیرد. «مجاهد کسی است که هر چه از قدرت و توان و طاقت و نیرو و در اختیار دارد، در طریق اخلاص نهد و تا آخرین حد وسیع و امکانات خود در طوفان حوادث و لایا در دست‌سنگاو و کردید سداب و سختی، به مال و جان و دست و زبان، در حمایت از دین حق بکوشد و در راه اعلای کلمه حق و جات اسلام در ای دل و ایثار آنچه دارد، در بیخ نورد؛ «یا أَيُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدْرَأُكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُحِبُّونَ مِنْ عَدَابِ اللَّهِ، وَمَنْ يُؤْمَرْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ بِمَا نَعْمَدُ وَآلَكُمْ وَأَلْفَاسِمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید آیا شمارا به تجاری اهرمانی کنم که شمارا از عذاب درناک‌راهی می‌بخشد؛ گاه خداورسولش ایمان یابورید و با مال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید این برای شما از همه چیز بهتر است ای مومنان»^۱

قرآن کریم در مقابل مجاهدین از قاعدین نام می‌برد و برتری مجاهدان بر قاعدین تأکید دارد: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ سَأَلَهُمُ اللَّهُ تَجَارَةً يَتَخَدُّونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِيُقَدِّمَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا تَوَلَّى سَافِرًا فَاتَّبَعَ الْجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا». در فرهنگ قرآنی قاعدین کسانی هستند که حاضرند در شرایط سخت و بحرانی به کوششهای بخزند و جامعه اسلامی را راه‌ها کنند و به فکر آسایش مادی خود و امنیت جانی خود و متعلقانشان باشند: «الْقَاعِدِينَ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطِبَّ عَلَىٰ لَوْبِهِمْ ذَمُّهُ لَا يَتَّقُونَ»^۲

در دوره‌های مختلف از تاریخ اسلام، جهاد امری مقدس و پرازش تلقی شده است و به عنوان روشی خاص در انجام کارها و فعالیت‌ها س مطرح بوده است و دوره معاصر به خصوص در گفتمان انقلاب اسلامی نیز، واژه جهاد، و ازای کلیدی و پر کاربرد بوده است و در منظومه فکری و گفتمان مقام معظم رهبری از عمق تئوریک و عمیق و قلمرو گسترده‌ای برخوردار است. در این نگرش همه فعالیت‌ها و رفتارهای انسان می‌تواند جنبه الهی و قدسی پیدا کند. اگر مبتنی بر پیش جهادی باشد، در این گفتمان، دست‌یابی به اهداف و آرمان‌های بلند و فتح قله‌های علمی و فنی در شرایط سخت و طاقت‌فرسا

ممکن است اگر گرایش جهادی حاکم باشد. بر اساس این اندیشه، ایجاد تحول بزرگ اجتماعی و حتی تأسیس تمدن نوین اسلامی که تأثیرگذار بر جهان و مسلولک انسان باشد، امری شدنی است. اما لازمه آن حضور و مشارکت جهادی در همه عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. «نیاوران فراموش کردن جهاد و غفلت از مجاهدت، موجب ضعف و انحطاط تمدن، جامعه و حتی انسان می‌شود. این شک‌در فرهنگ و تمدن عظیم اسلامی، آنجا که شناسایی از عظمت و عزت و غرور و افتخار، پیشرفت و علالت مشاهده می‌شود، نتیجه آن، وحیه جهادی و فرهنگ مبتنی بر آن است. مقام معظم رهبری معتقد است: «مگر یک ملت بدون جهاد می‌تواند در میان ملت‌های دنیا شأن و موقعیتی پیدا کند؟ همیشه همین طور است و جهاد در است از درهای بهشت...». در همه کشورها و میان همه ملت‌ها همین گونه است»^۳

در نظام اندیشه مقام معظم رهبری، جهاد فقط مربوط به حوزه جنگ‌های نظامی نیست؛ بلکه پیش و گرایش است که شامل تمام تلاش‌های انسان مومن در حفظ تقویت و پیشبرد جامعه حق در مقابل جبهه‌های اعدا شامل کارهای وقفه‌ناشایان است. «جهاد یعنی با نبرد در همه عرصه‌های سیاسی، فکری، دانشگاهی، علمی، فرهنگی، سازندگی، اقتصادی و... می‌شود»^۴

«جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس. میدان‌هایی دارد؛ یکی از میدان‌هایش حضور در نبردهای مسالحتانه اربع جهتی است. میدان سیاست هم دارد؛ میدان علم هم دارد؛ میدان اخلاق هم دارد. ملاک در صندق جهاد این است که این حرکتی که انجام می‌گیرد، جهت‌دار و مواج با مومانی باشد که همت بر زودن این موانع گشائده می‌شود؛ این می‌شود مبارزه جهادی یعنی یک چنین مبارزاتی که کوتاه‌مدتی خود و هدف الهی بود؛ این وقت جنبه تقدیم هم پیدا می‌کند»^۵

از این رو مقام معظم رهبری می‌فرماید: «روحه جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این که «ما می‌توانیم» و کار می‌ی‌وقفه و دستگیری نیاوران و استفاده همه ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها»^۶. با اعتقاد مقام معظم رهبری عشق و ایمان و بصیرت و همت ستون‌های اصلی حرکت جهادی است. ایشان در توضیح این چهار عنصر اصلی می‌فرماید: «انسان که ایمان ندارد، محرومی برای حرکت خود نمی‌تواند تصویر کند. انسان که از احساس عاشقانه و عمیق قلبی برخوردار نیست، نمی‌تواند



این حرکت را ادامه دهد و استمرار بخشد. انسانی که همت ندارد، به کارهای کوچک، به فرآیندهای محدود اکتفا می‌کند؛ جنبه‌ها برترین قله‌های دوزخ است؛ انسانی که بصیرت ندارد، راه را عوض می‌ی‌ورد؛ اگر عشق و ایمانی هم در او نیست، راه را در راه غلط مصرف می‌کند؛ اگر همه این‌ها در نیاوران فراموش کردن جهاد، انسان مومن نیاورند در فکر جهاد، انسان مومن مجاهد، همچون سنگ زیرین آسباب است که با فداکاری و ایثار در راه تعالی و پیشرفت جامعه با جان و دل می‌کوشد. او توانایی تحمل فشارها و استقامت روحی در برابر مشکلات را دارد. انسان مجاهد در میدان حراست استقامت بالا و عزت و اراده خود، فکار و و گزیزه و مسئولیت‌پذیر است. هر جا که ضرورت و نیاز باشد در آنجا حاضر است و مسئولیت حرکت، اصلاح، حراست و مقاومت و پیشرفت را به عهده می‌گیرد. لذاتناش تماشاچی نیستند و نمی‌توانند در گوشه‌ای نشینند و برای دیگران هورا بکشند، بلکه بر اساس تکلیف دینی انقلابی، در مسائل اجتماعی حضور پیدا می‌کنند و نقش می‌آفرینند. بر این اساس «جهاد» یک فرهنگ و یک شیوه زندگی است که رنگ و بوی قیافت دارد و با طریقی مختص آدمی‌راز فردیت و منیت خارج و سمت و سوی و الا وقتی گسترده‌رامی کشاید که شمعاع وجودی آن نه تنها جامعه را روشن، بلکه جهانی‌را می‌تواند منور کند.

پی‌نوشت:

۱. رباب‌المصطفی، المصداق فی غریب القرآن، ص: ۲۰۸.
۲. معجمی، عبوری، جنگ و صلح، ص: ۸۵.
۳. مصباح ربوئی، محمد تقی، جنگ و جهاد: تفرقان فی مومنه، موسسه علمی ختمی (۱۳۸۷)، ص: ۱۹.
۴. شعبه ۱۷.
۵. شعبه ۱۷.
۶. شعبه ۱۷.
۷. شعبه ۱۷.
۸. شعبه ۱۷.
۹. بیانات در مراسم مسجدک، کلام سیدالکفایت (۱۳۸۲/۷/۱۷).
۱۰. دیدار مسئولان نظام با رهبر انقلاب به مناسبت دیدار مطهر (۱۳۸۷/۷/۱۷).
۱۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هفت‌گانه علمی و فرهنگی با دانشگای تهران (۱۳۸۲/۷/۱۷).
۱۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار کاروان (۱۳۸۲/۷/۱۷).
۱۳. بیانات در دیدار چهارگانه بیخ سازندگی (۱۳۸۸/۶/۲۴).



دوره‌های سازش و مقاومت

محمدرضا رضایی

قریب به دو قرن است که در برابر استعمار و استکبار غربی و استبداد داخلی، جنبش‌ها متعددی در جهان اسلام به وجود آمده است و در صدد باز یافتن هویت خویش و دستیابی به استقلال و آزادی کشور خود هستند. بدون تردید این خیزش‌ها و قیام‌ها نشان‌های از نهضت‌پذیری اسلامی است و برای همه بشریت راهی می‌بازد و نویدبخش آینده‌ای روشن بطن ظلم و سراسر از عدالت است.

آغاز و شروع یک حرکت و جنبش اگر چه مهم و ضروری است؛ اما آنچه تعیین کننده است و افراد و جریان‌ها را به اهداف نهایی و آرمان‌های متعالی می‌رساند، استمرار، استقامت و ایستادگی است؛ همچنان که خداوند متعال در قرآن فرمود: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» و به جهت همین فرمان بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «سوره هود مرا پیر کرد»؛ چرا که استقامت و استمرار به مراتب سخت‌تر، مشکل‌تر و پرخطرتر از آرزای کردن است. به همین جهت در قرآن کریم بارها و بارها سفارش شده‌اند: «فَأَوْصِيَّ فِرْعَانَ أَنِ اتَّقِ اللَّهَ لَأُنصِبُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ و فرهنگ اسلامی، مقاومت به معنای ثبات، پایداری و مقاومت است. «اعلم علی علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «هر آغاز اسلام مدعی ما ن‌تدک بود و از لحاظ تجهرات مادی خیلی ضعیف بودیم، در عین حال صبر و مقاومت را پیشه ساختیم و در قبال جمعیت انبوه کفار سخت ایستادگی کردیم. خداوند چون این صبر و استقامت را از ما دید نصرت خویش را بر ما فرود آورد و در نتیجه ما غالب و دشمنان مغلوب ما شدند»^۲

در ابتدای هر قیامی موج‌های گسترده‌ای به انگیزه‌های مختلف ایجاد می‌شود و جریان‌های متعدد اعلام همکاری می‌کنند؛ اما به تدریج کم‌کم و سستی و سختی سربان استکبار و استبداد را مشاهده می‌کنند؛ انگیزه‌هاشان فروکش می‌کند در چنین شرایطی هر کس و هر جریانی توان ماندن و ایستادن ندارد؛ این نویسی از قیام‌ها و جنبش‌های اجتماعی پس از دوره‌ای کوتاه

به روزمرگی، بی‌انگیزگی، ضعف و خستگی دچار می‌شوند و به سازش و مصالحه با سربان استکبار و استبداد تن می‌دهند. نمونه روشن و قریب‌آن آقای یاسر عرفات و جنبش آزادی بخش فلسطین (فتح) است که پس از سالیان دراز مبارزه آخر به سازش تن داد و بر سر میز مذاکره با امریکای فیکبار و اسرائیل خنجور نشست. نکته اصلی در این ماجرا، عدم استقامت و صبر در راه‌خود خستگی از مبارزه و جهاد و عدم اعتماد به وعده‌های الهی بود.

اسامد گفتمان انقلاب اسلامی، قیام و جهاد همواره با صبر، استقامت و اعتماد به خداوند متعال همراه است. در این مکتب، قیام بدون صبر، جهاد بدون مقاومت، و تلاش بدون استمرار ارزش نخواهد داشت. بلکه روح انقلاب، اسلام و جهاد، در سازش‌ناپذیری و انعطاف‌نشان ندادن در مقابل قدرت‌ها و نظام سلطه جهانی است. این روزبه‌ران انقلاب اسلامی بر عنصر صبر، مقاومت و ایستادگی تأکید فراوان دارند. مقام معظم رهبری در معرفی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران به خارجیان می‌فرماید: «آن چیزی که در ایران اسلامی ماه پیروزی و گسترش آن فکر در سراسر عالم شده آن چیزی که توانست شمشیر تیر و کمان در برابر بوی ملت ایران کند کندو آن توانمند آنچه‌است که می‌خواهند در این کشور انجام دهند، در یک جمله مستر است که روح همه چیز هاست؛ آن عبارت است از تسلیم و سلب شدن سازش‌ناپذیری و انعطاف‌نشان ندادن در مقابل قدرت و سلطه جهانی و امریکا و امثال امریکا؛ این، همان روح قبیله‌است»^۳

بدون تردید آن عامل اصلی و اساسی که روح ایستادگی و مقاومت را در ملت ایران ایجاد کرد، عامل دینی است. مقام معظم رهبری در این مسئله‌ای گونه‌تأکید می‌کنند: «اگر عامل دینی نباشد، چند صیاحی حرکت می‌شود. عدای مبین و قنشر مشخصی، کاری می‌کنند بعد هم خسته می‌شوند. عدای به دنیای خود می‌رسند؛ عدای هم به حکومت و مقام می‌رسند؛ عدای

بافتن مقاومت سازش می‌کنند؛ عدای می‌رسند؛ عدای به زندگی راحت خود می‌گیرند و عدای مایوس می‌شوند و قبیله تمام می‌شود؛ این می‌رود؛ تا گم‌السنکه در بسیاری از نهضت‌های دنیا، چون اسم‌خدا، یاد خدا و روح تعبد و اخلاص نبود؛ مبارزه آخر به سازش تن داد و بر سر میز مذاکره انسان بزرگ‌ام‌را حل‌عظیم‌النشان در میان آنها نبود. حتی استعدای معمولی هم برای حرکت در مبارزه‌ای با فساد و استبداد و بدبختی‌های دیگر یک‌ملت شکوفاشد»^۴

نمونه روشن مقاومت ملت ایران، دفاع مقدس بود. ملت ایران با صبر و شکیبایی در برابر سخت‌ترین مشکلات، رزمندگان اسلام با اعتماد به قدرت لایزال الهی و مسئولان کشور، استقامت و سازش‌ناپذیری در برابر دشمن ایستادند و جاسان و مانع و عقل از دین و مأموس و وطن خود حفاظت کردند و توانستند از تهدید بزرگ راه بر فرصتی برای معرفی عظمت ملت ایران به جهانیان تبدیل کنند و نظام سلطه‌ها را بشکستند و علم‌ی‌کوشی قوی فراهم سازند؛ از ملت‌یاران و رزمندگان اسلام در دفاع مقدس، به این وعده الهی اعتماد کردند که فرمود: «فَأَوْصِيَّ فِرْعَانَ أَنِ اتَّقِ اللَّهَ لَأُنصِبُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»^۵ و «فَأَوْصِيَّ فِرْعَانَ أَنِ اتَّقِ اللَّهَ لَأُنصِبُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ»^۶

و به حق اسلام و رحمت الهی در دریافت کردند چرا که عظمت و شکوه یک ملت ازاده و سر بلند را در جهان یافتند و در مسیر سعادت و هدایت الهی قرار گرفتند. «سلام عَلَیْكُمْ بِمَا تَصَدَّقْتُمْ بِرِغْمِ غَفْلَةِ الْآلِی»^۷

پی‌نوشت:

۱. دود: ۱۱۲.
۲. آل عمران: ۱۶۰-۱۶۱.
۳. هود: ۱۱۵.
۴. آل عمران: آیات ۱۶۶-۱۶۸.
۵. هیچ لاف‌ها، خطبه ۵۵.
۶. بیانات در دیدار رهبران خارجی شرکت کرده در مراسم مبارک ۱۰ سالگی خیمه‌ها، ۲۲-۲۳.
۷. بیانات در دیدار رهبران خلیف و محافظ در مهر مقدس ۱۳۷۵.
۸. آل عمران: ۱۶۱.
۹. محمد: ۲۵.
۱۰. بعد: ۲۴.

در عراق چه گذشت

درصاحبه با بایت الله یوسفی غروی
به کوشش مرتضی ناصمی

صفه بانت، ضعف فر هنگ و بی سوادی مهم ترین لایه‌ای عدم اتحاد مسلمانان عراق

به نظر شما چرا مردم عراق در قریب سیصد ساله، در طول تاریخ نتوانستند به شکل قابل ملاحظه‌ای و به طور واقع‌انه‌ای انقلاب اسلامی شکل دهند و عمدتاً بر قبال حکمرانان ظالم ساکت بمانند و اگر هم اعتراض داشته‌اند به شکل متحد عمل نکرده‌اند؟ از طرف دیگر فریاد جردان طول تاریخ علمایی که در راه جهاد با کفار آسیب می‌دیدند و به شهادت می‌رسیدند بازتاب حرم، درخشش شای عسائی نمانده است

مهم‌ترین دلیل این مسئله به ضعف دیانت مسلمانان عراق برمی‌گردد. البته ضعف دیانت آنها نیز به ضعف فرهنگ یا انتشار غلط و اشتباه فرهنگ دینی در میان مردم به خصوص عشایر عراق - برمی‌گردد. عامل اصلی ضعف فرهنگ عمومیت جعل و بی‌سوادی در میان اعراب و عشایر بوده است.

عوال مشوق شیعیه گرای علمای صوفیه عامل اصلی برتری شیعه عاصفه به تنسج فرهنگی است

دلیل اصلی حرکت مردم عراق به سمت تشیع و شیعه شدن آنها، حکومت صوفیه بود. شیعه همواره بزرگ‌ترین سلسله در برابر ترکان عثمانی بودند و اندیشه‌های پسین گیزی مرزهای هخامنشیان و اسکامیان را مسامحانه داشتند. آنها برای تشویق مردم عراق از سه عامل استفاده کردند صوفیه در مقابل سیاست قهرانه دریافت مالیات سنگین از مردم توسط حکومت عثمانی، تخفیف مالیات را عامل اول آن راه داده بودند. اساسه ذکر امیر المومنین علیه السلام به خصوص ذکر شجاعت و جنگجویی ایشان به شکی حسانی و سلطنتی همچنین ساخت حرم امیر المومنین و عشیت مالیات، سخن باز با گاه ایشان، برپایی مراسمها و ارائه خدمات بازگام ایشان، همه اظهار علیه السلام توسط صوفیه و همین عامل مهم رو بگرد شیعه گرای مردم عراق در آن زمان بود



دراستیا مبرچه گذشت؟

نطفه‌ای که نامشروع بسته شد.

حمید شکاری

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ یا ۲۶ سپتامبر ۱۳۸۰ از جمله تاریخ‌هایی است که شاید هیچ‌گاه از ذهن مردم دنیا پاک نشود. حادثه‌ای که به پهنه آن، دو جنگ بزرگ افغانستان و عراق در منطقه خاور میانه به سرکردگی آمریکا و حمایت برخی از کشورهای بزرگ به وقوع پیوست. به گزارش پایگاه تحلیلی «خانه شفاف‌سازی اطلاعات» بر اساس تحقیقاتی که در مجله پوشگی برجسته «نیست» منتشر شده است، تخمین زده شده است که ششصد هزار عراقی در نتیجه حمله آمریکا تا تاریخ ژوئیه ۲۰۰۶ در عراق کشته شدند. این پایگاه همچنین در گزارش خود اعلام کرد: «شمار نظامیان آمریکایی که در جنگ آمریکا در عراق کشته شدند به ۳۹۶۵ نفر رسید و نظامیان مسند به ۱۲۷۵۱ نفر رسیدند». این گزارش همچنین حاکی از آن است که هزینه جنگ عراق افغانستان یک تریلیون و ۲۵۸ میلیارد و ۲۵۹ میلیون و ۱۷۰ هزار و ۱۳۰ یونده است که به طور متناوب هزینه جنگ آمریکا در عراق ۸۰ میلیارد دلار و هزینه جنگ آمریکا در افغانستان ۳۶۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که گذشت: گاه‌شمار این روز به نقل از منابع خبری و اطلاعاتی چنین به ترتیب بسته است:

۸۴۵- برخورد نخستین هواپیمای رنده‌شده به برج‌های مرکز تجارت جهانی.

۹۳۰- برخورد دومین هواپیمای رنده‌شده به برج‌های مرکز تجارت جهانی.

۹۳۰- خروج پوش رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در فلوریدا اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا مورد حمله قرار گرفته است.

۹۴۰- اعلام ممنوعیت پیرواز بر فراز ایالات متحده آمریکا برای نخستین بار در تاریخ هولواری این کشور.

۹۴۳- برخورد هواپیمای رنده‌شده به ساختمان پنتاگون در واشینگتن دی.سی.

۹۴۵- تخلیه کاخ سفید.

۱۰۰۰- فروریختن برج جنوبی مرکز تجارت جهانی.

۱۰:۱۰- فروریختن یک ضلع ساختمان پنتاگون.

۱۰:۱۰- سقوط یک فروند هواپیمای رنده‌شده در نیویورک.

۱۰:۱۳- تخلیه ساختمان ملل متحد در نیویورک.

۱۰:۲۲- تخلیه وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری ایالات متحده و ساختمان بانک جهانی در واشینگتن دی.سی.

۱۰:۲۴- انتقال کلیه هواپیماهای در حال پرواز در آسمان آمریکا به تانانا.

۱۰:۳۸- سقوط برج شمالی مرکز تجارت جهانی.

۱۰:۴۵- تعطیلی کلیه ساختمان‌های دولت فدرال در واشینگتن دی.سی.

۱۰:۵۴- تعطیلی کلیه اماکن دیپلماتیک اسرائیل در سراسر جهان.

۱۱:۱۸- اعلام کم شدن دو فروند هواپیمای مسافربری آمریکا پرواز شماره یازده یک فروند بوئینگ ۷۶۷ میا بوئینگ به مقصد لندن. اینجس به همراه ۸۱ مسافر و ۱۱ خدمه پرواز شماره ۳۲ یک فروند بوئینگ ۷۵۷ میا واشینگتن دی.سی. به مقصد لس‌آنجلس با ۵ مسافر و ۵ خدمه.

۱۲:۱۵- اعلام بالاترین وضعیت خطر در مریزهای ایالات متحده آمریکا با کانادا و مکزیک.

۱۳:۰۴- خروج جوش از پایگاه نیروی هوایی بارکس دل Barksdale Air Force Base گفت که ارتش ایالات متحده در سراسر جهان به حال آماده‌باش است. در آن زمان دو ساعت و تا یک‌دکمه که عملیات این جنایات به شدت مجازات خواهند شد.

۱۳:۴۴- پنتاگون اعلام کرد پنج تن جنگی و دو ناولو هواپیمای مسافربری امنیت آمین تسواخ شرقی ایالات متحده ابرعهده گرفته‌اند.

۱۳:۴۴- پرواز خروج جوش از پایگاه نیروی دریایی بارکس دل در فلوریدا به نطفه‌ای نامعلوم.

۱۶:۰۰- CNN خبر داد که مقامات آمریکایی به احتمال زیاد اسامه بن لادن را مسبب وقوع حوادث تروریستی می‌دانند.



۱۶:۱۰- آتش سوزی در ساختمان شماره هفت مرکز تجارت جهانی.

۱۷:۲۰- سقوط ساختمان شماره هفت مرکز تجارت جهانی با ۲۷ طبقه.

۱۸:۵۴- ورود جورج بوش به واشینگتن تحت تأثیر شدید امنیتی، بازگشت او برایش به کاخ سفید.

تحلیل کران سیاسی روز آن تحلیل‌های مختلفی از ظاهر و باطن این قضیه ارائه کردند. سران ایالات متحده در همان زمان جنگ خود را با تروریسم و به پهنه آن با مسلمانان اعلام کردند. سومین سخنرانی بوش در ۸۳۰ شب و دو دفتر وی در کاخ سفید انجام شد. این سخنرانی هفت دقیقه طول کشید. فضای کلی این سخنرانی تأکید بر مسائل نظامی و نوید حمله نظامی قریب‌الوقوعی را می‌داد و روحیه دادن به مردم و تأکید بر قدرت آمریکا و تحریرک روحیه دینی مردم بود: «همروز هزاران نفر توسط دشمنان کشته شدند، تروریست‌ها شکست خورده‌اند، کشور ما آماده است، مردمی که برای دفاعی بزرگ آماده اند، تروریست‌ها توانستند بزرگ‌ترین ساختمان ما را نابود کنند. آنها هیچ گسبتی به اصول ما نمی‌توانند بزنند. ارتش ما قوی و آماده است، ما می‌توانیم این دلیل مورد حمله قرار گرفته که ما قاضی در برابر تروریستی برای آزادی و فرصت در جهان هستیم. ملت ما امروز سلطان را دید، هنرترین انسان‌ها را دید، من به طور مستقیم از طریق استفاده از منابع اطلاعاتی و راهکارهای قانونی عملیات اجرای عدالت انجام می‌دهم. برای ما تفاوتی بین تروریست‌ها که این اعمال را انجام دادند و کسانی که به آنها پناه دادند وجود ندارد». جن بازنه توانستند واشینگتن پست در ۲۷ ژانویه ۲۰۰۲ نوشت که این همان ذکرترین بوش است و تأکید بر روی کسانی که به آنها پناه دادند، نشان از برنامه دولت برای حمله به افغانستان و عراق دارد. همچنین جرج بوش در جلسه شورای امنیت اعلام کرد که این یک فرصت بزرگ است، کشورها یا ما به هتند یا علیه ما و کشورها را مجبور به انتخاب

می‌کنیم. دولت آمریکا همچنین مشخص می‌کند که القاعده و بن لادن در پشت حملات هستند و دو عالم را مسفد اعلام می‌کند. القاعده مهم نیست؛ بلکه کشورهای که حامی تروریسم هستند اهمیت دارند. همچنین راه‌مسفد را برای وی می‌کند که مواسی از نظر حقوق بین‌الملل در رابطه با حمله پیش‌دستانه وجود دارد که بوش با فراد جواب می‌دهد «هن اهمیت به حقوق بین‌الملل نمی‌دهم ما باید آن‌ها را با یکدیگر ببینیم». جلسه در ساعت یازده تمام می‌شود و تصمیم به جنگ افغانستان گرفته می‌شود (واشینگتن پست ۲۷ ژانویه ۲۰۰۲).

مقام معظم رهبری در همان زمان و بعد از آن با بیانات خود موضع جمهوری اسلامی ایران را آشکار کردند: «وزی که رئیس‌جمهور آمریکا از هشتاد پرید بعد از قضیه یازده سپتامبر - گفت و گفت صلیبی شروع شده و بعد که فهمیدند آتشه که کرده‌اند و نیاید می‌گفتند و بنا کردند به رفتن کردن. این روز کسی به نکتة قضیه توجه نکرد، که این جنگ صلیبی چیست. جنگ صلیبی، جنگ ملت‌های مسیحی و ملت‌های مسلمان است. آنها می‌خواهند مقدمات آن فراهم کنند که ملت‌ها را به جان هم بیندازند. هم مسلمانان عالم، هم مسیحیان عالم، باید خیلی هشیار باشند تا بازچه دست این ساینستمدان را بکشند».

اکتوبر بعد از گذشت بیش از یک دهه از آن حادثه و ضمیمت منطقه به خوبی نشان دهنده برنامه‌هایی است که نطفه آن در سال‌ها قبل بسته شده بود. گنگمان مردم بی‌گناه در کشورهای اسلامی به دست تروریهای آمریکایی در افغانستان و پاکستان و یازدهم است که عده‌ای کم خرد در قالب گروه‌های تکفیری و سلفی در عراق، سوریه و... و یا به دست رژیم کودک کوش اسرائیل از غزه

پی‌نوشت:
۱. www.fundnews.com/6/news/1
۲. www.fundnews.com/6/news/1
۳. www.fundnews.com/6/news/1
۴. www.fundnews.com/6/news/1



خیستان « فرهنگ و جامعه

فعال فرهنگی

مسعود دینانی

«فعال فرهنگی» عنوانی است بر طمع‌ها و ستودنی و نشان دهنده نوعی ارزش آسانی و حدی از فریختگی در شخصیت است که فعال فرهنگی خوانده می‌شود. بر عرف کسانی که از دور تا دور دیک‌دیک بر آتش هنر و رسانه و علم و ادبیات و فعالیت‌های دینی و تربیتی داشته باشند، از عنوان عام «فعال فرهنگی» برخوردار می‌شوند. با این وصف احتمالاً هم نبوده و هم خواننده این متن شایستگی لقب گرفتن به عنوان فعال فرهنگی را نداشته باشند. مایی که می‌نویسیم، مایی که می‌خوانیم، مایی که در مساجد، در مدارس، در حوزه‌های علمیه، در دانشگاه‌ها، در رسانه‌ها، در ناوهای فرهنگی، در ریسچ، در انجمن‌ها، در تشکلهای مذهبی، سال‌ها سال است فعالیت می‌کنیم و با اهدافی فرهنگ داد و ستد داریم، اگر ما «فعال فرهنگی» بنامیم پس چه کسی باشد؟

اگر مایک و معیار برجسمی باشد که جامعه به افراد و اوصاف می‌انداخته باشد، اگرما همانی باشد که گذشت: ما می‌تیم و عنوان و سوسه بر انگیز فعال فرهنگی ما، اما اگر ما مجرداً و دقیق‌تر از یک پرسشگری اجتماعی باشد، اگر مفاهیم دارای معنایی باشند و انتظارات بر اساس آن معنا شکل گیرند، اگر ظاهری و باطنی و پنهانی و آشکاری در کار باشد چنانچه آیا ما با هم فعال فرهنگی لقب خواهیم گرفت چه بسا مالاها و درچه‌های فرهنگی که بر سینه و شانها داریم پس گرفته خواهد شد.

از خش‌زن و خراش ملین سطحی این عنوان می‌توانیم بر این توضیح دست‌نکاریم که فعال فرهنگی کسی است که در حوزه فرهنگ فعالیت می‌کند یا کسی که خشن و خراش‌کننده و کنج‌کننده دقیق تر شاید بتوانیم دید فعالیت مستمر و افزاینده در حوزه تخصصی فرهنگ را نیز اضافه کنیم. قید

۱۳۹۳
۱۳۹۳
۶۱

بر این باورم فعالان حقیقی فرهنگی جامعه من و شما نیستیم. فعالان حقیقی فرهنگی جامعه ما یا کمال تأسف فشر برخوردار و تروتمند جامعه هستند. آنها هستند که نرخ زیستن را روز به روز و عصر به عصر و شب به شب، بی تابوئی رسمی، بی ادعای گوش کر کن، بی جنجال و بی بحث و جدال، دهان به دهان و چشم به چشم تعریف می کنند و همه ما خواسته یا ناخواسته مطابق آن نرخ عمل می کنیم.

مستمر و پاینده از عنوان «فعال» برداشت کردیم؛ چنانکه میان فعال و فاعل تفاوت هائی معنایی و بلاغی وجود دارد. این قید احتمالا برای ما نمن بسیاری از ما را دروگاه فعالان فرهنگی مشکل چندان ایجاد نکند این خود اوقیتی است که بسیاری از ما زندگی هایمان را واقع فرزندانی از فرهنگ که نامشان برده شد کرده ایم. «وقف خرابانی، خرت می و دخلت می». بسیاری از ما نیز بی خرج و دخلمان در زوهدی های فرهنگی تعریف می شوند.

با این حال قید «فراپنده» کار را برای بسیاری از ما مشکل خواهد کرد؛ ما که حضورهای یکپواخت، فعالیت های کنسراسری، نگاههای کلیشمایی، محافظه کاری و عاقبت طلبی و نگاه کاسب کارانمان به فرهنگ، نگاه کناری و کمی ناقصتی ابری مشهود است؛ ما بهیچینتر مصرف کننده و نهایت امر توزیع کننده آثار فرهنگی هستیم؛ تا تولید کننده فرهنگی. در سوسی دیگر نیز تعلق این عنوان به «ما» یا «چاشنی های جدی همراه است. آیا در حقیقت ما جبراً فعالیت های ما به صورت تخصصی فرهنگی محسوب می شود؟ آیا فعالیت های ما زیست فرهنگی جامعه را تعریف می کند؟ آیا نوسانات فرهنگی جامعه با فعالیت های، ارتباط مستقیم دارد؟ پاسخ من به این پرسش ها تا حد زیادی منفی است.

اگر فرهنگ را باندگی کنسراسر مقله ای بدانیم که به صورت مستقیم یا نحوه زیست فردی و اجتماعی انسان ها در جامعه سر و کار دارد، اگر دلیل پاسخ منفی به پرسش های فوق آشکارتر خواهد شد. در واقعیت آن است که فعالیت های ما بسیاری از موارد اگرچه در ارتباط با فرهنگ قرار می گیرند، اما به صورت تخصصی فرهنگی محسوب نمی شوند. فعالیت های ما در بسیاری از موارد زوهدی دینی، هنری، رسانه ای، سیاسی، علمی و تربیتی تعلق دارد، نه حوزه تخصصی فرهنگ، بی شک میان دین، هنر، سیاست، آموزش و رسانه و فرهنگ ارتباط وثیق و ملاقه ای عمیق وجود دارد. این امور را می توان عناصر فرهنگ ساز و پایه عیار دیگر مقوم فرهنگی به شمار آورد. این مشروط به آن است که این اوقاف به عرصه فرهنگی یا بگذرد؛ این که در حوزه خودشان خلاصه شوند.

هنگامی می توان یک فعالیت دینی، تربیتی، آموزشی و یک فعالیت، رسانه ای، تشکیلاتی و سیاسی را فعالیت فرهنگی نامید که آثار آن در

حوزه فرهنگ قابل رصد و ارزیابی باشد و بتوان تأثیراتش را به صورت متمایز و مفهومی و ملموس در زیست فرهنگی فرد و جامعه مشاهده کرد؛ آنچه که در اصطلاح «سیک زندگی» نامیده می شود.

اگر مبنای قیاس را بپذیریم و «سیک زندگی» را معیار و سنجه فعالیت فرهنگی قرار دهیم، آنگاه حقایقی نه چندان مطلوب و خوشنود شاخ و شانه خواهند کشید. حقیقتی مثل اینکه فعالان حقیقی فرهنگی جامعه ما کسانی هستند بی تابو و بی نشان فرهنگی با تأثیراتی زیرپوستی و کاری خنده و تدریجی.

فعالان حقیقی فرهنگی جامعه ما هستند که شیوه زیستن ما و مردم جامعه را تعریف می کنند؛ کسانی که سبک زندگی را از زندگی مطلوب و معرفی می کنند و سبک زندگی دیگر را بی ارزش و حتی ضارند می خوانند؛ کسانی که شرح زیستن ما را در دست دارند و بالا و پایینش می کنند و دیگران را به بودن برسی رسانند.

داخل خانه های ما؛ از سالن پذیرایی گرفته تا اتاق خواب را می زند و فهرست آنچه باید باشد و آنچه نباید باشد را مشخص می کند. حقیقت آن است که حتی خود «ما»، تحت تأثیر عمیق فعالیت های فرهنگی این قشر هستیم.

هنگامی عنوان فعالان فرهنگی شایسته ما خواهد بود که زیست فرهنگی خودمان را دستخوری و جامعه مان را در ساخت اجتماعی و حتی فراتر از آن در ساخت های و منطقه ای و جهانی بر اساس اعتقادات، اوریوسا و آموزه ها و ارزش های، از کز «مهاذق» می کشیم، شکل دهیم؛ در غیر این صورت دین و فرهنگ و سیاست ی پرکنده از هم خواهند بود؛ که اگرچه ناطقانی ما هم پیدا می کنند. تا آنجا که سده ها، فرهنگ و دین و سیاست و فرهنگ به صورت متقارن و عینی با هم پیوند نخورند، از آمان فرهنگ و تمدن دینی به دست نخواهد آمد.



مقصود چیست؟ تکند کعبه بهانه شود!

اسیب شناسی و رفتارشناسی ایرانیان در سفر حج

فاطمه زمانی

مقدمه

با یکی از اقوام گفتگو می کردم، حرف هایمان رسید به سفر حج. من از خاطرات شیرین عمره داشتم و برای او گفتم، اهی کشید و از رو کرد قسمت او هم بود. آمین گفتم و پرسیدم: چرا اقدام نمی کنی؟ گفتم: حج پول زیادی می خواهد. من ندارم. توصیه کردم دست کم به سفر عمره برود و یک بار هم که شده خانه خدا را زیارت کند. گفتم: برای تبت نام سفر شاید بتوانم پولی تهیه کنم؛ ولی چه کسی از پس مخارج خرید و سوغاتی و ولیمه بر می آید؟ ما کلی قایل و آشناس داریم، باید برای همه آنان سوغاتی بیاورم.

بعد از آن گفتگو به فکر فرو رفتم که چه اتفاقی در این سالها افتاده است که هزینه سوغاتی و حاشیه های یک سفر زیارتی بیش از اصل هزینه های آن برای مسلمانان ما را می برد؟ در ادامه این پدیده را منصرف قرار دادم؛ نگاهی داشته باشم به این مسئله فرهنگی در جامعه ایرانی.

طرح بحث

۱- یکی از واجبات در فروع دین مبین اسلام است که در اهمیت آن بسیار

گفته شود شنیده یا بدسفری معنوی و راهبیت در زندگی هر شخص، زیارتی از خانه ای که به دست حضرت ابراهیم ساخته در زمان حیات رسول کریم (اسلام صلی الله علیه و آله) اقباله مسلمان جهان قرار گرفت. مکان مقدسی که در صرح و ظهر و شامه و سوی او سجده می کنیم و نماز می خوانیم، زیارت چنین خانه ای از سوی هر مسلمان و شخص طلب معنوی است. ۲- سوغات و راه آوردن دستجات سفر است که هم در اسلام آن اشاره شده و هم در سنت زندگی ایرانیان داری اهمیت است. یادگاری است از سفر و برای اقران ارزش معنوی بسیاری دارد البته اصل این سنت در اسلام و ایران بیشتر به جهت گسترش محبت و رفع کدورت بوده که بسیار شایسته و مقصد است.

۳- هر کاری، حتی اگر نیک و پسندیده باشد، احتمال آسیب و لغزش دارد و اگر مورد قوت و از برای قرار نگردد، چه سا اثر منفی آن بیش از اثر مثبت آن باشد. وجه واجب سوغاتی مستحب از این قاعده مستثنی نیست. باید بعد از این سالها و در واج فرهنگی، سوغاتی های افضل از سفر حج مورد از برای و نقد نظر مجدداً قرار گیرد.

در حج چه اخلاقی می افتد؟

آنچه در سفر عظیم حج باید اتفاق بیفتد، با آرایش معنوی و بازگشت دوباره انسان به سوی خداوند است. حج شست و شوی غبارها از روح و آراستن جان آدمی به عطر حضور بار، توبه و انابه از خطایهای گذشته و عظم اسرارح برای التماس به حیات طیبه و پیشروی به سوی کمال و سعادت و شایستگی برای زندگی سالم و پر از معنویت و دوری از دنیا و مظاهر دنیوی و گناه است. انجام آداب و مناسک حج اعم از واجب و مستحب زیارت چند باره خانه خدا، دعای ابراهیم علیه السلام و سایر دعاها، و طلب مغفرت برای گذشته‌گان که در کتابهای مختلف به این آداب و مناسک از زبان معصومین و ائمه اطهار علیهم‌السلام به آن اشاره شده، در کلاس‌های آموزشی سال‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد، پررتگرت نشن حاشیه‌های سفر نسبت به متن آن است. مدعی نیستیم که تمام زائران به سوغاتی بیش از زیارت توجه می‌کنند ولی این مسیر صعودی، اگر بدان توجه ویژه نشود، از سوی مسئولان و مردم در غفلت قرار گیرد. دور نیست که این فرهنگ نهادینه شود و در سال‌های نه چندان دور، سفر حج در خرید شخصی و سوغاتی خلاصه شود. در پایین این فرهنگ و استمرار بر سنت‌های نبوی لازم است هم مسئولان امر، هم کسانی که به زیارت می‌روند و هم کسانی که فرودگاه‌ها، استقبال می‌روند، دقت ویژه کنند. این مسئله فرهنگ‌ی نیازمند همدلی و اقدام همدگانی است.

پیشگامان فرهنگ و جامعه

خاز طبیبان وقتن

گذری بر فضائل اخلاقی طبیب، به بهانه روز ریزشک

محمد درگیری

قدیمه

اگر دانش اخلاقی عمری حدود ۲۵۰۰ سال داشته باشد، درازای عمر کسالت و طبابت باید پیش ازین قرن‌ها باشد. سرچشمه‌های مکتوب اخلاق پزشکی را می‌توان از حکمت‌نامه‌های سقرانا تا سکنده‌نامه‌ها، مرقا در قرن دوم هجری میلادی جستجو کرد، که بیشتر به عنوان «اخلاق بسنتی پزشکی» مشهور است. این نوشته‌ها علم اخلاقی را با کدها تا عصر حاضر، عصری که بیشتر فضاهای تشویقی دانش پزشکی، موضوعات جنجالی و جدیدی در اخلاق پزشکی حادث کرده است، و دانش بزرگوار، خلق درهای تازه‌ای گشوده در مقابل عالمان علم اخلاق، از مشهورترین و چالش برانگیزترین موضوعات این حوزه که نظام فکری فلسفه اخلاق بررسی و تحلیل آن را برایشان «اخلاق کاربردی» نهادند است. می‌توان به موارز در اشاره کرد: ۱. شیبه‌ساز؛ ۲. سقراط جین؛ ۳. نقل رحمی (بوئنازای)؛ ۴. مرگ مغزی؛ ۵. مرگ خودخواسته (اتانازی)؛ ۶. خرید فریاد و فروش و بی‌وفادگی؛ ۷. شیوه‌های نوین بارداری و... موضوعات «اخلاق پزشکی نوین» بیشتر از این دست موضوعات مربوط به روش‌های تخصصی است که جز موارز در، در جامعه محسوب می‌شود.

حرفه بررسی و تحلیل و پاسخگویی به این دست موضوعات در جایگاه خود مهم است و در جوامع تکنیک و علوم واطعانه جهانی مورد اقبال مخاطبان پژوهشگران حوزه اخلاق قرار گرفته‌اند. این دانش است که به پهلوان روز پزشکی در ایران نوشته می‌شود. قصد آن درام به عناوینی که در «اخلاق قضات» ریشه دارد و در معنای عمومی تری از «اخلاق» مورد توجه است، به نظر داده، به مسائلی که پزشکان را در میان عموم مردم به دودسته «پزشک با اخلاق» و «پزشک نادرده» در معنای عمومی می‌کنند. اخلاقی که در توصیه‌های دینی و تعلیم طبیب اندین مورد توجه قرار گرفته و آن فضائل در نگاه بزرگان دینی از معانی طبیب طلب شده است.

پزشکی به مثابه شغل

چهار سده پیش با دینایی مدن رانداشته باشیم، چه آن را مطلق و علاف طبیعت طبیبی بدانیم، وضعیت موجود در جامعه که تقریباً برای زمانی شناسند و در

عمره کشورها، حاکم به سمت و سوی رفته که همه هویت‌های اجتماعی و فرهنگی به شغل وابسته است. معلمی، هنر مندی، نویسندگی، قضایات، امر درمان‌گری و شسراپه از زندگی، جامعه و اهمیت مسئله اقتصادی به شکلی کمال گرفته که آنچنان با قدرت و صلاحیت‌منی توانیم بگوییم «علمی شغل ایلیست». ساعت کار، اضافه حقوق، شغل موم، قسط و قبض عقب مانده، و خیلی مجالی فراهم می‌کند که به دغدغه‌های اخلاقی و انسانی برتزازیم. امروزه وقتی به مطالعه‌های خصوصی یا بیمارستان‌ها که مراجعه می‌شود، و گر نه راه مستقی را در پیش خواهی داشت، در کنار هزینه‌های مالی، جلب نظر پزشک و منشی و پرستار هم داستان مخصوص خود را دارد و درروابط انسانی.

نمی‌خواهم بگویم آنان حق دریافت پول در مقابل زحمتی که می‌کشند را ندارند، بلکه چون پزشک هستند از حقوق معمول خود برای زندگی کردن محرومند. سایرین پزشکی را تحصیل کرده‌اند، غالباً در شهر یا کشوری دیگر، در غربت کشیده‌اند و حالا می‌خواهند نمره آن همه تلاش را ببینند و زندگی راحت داشته باشند. کما لته حق می‌گویند حق می‌خواهند، نکته‌ای که نمی‌خواهم به آن برسیم. این است که هستند. طبیعتی که به قدر کلیت و مضرت و بیماری‌رستان درام دارند و در حاشیه کار و زندگی خود به رانگان این نظامند. این مردم می‌کشند و هر از چندگاه در سفرهای چندای به رانگان فقیران روستاهای دور درمان می‌کنند و در شهر خود کار کسی به آنان این گونه نیکو کاری‌ها موجب برکت بیشتر در کار و زندگی آنان می‌شود، حتی از خوش‌نامی سودمندی بیشتر را نصیب شوند.

آن قدری که خوش اخلاق است

در کنار «اخلاقی بودن» زبان عامیانه اصطلاحی دارد به نام «خوش اخلاق بودن». پزشکی که وقتی وارد اتاق اش می‌شود یا روی باز استقبال می‌کند، سلام بیمار را پاسخ می‌گوید، حال بیمار را می‌پرسد...، به بیان همان ادبیات

عامیانه این دست پزشکان «حال آدم را خوب می‌کنند». دانش آن راندارم که بگوییم رفتار و منش و خلقیات شخصی یک پزشک به چه میزان در رفع کسالت بیمار مؤثر است، ولی طبق اطلاعات عمومی شیندهام که تأثیر بسیار دارد و تجربه شخصی هم نشان داده ارتباط عاطفی و خوش خلقی و نیک‌اخلاقی پزشک در درمان‌گری او تأثیر گزار است. خوشبختانه عموم پزشکان کشور ما اخلاق نیکو و طبیعانه دارند. جای اعتراف دارد که کار زیاد، سستی و دقت در امر طبابت گاهی بیش از توان جسمی و روحی انسان است. گاهی نمی‌توان وقت زیادی برای هر بیمار مصرف کرد و به ویژه زمانی که بیماران بسیاری در انتظار هستند. ولی ای کاش عقمانی فراهم شده به جای توجه رفتار، این عوامل به صورت کاربردی شناسایی و پزشکان و بیماران و مسئولین هر کدام در رفع آنان تلاش کنند. آماده‌های محدود و شخصی نگارنده، حدوداً بیست نمونه آماری در یک سال پاره‌ای از این دست پزشکانی که پس از معاینه چند بیمار چند لحظه در اتاق خود تپان می‌مانند و یک‌ایوبان جای می‌خورند یا مراجعه به در نزدیکی پنجره وقتن که به باکن هر شیهر می‌شوند کار آمدی بیشتری دارند نسبت به پزشکانی که در یک ساعت می‌بیمار را معاینه کرده، بدون اینکه سلام کسی را بخواهند، به صورت شگفت‌آوری قبل از اینکه نسخه مریض قبلی را امهر برزند آن خوب شبیه به چوب بستنی را در دهان برداشته می‌کنند.

خاتمه

مجال در این نوشتار آنست که است موضوعات قابل طرح بسیار، در قسمت‌های از نوشته طعم طنز آفرودم که قدری از نخ‌های این دردل بکاھد، به امید آنکه از تن مردمان بالا بردن تا نشان این گونه طبیبان خوب کشور ما گرفتار نباشند. با بیان این دعا‌ی خواجهمحمد حسدالین حافظ شیرازی در برفه‌هاگان پادشاه، این دست پزشکان و بیماران که دقت به ناز طبیبان نیازمند مباد/ وجود ناز تا از زده گرد می‌داند.

کارمند حبیب خداست

بررسی چندتا اخلاقی به‌په‌په‌روزگارمند

محمد جعفر آبادی



مقدمه

شاید از عجایب روزگار باشد که اصطلاح «کارمند» هم در لغت‌نامه‌ها در کنار اصطلاحاتی نظیر «تردمند»، «شرف‌مندی»، «مستمند»، «شکایت‌مند» و «پهرمند» قرار می‌گیرد، هم در زندگی بیرون از کتاب‌ها. کارمند در اصطلاح مردم به معنی شخصی دارای کار است و در زبان عامه مردم به معنای کسی است که در سازمان و ادارای کار می‌کند.

در این یادداشت به په‌په‌روز کارمند قصد داریم مروری اجمالی بر حال روز کارمندان کشور و بر نگاه‌های اخلاقی پیش‌روی آنان داشته‌باشیم. در باب خدمت به خلق و حل مشکلات مردم که از توفیقات آنان است بسیار گفته شده است، در این شماره تنها به بررسی چند آسیب احتمالی اکتفا می‌کنیم.

هر کس کار خودش

جدال و کش‌مکش بر دامنه‌ای داشته‌م در

سال‌های اخیر خوب محور «علم بهتر است یا ثروت؟» یا «مهد لازم است یا تخصص؟»، هر کدام از این زوایا نظر افرادی داشت و هر کدام برای انتخاب خود دلایل، تان‌آمل مقاربی که نگارنده در این امر کندو کار کرده‌ای نتیجه رسیده است که «هر دو» هم علم خوب است هم ثروت، هم مهد لازم است هم تخصص، هر کدام از اینها در جایگاه بحث خودشان دو بال هستند برای رسیدن به مقصود مدنظر، زمانه ثابت کرد که بدون ثروت نمی‌شود به علم رسید و هر کدام از تمهوت تخصص به تنهایی کاری را به سرانجام نمی‌رساند. در کنار این مباحث مسئله دیگری نیز قابل طرح است، آن هم «علاقه». کارمند در زمان قبول مسئولیت هر بست و مقامی ضمن دارا بودن تخصص و تعهد لازم، نیازمند علاقه شخصی به انجام آن کار باید باشد.

اخلاقاً اگر کسی تخصصی یا تعهد اعتقادی و اجتماعی و علاقه‌مندی لازم برای انجام کاری را ندارد، نباید آن پست را اشغال کرده، این موفقیت

رشوه می‌دهد و رشوه می‌گیرد و آن شخص که بین آن دو واسطه است را لغت کرده اگر خوانند کسی را لغت کند در زندگی این جهان و جهان آخرت در غاب و شالالت و گمراهی است. یکی از اصول مورد قبول ما مسلمانان «برکت» است، رشوه برکت‌راز از زندگی انسان می‌برد و پولی که از طریق رشوه به دست می‌آید با موفقیت و مالی که از طریق رشوه دادن تحصیل می‌شود، تنها با عت، با فانی می‌شود، بلکه از روزی مقدر پروردگار برای انسان‌های ما کاهد.

جامعه‌من

لحظاتی در میان روزمرگی‌های کارمندی وجود دارد که بر اثر خستگی یا مشکلات شخصی این موضوع به ذهن شخص خطور می‌کند که برای کی چه بشود؟ چرا این...؟ چرا من کاری که می‌توانم به فسر دا موکول کنم را امروز انجام دهم؟ الان خسته‌ام، بنابر این ارباب رجوع برود و فریاداشته بمانه‌های از این دست و امولات را هر کدام از ما داشته‌ایم یا در منش و رفتار دیگران مشاهده کرده‌ایم یا کارمند بوده‌ایم نشسته پشت میز یا ارباب رجوعی بوده‌ایم سسر گردان از این میز به این میز، یکی از تعهدات اخلاقی در منظومه وظایف اداری انجام وظیفه به وجه احسن است.

رشد و بالندگی هر جامعه منوط به تلاش حداکثری همه افراد آن جامعه است. شاید حل مشکل در مقابل ما تأثیر مستقیم و بی‌واسطه بر حال فعلی ما نداشته باشد، اما به مرور زمان و در نگاه کار، تسریع در انجام کار و جلوگیری از اتلاف وقت و امکانات باعث رشد بیشتر جامعه و موجب پیشرفت تصاعدی دیگران و ما می‌شود. امروز ما پشت این میز نشسته‌ایم و فردا آن سوی میز آقای مغازه داریم، ما در کارمان که وظیفه‌مان است کی فراموش کنیم، اولین فرامیاجز خواهد بود پشت زانویم فرو می‌کند.

تشیخ یا خجسته‌ایان

در بیابان یادداشت مختصر باید به این مسئله اشاره می‌کنیم: چه ما با علاقه به انجام وظایف خود بودیم، چه چاروی اکران، با الاخره این کار به سرانجام می‌رسد؛ دست آخر آن نامه امضا می‌شود، این کارشناس تهیه می‌شود، مسئله قابل طرح این است که چرا به سختی؟ چرا انجام کار از او بی‌خوشی نمی‌باشد؟ لذت رضایت در چه‌راهی با رجوع به موقع به انجام رسیدن کار کمزرا چرت کوتاه در ساعت کاری نیست؛ باور ندرت یک بار امتحان کنید.



شستان | کتابخانه مسجد

معرفی کتاب

مدیر یک دقیقه‌ای

به کوشش ناصر جعفر آبادی



«هن سوالات زیر را از خود می‌کنم و صادقانه به آنها جواب می‌دهم: چه‌اشتهای کردم؟ آیا کسی را اخراج کردم یا خواسته‌ام، از زوهار احساسات و افکارش را دست کم گرفت؟ آیا وقتی شایسته‌ام نبودم تقدیر یا پاداشی دریافت کردم؟ چرا این کار را کردم؟ آیا عملم تسخید، عاجزانه و بدون فکری بود؟ آیا حساب شده بود؟ آیا نتیجه ترس، خشم یا عجز و ناگامی من بود؟ انگیزه‌ام از انجامش چه بود؟ چه مدت اجازه دادم ادامه پیدا کند؟ بار اول بود یا قبلاً تکرار شده بود؟ آیا این رفتار دارد جزئی از زندگی‌ام می‌شود؟ چه حقیقتی وجود دارد که نمی‌خواهم بر آن روبه‌رو شوم؟ آیا خودم را از رفتارهایم بهتر هستم؟ سپس کارهای زیر انجام می‌دهم: خودخواهی یک دقیقه‌ای‌ام را یادش را آغاز می‌کنم. من صادق هستم و پیشی خود اقرار می‌کنم که مرتکب اشتباه شده‌ام و باید جراتش کنم. تسوولیت کامل اعمال‌م را بر عهده می‌گیرم و بی‌توجه به نتیجه، صادقانه تیار به عذرخواهی از شخصی را که به او آسیب رسانده‌ام یا باعث ناراحتش شده‌ام در می‌کنم. ضرورت‌های ضروری عذرخواهی را فهمیده‌ام و هر چند زودتر به انجامش اقدام می‌کنم. به‌طور مستقیم به شخص آسیب‌دیده می‌گویم که اشتباهم چه بوده است. احساس‌م را نسبت به کاری که با او کرده‌ام بیان می‌کنم. عذرخواهی یک دقیقه‌ای‌ام را با نامعات کامل می‌کنم. در بازه‌های آنچه انجام داده‌ام در خداداد شخصی است که می‌خواهم باشم. دوباره تأیید می‌کنم که خودم از رفتارم بهترم و خودم را می‌بخشم. با مصالح رفتار می‌فهمم که بختگر به شخص مقابل آسیب رساندم و یا تغییر رفتار، تعهدم را به عدم تکرار آن نشان می‌دهم».

این کتاب جذاب و خواندنی توسط آکن بلانچارد و مک براید به رشته تحریر در آمده و به دست مامک په‌دزراهه ترجمه شده است. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را از نشر یک آوین تهیه کنند. «عذرخواهی یک دقیقه‌ای» قصه مدیر شریکی است که در اواسط دوران یک تغییر مدیریتی خود، مرتکب اشتباهاتی شده است که خواننده به دفعات این اشتباهات را در تیتیر روزنامه‌ها و مطبوعات شاهد است. این کتاب دربی آن است که بیان کند چگونه چنین افراد ناموشی و زیرکی ممکن است از راه خود فاصله بگیرند و آنچه را که در واقع بسیار اهمیت دارد را به دست فراموشی سپارند. بر خلاف عقل می‌بینیم که چنین مدیرانی اشتباهات را با عدم اقرار به آن و عدم عذرخواهی از اعمال خطای خود، دو چندان می‌کنند.

این نویسنده به یک مدیر با شیوای موفقیت‌آمیز، چگونگی رویارویی با اشتباهات را با بیان موزیک عذرخواهی هدفمند نشان می‌دهد.

عوض کردیم نام کوچه‌ها را

به گوش فاطمه سعیدی

موشک کاغذی بلند شود به راه پشته‌ها انداخت
پدرم دارد: «هوایما، بمب‌روی قرار گاه انداخت»
از روی زوری صندلی افتاد، باشد گفت: «اعلی... افتاد
سلفق با بمب اولی افتاد، او به بالابوش نگاه انداخت
تا تک از روی صندلی زد شد، شیشه عینکم تو ک بر داشت
یک نفر اسلحه به دست داد، داد لم طرف چپیه و کلاه انداخت
خاکریز از اتاق خواب گذشت و من و او سینه خیز می رفتیم
او به خود تکی بر عکس خنجرهای اش هر چه بر داشت بین راه انداخت
به خود تکی بر آمدم دیدم، پدرم یک نفر حمله می‌کرد
یک نفر زوری به دست آمد، آخرین عکس را سیمیه انداخت
موشک آرام روی تخت افتاد، زنی از بین چند دست لباس
بویونم پلنگی او را روی ایوان جلوی ماه انداخت

محمّد حسین ملکیان

باز هم اول مهر آمده بود
و معلم آرام
اسم‌ها را می خواند:

اصغر پور حسین!
پاسخ آمد: حاضر.
قاسم هاشمیان!
پاسخ آمد: حاضر.
اکبر لیلزاد،
پاسخش را کسی از جمع نداد
بار دیگر هم خواند:
اکبر لیلزاد!

پاسخش را کسی از جمع نداد
همه ساکت بودیم
جای او اینجا بود
اینکه ما، تنها
یک سید لاله سرخ
در کنار ما بود
لحظه‌ای بود، معلم سید گل را دید
شانه‌هایش لرزید
همه ساکت بودیم
تا گمان از خود زنده‌ای حس کردیم
گل فریاد شکفت!

همه پاسخ دادیم:
حاضر! اما همه اکبر لیلزادیم
قیصر امین پور

کودکی سوخت در آتش به فغان، هیچ گفت
مادری ساخت به آتشونه نپان، هیچ گفت
پدر پیر شهیدی که به عشق ایمان داشت
سوخت از داغ پسرهای جوان، هیچ گفت
دختر کوچک همسایه ما، زورفت
دل آینه سوخت و کس از این هیچ نگفت

گرفتند تمام کوچه‌ها را
شکستند از دحام کوچه‌ها را
سفر کردند ما با این شکست خدای
عوض کردیم نام کوچه‌ها را

سید حبیب نظاری

ولی او این همه فکر نتوان هیچ گفت
ناصر فیض

جریان گرفت در بهانه‌ات قحطی نفس
دستم دوباره در پی سوسول می‌دوید
تا اول قفطه به راه نگویم، می‌دو
شکر خدا که جنایت‌ها را نمی‌برد

دنیال قرص خورشید تو از چای پریدم و
دستم گرفت بر لب لیوان و آب ریخت
بیریز بغض درون نگاهم
یک‌دفعه بی‌مقصد می‌حساب، ریخت
پایان نفس بکشد... به خدا خوب می‌شوی
تنها، حماسه‌نفت خوشش من است
قرآن بخوان دوباره برایم، بخوان
با یک‌بار کوبن صای تو آرامش من است

زهراسادات ضرابی

نقدی برگزیده

گذشته‌فیلمی ایرانی امایگانه‌یالیاری
مرشبه عیسی



«گذشته» (به فرانسوی: Le Passé) نام آخرین
ساخته‌ی اصغر فرهادی کارگردان نام‌آشنای
سینمای ایران است. این فیلم اثری است در
دسته‌ی درام و محصول سال ۲۰۱۳ که برای اولین
بار در جشنواره‌ی فیلم کن همان سال اکران شد.
پس از حضور پررنگ و جلی و عمی صفی‌آبادی با بازیگران
تالول قفطه به راه نگویم، می‌دو و
شکر خدا که جنایت‌ها را نمی‌برد

فرانسوی و زبان‌گرنانی با ملیت ایرانی، فرانسوی
و عرب تهیه‌شده است.
گذشته ششمین ساخته بلند سینمایی این
کارگردان محسوب می‌شود. وی در سال ۱۳۸۱
با فیلم «قص در غبار» وارد عرصه کارگردانی
شد. در سال ۱۳۸۲ «شهر زیبا» و در سال ۱۳۸۴
«چهارشنبه سوری» را کارگردانی کرد سپس
تا چند سال فیلمسازی را کنار گذاشت تا اینکه در
سال ۱۳۸۷، «درباره‌ی» را ساخت. فرهادی
در سال ۱۳۸۹ پنجمین اثر خود را با عنوان
«جدایی نادر از سیمین» به روی پرده برد.
فیلم هم به جهت زمان ساخت، هم به جهت ارائه
چهره‌های خاص از خانواده ایرانی و هم به دلیل
هم‌زمانی اکران آن با فیلم‌سورسای باعث ایجاد
تقدفا و تحلیلهای منتقدانه‌ی شد و در نهایت
برنده جایزه بهترین فیلم خارجی از جشنواره
آکادمی اسکار که با همین نام برگزار می‌شود،

گذشته در ایران و شش کشور اروپای غربی باعث شد تا این فیلم تقدفا
مناقشه‌ی را به همراه داشته باشد. عده‌ای وی را شخصی دانستند که توهم جهانی شدن
زده است، برخی دیگر از منتقدان، این فیلم را از ادامه فیلم قبلی فرهادی دانسته‌اند،
تخلیلهای گزیننده‌ی در همین باره نوشت: «فیلم تقدفا فیلم قبلی اصغر یعنی جدایی را هم
با خود به همراه دارد.»

شده فرهادی گذشته را نیز در سال ۱۳۹۱ در
کارنامه‌ی دویت کرد.
داستان آخرین ساخته فرهادی روایتی از چند
رابطه عاطفی با محور اتفاقاتی در «گذشته»
است. یک رابطه به پایان می‌رسد و دیگری قرار
است شروع شود. محور هر دو رابطه‌ی که به
پایان می‌رسد، رابطه‌ی چندینی که قرار است آغاز
شود. زنی نام‌نرمان است. احمد که شوهر
دوم نرمان است، به دلیل اختلاف با او به ایران
گرفته و پس از چهار سال به دعوت‌های بی
فرانسه‌ایته احمد به بیخود می‌رود که می‌بیند همسرش
نیز با مردی تازه به نام سمیر آشنا شده است.
ماری و احمد با یک طلاق توافق می‌کنند. با توجه به
نداشتن بچه‌ای مشترک از خود، باز هم جدا
می‌شوند. اما مشکل لوسی (دختر بزرگ ماری
نرمان) است.

از همسر اولش) با ازدواج جدید مادرش و اتفاق
که برای سلین - همسر اول سمیر - افتاده است،
موضوعات داستان فیلم را فرم ساخته است.
اکران گذشته در ایران و شش کشور اروپای
غربی باعث شد تا این فیلم تقدفا مناقشه‌ی
به همراه داشته باشد. عده‌ای وی را شخصی
دانستند که توهم جهانی شدن زده است، برخی
دیگر از منتقدان، این فیلم را از ادامه فیلم قبلی
فرهادی دانسته‌اند؛ تخلیلهای گزیننده‌ی در همین
باره نوشت: «فیلم تقدفا فیلم قبلی اصغر

یعنی جدایی را هم با خود به همراه دارد.» یکی از
گروه‌های داستانی فیلم قبلی است که احمد قبل
از جلسه دادگاه می‌فهمد که زنش از «سمیر»
باردار است. اینجا یعنی زنش با مردی غربیه
رابطه نامشروع برقرار کرد است و از این رابطه
نامشروع، باردار است. اما فیلم این گونه نامود
نمی‌کند؛ چرا که داستان در فضای کاملاً غربی
رخ می‌دهد. پس قواعد اجتماعی ایران بر فیلم
حاکم نیست. شاید به همین دلیل است که این
فیلم را نماینده‌ی ایرانی‌ای سینمای فرانسه دانسته‌اند.
احمد است هیچ خاصه و گراشی به فرهنگ
ایرانی و اسلامی ندارد. نیز این طرز فکر را تقویت
می‌نماید.
در حقیقت، تنها علت ساخته شدن «گذشته»
در خارج از کشور همین است. اگر در فیلمی غیر
از فیلم فرهادی، موضوع خیانت به این
سادگی و آسانی مطرح می‌شد، یا به هیچ وجه
اجازه اکران نمی‌گرفت یا اعتراضاتی بیشتر از
فیلم «من مادم هستم» می‌شد؛ اما چه
اتفاقی افتاده است. موضوعی که خیانت در آن،
سننهای اولی‌ده نشان داده می‌شود، به راحتی
اکران می‌شود؟ چرا مانند همه فیلم‌های خارجی،
که مجوز انتشار می‌گیرند، در این فیلم، صحنه
در آغوش کردن ماری توسط معشوقش سانسور





مباحثه
فرهنگی
مرواریدی
۷۰

نشده است در حالی که در قلم‌های شبکه خاکی حتی اگر پدری دختر جواش را در آغوش بگیرد، کل صحنه مستهزوم می‌شود.

در حال حاضر با وجود تمامی تحلیل‌هایی که در مورد این فیلم وجود دارد باید ادعا نمود که گذشته به لحاظ فنی در جایگاهی بالاتر از فیلم قبلی اصغر فرهادی است. هر چند هم تپه‌ای ماند قبش در این فیلم نیز قابل مشاهده است.

اما چه شده قلم قبلی وی اسکار را میوهوت خود می‌کند و فیلم بعدی وی که هم در زمان شهرت او است و هم در سطح فنی بالاتری قرار دارد، نخل طلای جشنواره کن را نیز شایسته خود نمی‌کند؟ این سوالاتی است که شاید بتوان پاسخش را در کلام رهبر معظم انقلاب و در میثاقی سیاست و هنر جست‌وجو کرد.

نویسنده:

۱. برخی از صاحب نظران سینما جهانی را در زمینه ادبیات نگاه خاکی فرهادی به بحث بازسازی فیلم که همان کشف محبت است، می‌دانند. رفتار او از وقتی بدون ادب و بی‌ادبیت‌ها، قلم او از آثار خاندان‌های که به عنوان خاندان‌های ایرانی معرفی شده است، تعیین تکلیف‌ها، نگاه برهنه فیلم به بیان یک اثر هنری می‌باشد. شاید در این باره برخی دیگر از منتقدان علاوه بر انتقاد از نگاه فنی فرهادی در حد درجه و نگاه به باطن، این اثر را در ادامه‌گیری از باطنی می‌نویسند که در صدد خودمان فریب به پاره شدن خود بود. نمایی مثل خود او را که چه‌امی بیرونی‌اش از دردی که در دلش است، می‌نویسد. در این باره می‌توان گفت:

۲. نام بازیگر نقش پسر موسی پوست.

۳. نام بازیگر نقش پسر مصفا است.

۴. نام بازیگر نقش ظاهر حمید است.

۵. فرهادی در صدد نگاه فنی فیلم از آلودگی، عقب ماند، طوطی، روح و مال او توصیف کرد. فرهادی نوشت: گذشته به در گذشته اتفاق می‌افتد نه در پارس. نه به جراتی دارد و مسئله‌ای نه به وجودی.

۶. تحلیل جویگر فارسی به فیلم مستند به نقل از جهان با عنوان ایزد شاه ایزد ۱۳۸۱/۱۳۸۲ حسن امیری.

۷. کوهان آفاق دوپین این خود نمایی خود و همه حاضر در این اثر هم در آفاق دوپین و چونان روایت کند. در تهران و در پاریس نفس ایام کوهان را می‌پسورم که در دهانه ریشه سوختن است. کوهان نمایی ایستاد دنیای بزرگ‌سالان است. در پاریز به ایستادن و همه کجاده کوهان کند. در جدایی سوختن راه آفاق ایستادگی می‌کند. در پاریز به ایستادن و کوهان بزرگ‌سالان را بازخواست می‌کند.

فیستان

آدابیات و هنر



نبرد آلوکان

معرفی چند بازی رایانه‌ای حوزه دفاع مقدس
سید روح‌الله داعی

با توجه به اینکه در هفته دفاع مقدس قرار داریم، بر آن شدیم تا تعدادی از بازی‌های رایانه‌ای که در حیطه دفاع مقدس ساخته شده‌است را به صورت مختصر معرفی کنیم تا مخاطب ایرانی با تهیه این بازی‌ها هم با فرهنگ جنگ ایثار و شهادت مردمان قلم و خود دارد باید ادعا نمود که گذشته به لحاظ فنی در جایگاهی بالاتر از فیلم قبلی اصغر فرهادی است. هر چند هم تپه‌ای ماند قبش در این فیلم نیز قابل مشاهده است.

چریک

جرسان بازی در مهرماه ۱۳۶۰ و در شهر فکه است. نظیر بچه‌های سپاه در حال حرکت میان شهری جنگ‌زده به سمت مقر مقدم جبهه است که متوجه اشغال شهر توسط ارتش متجاوز عراق می‌شود که قبل از انجام هر کاری مواردی را بررسی می‌کند. همه اعضای نظیر به جز یک نفر به نام حسین شهید می‌شوند. حسین پس از پیدا کردن یک بیسیم با نیروهای مستقر در شهر تماس می‌گیرد و مأموریت خود را آغاز می‌کند. وی محل اجتماع نیروهای بختی را یافته و در نهایت با عملیات‌های مختلف شهر را آزاد می‌کند.

سبک این بازی اکتش اول شخص است و تولید شرکت تک‌نفر بازی ناماست.

نبرد آلوکان

بازی نبرد آلوکان در مورد یک راه‌یاری شجاعانه می‌باشد. در این بازی شما با هم راه‌یاری در زمان دفاع مقدس با نیروهای خود و هم راه‌یاری در زمان کوهستانی به نام آلوکان است. کاظمیا کمک‌های فکری شهید کاوه به روستایی که تحت تصرف ضد انقلاب است می‌رسد. ضد انقلاب بسیاری از مردم این روستا را به شهادت رسانده و در جریان بازی کاظم مجبور است جاسوس را پیدا کرده و...

این بازی محصول مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان نور است و به صورت اکشن

فیستان

کتابخانه مسجد

معرفی کتاب

سه برگ از یک درخت

معرفی سه کتاب در موضوع دفاع مقدس
جواد زمانی



کتاب «کا»

کتاب «کا» که مخا و انصافاً کتاب بسیار خوب و قابل طرح در سطح جهانی است، مربوط به بخش کوچکی از وقایع جنگ تحمیلی است و این نشان می‌دهد که هشت سال دفاع مقدس، فرای نظریه تولید هزاران کتاب به منظور انتقال دیدگاه ارزش‌های اسلامی و انقلابی به جامعه و جهان است... این کتاب در گستره کشور هنوز شناخته شده است؛ در حالی که چند مصفهار تاکنون چاپ گردید. اگر «کا» شناخته شده میلیون‌ها نسخه از این کتاب فروش خواهد رفت و میلیون‌ها نفر از محتوای این کتاب، بهره خواهند برد... شما هزار کتاب «کا» می‌توانید تولید کنید. «کا» یک کار ارزشمند است که در معن پیدا کردید، این راه ادامه دهید.

سبک این بازی مبارزه‌ای و توسط شرکت ویژه پرداز پارس تولید شده است.

منازعه در خلیج عدن

بازی مبارزه با خلیج عدن برای ای حماسی- نظامی است که در زمان اتفاق می‌افتد و تکاوران نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی در آب‌های بین‌المللی عملیات‌های مهمی انجام می‌دهند.

یکی از نکات قابل توجه در این بازی حساسیت روی بناهای تاریخی است که در صورت تخریب یا نابودی در بناهای تاریخی کاربر به اول بازی می‌گردد. توجه به آلمان‌های مذهبی و اعتقادی از دیدگر ویژگی‌های این بازی است.

در این بازی بازیگر به عنوان تکاور نیروی دریایی ارتش به پیشکار با دردن دریایی خلیج عدن می‌پردازد. در هر مرحله تکاور لازم است در زمان دریایی راز را بر تانک برده تا در نرسیده، راه‌لاک کند.

فرایک با او و جایبیت‌های صوری این بازی بسیار قابل توجه است و همین طرف افکت‌های تصویری جلایی در این بازی شناخته شده است که توجه کاربر را به خود جلب می‌کند. در این بازی صحنه‌های سینمایی جلایی وجود دارد که در خلال بازی شناخته شده است.

این بازی توسط شرکت ارتباطی بیست پویا تهیه شده است.

مرکز این کتاب‌ارتشکلی می‌دهد. در این کتاب جنگ از زبان دختری هفده ساله بازگو شده است. بیان حوادث تکان دهنده شرح جزئیات به اعتقاد اغلب کارشناسان، این کتاب را به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر در زمینه خاطره‌نگاری دفاع مقدس، معرفی کرده است.

از ویژگی‌های کتاب که آن را از دیگر آثار خاطره در حوزه دفاع مقدس، متمایز می‌کند، بیان جزئیات و آمیختن آن با زبان پویایی و ساده است که محتوای اثر را خواندنی‌تر می‌کند. اگر چه در تاریخ ثبت ادبیات دفاع مقدس اثری با محوریت زنان رزمنده در قالب خاطره و زندگی‌نامه به رشته تحریر درآمده است اما این نخستین بار است که یک کتاب با محوریت یک دختر در دل جنگ‌یادگار جزئیات و توصیفات ملموس، منتشر می‌شود. «کا» سرآغازی برای نگارش خاطرات دفاع مقدس است.

با گذشت پنج سال از انتشار این کتاب، نزدیک به چهار میلیون نسخه از این اثر، به فروش رفته و تاکنون به زبان‌های انگلیسی و اردو ترجمه شده است. نکته قابل توجه این که استقبال از «کا» اختصاص به مخاطبان فارسی‌زبان ایرانی ندارد بلکه این کتاب در افغانستان نیز با استقبال گسترده مواجه شده است که نزدیک به ده هزار نسخه از آن در سال‌های اخیر در افغانستان، به فروش رفته است.

خواننده محترم!

احتماد شما در تکمیل این فرم و ارسال نظرات خود. قطعاً نشان راه ما در طریق از نقای همه‌جانبه تشریح خواهد بود.

برای ارسال فرم، تنها آن را از نشریه جدا کرده، بدون پاکت پستی و اسماق تمبر، در صندوق پست بفرمایید.

فره‌نظر سنجی

ماهنامه‌ها مسجد شماره ۱۷۵

نام و نام خانوادگی:	تخصیلات آکادمیک:
آدرس منزل:	تخصیلات اداری:
پست الکترونیکی:	تلفن تماس (همراه):
شخصیات محل خدمت (مسجد):	تخصیلات حوزوی:
نام مسجد تحت مدیریت:	تلفن تماس (همراه):
آدرس پستی:	
تلفن تماس:	
در صورتی که مسجد دارای وب سایت و یا پایگاه اطلاع‌رسانی مجازی است آدرس پایگاه را قید نمایید:	

تهران صندوق پستی ۱۳۸۵/۱۹۷۷

پست جواب قبول

هر هفته پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۳۸۹/۱۹۷/۱۹۷ پرداخت شده است

لطفاً پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بفرمایید



پرواز شماره ۲۲

ادبی و روایی دفاع مقدس دست یافت. کتاب «پرواز شماره ۲۲» نخستین کتاب خاطرات از یک خلبان عراقی به نام «عصام عبدالوهاب الزبیدی» است که در دوران اسارتش در ایران به نگارش درآورده است. این کتاب را «محمدحسین زوار کعبه» ترجمه و انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۰ آن را چاپ کرده است.

اینکه یکی از مهاجمان و نیروهای دشمن خاطراتش را از حوادث آن سال‌ها به تصویر کشده باشد و برای ما نقل کرده باشد، در نوع خود قابل توجه است. هر خواننده و مخاطبی، در این کتاب با روز‌هایی از زندگی شخصی و نظامی این خلبان جوان آشنا خواهد شد و گوشه‌هایی از خاطرات تلخ و شیرین زندگی عصام عبدالوهاب الزبیدی را مرور خواهد کرد.

مقام معظم رهبری در روز ۲۷ خرداد ۱۳۷۱ تقریظی بر این کتاب نوشتند که متن آن به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

در ۱۳۷۱/۳/۲۷ مطالعه شد. این کتاب از جهت ارائه اطلاعاتی درباره نیروی هوایی عراق و برخی مسائل جنسی خالی از فایده نیست. اشتباه گرفتن ذرفول به جای العماره نقطه شیرین و جالب داستان است.»

تاریخ و گذشته هر ملتی، بخش جدایی‌ناپذیر و قسمت مهم آن ملت به شمار می‌رود. هر اتفاق خوب و بدی ضمن اینکه می‌تواند درسی ماندگار برای آیندگان باشد، تأثیر ناخودآگاه خود را برای وضعیت فعلی فرهنگ آن جامعه می‌گذارد. در میان حوادث گوناگون پیش آمده برای مردمان ایران زمین در قرن‌های گوناگون، «جنگ» یکی از حوادثی بوده که همیشه حجم قابل ملاحظه‌ای را در تاریخ ایران داشته است. آخرین و البته پرافتخارترین جنگ ایران جنگ تحمیلی عراق است.

ثبت خاطرات و شرح حوادث این دفاع اولاً برای آنان که آن حماسه را فریبند و ثانیاً برای آیندگان و نسل‌های بعدی سودمند و درس آموز است. ثبت روایت و نشر خاطرات رزمندگان، آزادگان و دیگر گروه‌های حاضر در حماسه دفاع مقدس از نظر مقام معظم رهبری همانند رگم‌ای از مواد باقی‌مانده است که در معدنی یافت می‌شود و با دنبال کردن آن می‌توان به گنجینه عظیمی از آثار



سنجح علمی مطالب:

بیکبری کدام مطلب از سربوئیس های چهارگانه تشریه را در شماره بعدی لازم می دانید:
آموزشی مهارتی تربیتی فرهنگی سیاسی اجتماعی

مغز	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
رواق	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
محراب	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
شیستان	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف

سبک نوشتاری و ویرایش مطالب:

عالی خیلی خوب متوسط ضعیف

سنجح کاربردی مطالب:

مغز	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواق	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شیستان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

مطراحی روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده اند؟
خیلی زیاد زیاد متوسط کم

حجم مطالب در هر سربوئیس:

مغز	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواق	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شیستان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

مسابقه پیامکی (یا چاپزده)

بهترین مقاله
بهترین طرح صفحه
بهترین تیتراژ

تنوع موضوعات و عناوین در هر سربوئیس:

مغز	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواق	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شیستان	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

پرداختن به چه موضوعاتی را در شماره بعد پیشنهاد می کنید.

آموزشی مهارتی تربیتی فرهنگی سیاسی اجتماعی